صغری و کبری

علامات قیامت

۱۵۰ علامات کوچک قیامت

شناخت برزخ ، شناخت صور ، شناخت محشر
شناخت صراط و شناخت کوثر

گردآورنده: أبوشاکر مسلم

بسم الله الرحمن الرحيم

شناخت کتاب:

نام کتاب	::	**علامات کوچك وبزرگ قیامت**
موضوع	::	**شناخت علائم صغری وکبری قیامت ومسائل مربوط به آن**
نویسنده	::	**ابوشاکرمسلم**
نوبت انتشار	::	**اول**
سال انتشار	::	**۱۳۹۸**

عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ : إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته إلى دنيا يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه .[جامع الاحاديث الصحيح].

فهرست مطالب صفحه

فصل اول: علامات کوچک وعلامات بزرگ قیامت

علامات بزرگ (کبری) قیامت:

فصل دوم: شناخت بعضی از احوال قیامت

ترس علماء ازقیامت:

داستان هایی ترس عمر بن عبدالعزیز از قیامت: فردی عمر بن عبدالعزیز را دشنام داد و عمر بن عبدالعزیز سکوت کرد. شخصی برای عمر بن عبدالعزیز گفت: چرا انتقامت را نگرفتی؟ عمر بن عبدالعزیزفرمود: اگر قیامتی نمی بود من با او میدانستم..

داستان دوم از عمر بن عبدالعزیز: فاطمه همسر عمر بن عبدالعزیز می گوید:به اتاق وی داخل شدم و دیدم که اشک های ایشان محاسنش را خیس کرده است .

گفتم:توراچه شده که این چنین آشفته حالی؟

پاسخ داد: امور این امت به من واگذار شده است، به فقیران، یتیمان و مظلومانی فکر می کنم که در روز قیامت در پیشگاه پروردگار درباره آنان از من سؤال خواهد شد و مدافع آنان، محمد صلی الله علیه وسلم خواهد بود. از این می ترسم که هیچ یک از توضیحات من نزد ایشان اعتباری نداشته باشد و از همین روی به حال خودگریانم.

داستان ترس عبدالله بن حجش از قیامت: سیدنا عبدالله بن جحش یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم که در روز احد عبدالله بن جحش وسعد بن معاذ به عبدالله گفت: من دعا میکنم وتو آمین بگو سپس تو دعا کن ومن آمین می گویم.

عبدالله بن جحش ایستاد وسعد بن معاذ دست به دعا برد وگفت: پروردگارا! من از تو میخواهم که فردا مردی نیرومند از کفار را نصیبم بگردانی که با او بجنگم واو با من بجنگد ، سپس من او را بکشم . این دعای سعد بن معاذ بود وعبدالله آمین گفت.

حال نوبت عبدالله است ، عبدالله گفت: بار الها! من از تو می خواهم که فردا مردی نیرومند از کفار را نصیبم کنی که با او بجنگم و او با من بجنگد ومن او را بکشم سپس مردی نیرومند دیگری نصیبم کنی که با من بجنگد واو با من بجنگد ومرا بکشد ، شکمم را پاره کند ، گوشم را ببرد وبنی ام را قطع کند ، ورروزقیامت با همین قیافه در برابرت(الله) حاضر شوم وتو به من بگویی ای عبدالله! چرا این گونه شده ای؟! ومن بگویم: به خاطر تو ای الله وتو بگویی راست گفتی!.

سعد بن معاذ می گوید:من در طول مدت چشم از او برنداشتم تا ببینم چه اتفاقی برایش می افتد ، پس از اتمام جنگ او را یافتم که شکمش پاره شده گوشش بریده وبینی اش قطع شده بود ، درکنارجسد دو نفر از کفار بود که آنان را به قتل رسانیده بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:«او الله را باور نمود و پروردگار نیز او را تصدیق کرد.»

داستان ترس عمر رضي الله عنه از قیامت: اسلم غلام عمر رضی الله عنه می‌گوید: یک بار با ایشان به سوی حره(نام محلی نزدیک مدینه است.) می‌رفتیم. از دور آتشی دیدیم که در بیابان روشن بود، عمر گفت: شاید کاروانی است که با

فرا رسیدن شب وارد شهر نشده و بیرون از شهر توقف کرده است، برویم از آن خبری بگیریم و اگر نیاز و مشکلی داشتند، رفع کنیم. به آنجا رفتیم دیدیم چند کودک در اطراف یک زن گریه و زاری می‌کنند و دیگی پر از آب روی آتش گذاشته شده است. عمر به وی سلام کرد و اجازه گرفت و نزدیک او رفت و پرسید: این کودکان برای چه گریه می‌کنند؟ آن زن گفت: بر اثر گرسنگی دارند گریه می‌کنند، پرسید: در این دیگ چه چیزی است؟ گفت: آن را پر از آب کرده و روی آتش گذاشته‌ام و به کودکان نوید آماده شدن غذا را می دهم و می‌خواهم بدین طریق آن‌ها را ساکت کنم و بخوابانم. الله میان من و امیرالمؤمنین قضاوت خواهد کرد، زیرا از تنگی عیش و زندگی من، خبر و سراغی نمی‌گیرد. عمر شروع به گریه کرد و فرمود: الله تو را مورد رحم قرار دهد! عمر از حال تو چه خبر دارد؟ او گفت: عمر امیر ماست، سپس از حال ما خبر ندارد؟ اسلم گفت: عمر مرا با خود برگرداند و به انبار بیت المال آمدیم، کیسه‌ای را پر از مواد غذایی از جمله: آرد، خرما و روغن با مقداری لباس و مقداری پول کردیم. ایشان به من گفت: این کیسه را بر پشت من قرار بده، عرض کردم: من خودم می‌برم. فرمود خیر، بر پشت من قرار بده، وقتی دوسه بار اصرار کردم فرمود: آیا روز قیامت هم بار مرا تو حمل می‌کنی؟ این را من بر دوش حمل می‌کنم، زیرا که در روز قیامت از من در این مورد سؤال خواهد شد. من ناگزیر آن کیسه را بر پشت ایشان گذاشتم، ایشان با شتاب نزد آن زن رفت و من هم همراه ایشان بودم. مقداری آرد، روغن و خرما در آن

دیگ قرار داد و آن‌ها را به هم زد و روی آتش گذاشت، آتش را خوب پف کرد تا روشن شود. اسلم می‌گوید: از ریش انبوه عمر بر اثر پف‌کردن آتش دود بیرون می‌شد، تا این‌که نوعی حلوا آماده شد، و با دست مبارک خویش آن را از دیگ بیرون آورد و به آن‌ها داد، تا بخورند.

کودکان خوب خوردند و سیر شدند و مشغول خنده و بازی شدند. باقی‌مانده را نیز به آنان تحویل داد تا بعداً بخورند، آن زن اظهار داشت: الله به شما جزای خیر دهد، شما شایسته این بودی که به جای عمر خلیفه می‌شدی. عمر او را تسلی داد و فرمود: وقتی نزد خلیفه آمدی مرا در آنجا می یابی. چند دقیقه در آنجا نشست و سپس به خانه بازگشت و فرمود: برای این نشستم تا او را شاد و خندان ببینم، زیرا او را اندوهگین و گریان دیده بودم.

بلــه دوســتان عزیــز! طور نمونه چند داستان را خدمت تان عرض کردم تا ما چگونه در مقابل قیامت آمادگی بگیرم..

فصل اول

علامات کوچک وعلامات بزرگ قیامت

علامات قیامت به سه حصه تقسیم میگردد

علامات قیامت که در عربی به آن: «اشراط الساعة» گفته میشود ، اشراط جمع شرط است و به معنی نشانه می باشد و گفته شده «أشراط الشيء» یعنی اوائل آن.

و در زبان عرب به معنی نزدیکترین چیزهایی که می آیند، می‌باشد. زیرا نشانه هر چیزی اولین آن است.

و «الساعة» بخشی از اجزای زمان است و از آن به قیامت تعبیر می‌شود.

علامات قیامت به سه حصه تقسیم میشود:

- علامات صغری (نشانه های کوچک قیامت).
- علامات کبری (نشانه های بزرگ قیامت).
- بعضی از علائم صغری که بعد از علائم کبری ویا دراثنای علائم کبری واقع میگردند.

قابل یاد آوری است که علامات صغری وکوچک قیامت(۹۹٪ تقریباً) به وقوع پیوسته است وشروع علامات صغری از زمان بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم شده است وادامه علامات صغری تا خارج شدن آتش است(آن آتش یکه یکی از علائم بزرگ قیامت میباشد که از یمن شروع میشود ومردم را بطرف محشرگاه میراند)[رحلة الخلود ۳۷۰].

وبعضی گفته اند که اولین علامه کوچک قیامت از زمان بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع وتا ظهور امام مهدی علامات کوچک ادامه میداشته باشند ودرحقیقت ظهور امام مهدی حلقه ای وصل است بین علامات کوچک وبزرگ قیامت.

اولین حدیث یکه همه ای محدثین آنرا درعلامات کوچک قیامت روایت مینمایند وآنرا بنام حدیث «جبرئیل» یاد میکنند اینست: از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: (بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ الله صلی الله علیه وسلم ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أخْبِرْنِي عَنْ الإِسْلاَمِ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ رضی الله عنه: (الإِسْلاَمُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لاَ إِلهَ إِلاَ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَتُقِيمَ الصَّلاَةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيتَ إِن اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلاً). قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الإِيْمَانِ، قَالَ: (أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ، وَمَلاَئِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ). قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الإِحْسَانِ. قَالَ: (أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ). قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: مَا الْمَسْؤُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ). قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: (أَنْ تَلِدَ الأَمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ). ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ

قَالَ: (يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: (فَإِنَّهُ جِبْرِيْلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِيْنَكُمْ).(رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

ترجمه حدیث: روزی ما نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی بر ما وارد شد که جامه او بسیار سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، و کسی از ما او را نمیشناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوییم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبر صلی الله علیه وسلم چسباند، و دو دستش را بر دو ران آن رسول الله صلی الله علیه وسلم نهاد، وگفت: ای محمد! مرا از اسلام خبر ده.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی به حق جز الله یکتا نیست، و آن که محمد فرستاده الله است، و بر پا بداری نماز را، و زکات بدهی، و روزه [ماه مبارک] رمضان بگیری، و حج خانه الله را نمایی ، اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله ای برای سفر داشته باشی.

آن مرد گفت: راست گفتی.

ما به شگفت آمدیم که از رسول اکرم سؤال میکند (در حالی که سؤال، علامت ندانستن است) و تصدیق مینماید (در حالی که تصدیق نشانه دانستن است).

گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، رسول الله فرمود: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی الله (در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد)،

و ایمان بیاوری به فرشتگان الله (که پیام رسانان میان الله و پیامبران هستند)، و ایمان بیاوری به پیامبران الله (که برای راهنمایی بشر فرستاده شده اند)، و ایمان بیاوری به روز قیامت(و آن چه شامل آن میشود از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ)، و ایمان بیاوری به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن.

آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده، فرمود: نیکوکاری عبارت است از اینکه چنان الله را بندگی کنی گویا او را میبینی، و اگر تو او را نمیبینی، یقین بدار که او تو را میبیند. گفت مرا از روز قیامت خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) داناتر از پرسنده نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت باخبر ساز، فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید، (یعنی مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر بدانند). و آنکه پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در ساختمان) بپردازند. پس آن مرد رفت، و من چندی نشستم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای عمر! میدانی که سؤال کننده چه کسی بود؟ گفتم: الله و رسول الله بهتر دانند، فرمود: او جبریل بود، که آمده بود (تا با پرسش و پاسخ کردنش) دینتان را به شما بیاموزد.

هدف از بیان علائم قیامت درحقیقت آمادگی برای روز قیامت است ،که یک فرد خودش را برای آنروز با اعمال صالح آماده سازد، ولی اگر زمان وقوع آنرا نداند ضرری به وی نمیرسد.

و زمان وقوع قیامت بر ما انسانها معلوم نیست و کسی جز الله تعالی زمان آنرا نمی داند: الله تعالی می فرماید: {وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ} زخرف ۸۵.
یعنی: «و علم قیامت نزد اوست»
بنابراین کسی جز الله تعالی نمی داند چه زمانی قیامت برپا می شود ولی برپا شدن قیامت نشانه هایی دارد که بر اساس وقوع آن نشانه ها می توان پی به نزدیک بودن زمان وقوع قیامت برد. این نشنه ها را در اصطلاح شرع "أشراط الساعة " گویند یعنی نشانه ها و علامتهایی که قبل از برپایی آن واقع می شوند.
الله تعالی می فرماید: {فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا} (محمد ۱۸) «آیا جز این انتظار می برند که رستاخیز ناگهان بر آنها فرا رسد و علامتهای آن پدیدار شود».

تقسیم علامات کوچک قیامت:

علامات صغری قیامت نیز به سه حصه تقسیم میشود:

- **حصه اول:** علامات ونشانه های یکه به مرور زمان از زمان بعثت پیامبر اسلام تا این عصر به وقوع پیوسته است و بیش از ۳۰۰ علامات است که بیش از ۱۵۰ علامه ای آن به حدیث صحیح ثابت میباشد وبقیه علامات آن به حدیث ضعیف ثابت شده که هدف ما دراینجا آوردن علامات قیامت از احادیث صحیح میباشد.
- **حصـــه دوم:** علامات یکه تا حالا واقع نشده است البته علامات اندکی هستند که تاحالا واقع نشده است.
- **حصه سوم:** علامات یکه بعد از علائم کبری واقع میگردد.

۱: علامات ونشانه هایی کوچک قیامت که واقع گردیده اند:

۱- **مبعوث شدن پیـــامبر اســـلام:** اولین نشانه ای کوچک قیامت مبعوث شدن پیامبراسلام میباشد. بر اساس آنچه در صحیحین از حدیث انس بن مالک که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود:«بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ. وضم السبابة والوسطى» (بخاری (٦٥٠٤) ، وصحیح مسلم (٢٩٥١)) . «بعثت من و قیامت مانند این دو انگشت است و دو انگشت سبابه و وسطی را به هم چسپاند».

۲- **وفات پیامبر اســـلام:** وفات پیامبر اسلام نیز از علائم کوچک قیامت میباشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای عوف فرمود: ای عوف پیش از قائم شدن قیامت شش چیز را حفظ وشمار کن (ورسول الله صلی الله علیه وسلم یکی آن علائم را) وفات نمودن خودش گفت.(صحیح الجامع٧٥٥٦).

۳- **خارج شدن آتش در حجـــاز:** شیخین از ابوهریره روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ تُضِيءُ أَعْنَاقَ الْإِبِلِ بِبُصْرَى» بخاری (٧١١٨) ، وصحیح مسلم (٢٩٠٢) . «قیامت برپا نمی‌شود تا آتشی در حجاز برافروخته شود و گردن شتران را در بصری روشن گرداند»

شرح حدیث: (بُصری)، شهری معروف در سوریه به آن حوران گفته می‌شود که تا دمشق سه مرحله فاصله دارد.«معجم البلدان»(۱/٤٤۱) و«شرح نووی بر صحیح مسلم»(۱۸/۳۰)و«فتح الباری» (۱۳/۸۰).

و این آتش بر اساس آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود در جمادی الثانی سال٦٥٤ هـ که خروج آن در قسمت شرقی مدینه بود، ظاهر شد و به سبب آن دره ای از آتش جاری شد و جماعتی از مردم آنجا و مردم شام نور آن را دیدند و مردم بصری گردن شتران در روشنایی آن همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود دیدند.

٤- **برمردم زمانه ای می آید که روز آینده بدتر از آن روز میباشد::** قال رسول الله صلی الله علیه وسلم«لایأتی علی الناس زمان إلا والذی بعده شر منه»(رواه البخاری).

٥- **فتح بیت المقدس:** که در زمان عمر بن الخطاب رضی الله عنه آن فتح شد در سنه ۱٥هجری.(رحلة الخلود۳۷۱) وفتح بیت المقدس یکی از علائم قیامت صغری بود.

٦- **آمدن مرضی در امت که زیادی از این امت را به قتل میرساند:** یکی از علائم قیامت اینست که نوع مرضی می آید که زیاد مردم را به قتل میرساند(رحلة الخلود۳۷۱).

۷- **فتنه ای که داخل خانه ای هر مسلمان میشــود :** یکی از علائم قیامت اینست که خانه به خانه فتنه ها اوج میگیرند!.

۸- **زمانه ای می آید که اگر بر شخص ۱۰۰ دینار بدهی بــازهم راضی نمیشود:** .(رحلة الخلود ۳۷۲).

۹- **زمانه ای می آید که جنگ وقتال وجدل مردم برای بدســت آوردن دنیا میباشــد:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«لاتقوم الساعة حتی یکثر الهرج ، قالوا: وماالهرج یارسول الله؟ قال: القتل القتل»(صحیح البخاری کتاب الفتن).«یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: قیامت برپا نمیشود مگر اینکه زیاد شود هرج! صحابه گفتند ای رسول الله هرج چیست؟ گفت: کشتن کشتن ».

۱۰- **زمانه ای می آید که قاتل نمیداند چرا قتل میکند ومقتــول نمیداند که چرا کشته میشود؟:** عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم * والذي نفسي بيده لا تذهب الدنيا حتى يأتي على الناس يوم لا يدري القاتل فيم قتل ولا المقتول فيم قتل فقيل كيف يكون ذلك قال الهرج القاتل والمقتول في النار(صحیح مسلم)..«یعنی: دنیافانی نمی گردد مگر اینکه زمانه ای بر مردم می آید که قاتل نمی داند چرا قتل میکند ومقتول نمیداند چرا قتل میشود.»

۱۱- **سپردن کار به غیر اهل آن:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«اذا وسد الامر الی غیر اهله فانتظر الساعة»(متفق علیه).«یعنی: هرگاه کار به غیر از اهلش سپرده شود پس انتظار قیامت را داشته باش».

۱۲- **بد زبانی ودشنام دادن:** یکی از علائم قیامت اینست که زبان های مردم پر از فحشا ودشنام دادن میشود. دکتور مصطفی مراد می گوید:«متأسفانه امروز مسلمانان درخانه ها وبازار ها بدزبانی میکنند ودشنام میدهند بدون حیا»(رحلة الخلود(۳۷۲).

۱۳- **قطع صله رحمی:**

۱٤- **خائن شدن أمین:**

۱۵- **وأمین شدن خائن:** رسول الله صلی علیه وسلم میفرماید:«من اشراط الساعة الفحش والتفحش ، وقطیعة الرحم ، وتخوین الأمین وائتمان الخائن»(رواه احمد)..«یعنی: یکی از علائم قیامت فحش طبعی وفحش کسبی وقطع صله رحمی وخائن دانستن شخص أمین وأمین دانستن شخص خائن».

۱٦- **زمانه ای می آید که مسلمانان تقلید امت های گذشته را میکنند:** متأسفانه امروز می گویند:«آنچه که بابه های ما آنرا گذاشتند ما آنرا پیروی میکنیم» عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ – رضي الله عنه – عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم قَالَ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَأْخُذَ أُمَّتِي بِأَخْذِ الْقُرُونِ قَبْلَهَا شِبْرًا بِشِبْرٍ (شِبْرًا شِبْرًا) وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ (وَذِرَاعًا ذِرَاعًا) فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ كَفَارِسَ وَالرُّومِ فَقَالَ وَمَنِ

النَّاسُ إِلَّا أُولَئِكَ» ودر روایتی فرموده است «لَتَتَّبِعُنَّ سَنَنَ مَن كانَ قَبلَكُم شِبراً شِبراً وَ ذِراعاً بِذِراعٍ؛ حتّی لَو دَخَلُوا جُحرَ ضَبٍّ تَبِعتُمُوهُم. قُلنا: يا رَسُولَ اللهِ. اليَهُودُ وَ النَّصارى؟ قالَ: فَمَن؟!» «یعنی: حتماً راه و روش کسانی پیش از خود را (اهل کتاب، یهود و نصاری) وجب به وجب و ذراع به ذراع پیروی خواهید کرد، تا جایی که اگر به سوراخ سوسماری داخل شوند شما از آن‌ها پیروی خواهید کرد، گفتیم: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! منظور یهود و نصاری است؟ فرمود: پس کیست؟) و معنای این که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: پس کیست؟ منظور این است که آن‌ها مشخص هستند.»بخاری(۳۴۵۶)ومسلم(۲۶۶۹).

۱۷- **هجوم آوردن ملت های کفر علیه مسلمانان:** امروز شرق وغرب علیه مسلمانان هجوم آورده اند هم از لحاظ عساکر وهم از لحاظ سیاسی واجتماعی واقتصادی . رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «يوشك الأمم أن تداعى عليكم كما تداعى الأكلة إلى قصعتها. فقال قائل: ومن قلة نحن يومئذ؟ قال: بل أنتم يومئذ كثير، ولكنكم غثاء كغثاء السيل، ولينزعن الله من صدور عدوكم المهابة منكم، وليقذفن الله في قلوبكم الوهن. فقال قائل: يا رسول اللهِ! وما الوهن؟ قال: حب الدنيا وكراهية الموت».(سنن أبي داود۴۲۹۷.)«یعنی: به زودی دیگر امتها علیه شما فراخوان میدهند، چنانکه خورندگان برای کاسه ی غذا فرا میخوانند.شخصی گفت: به خاطر

تعداد کم ما؟ فرمودند: بلکه شما در آن روز بسیارید؛ اما همانند کف روی آب هستید. به یقین الله هیبت شما را از دل دشمنانتان ریشه کن میکند و حتما در دلهای تان سستی می افکند. گفتند: ای رسول الله! سستی چیست؟ فرمود: حُبِّ دنیا و کراهیت مرگ».

۱۸- **ظهور پادشاهان وامراء که خلاف دین می گویند وهیچ کسی با آنها مقابله نمی کنـد:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«تکون امـراء یقولـون ، ولا یـرد علـیهم یتهـافتون فـی النـار ، یتبـع بعضـهم بعضاً»(الصحیحة ۱۷۹۰) «یعنی: میباشند امیرانی که می گویند(خلاف دین) اما بالای ایشان کسی رد نمی کند سقوط میکنند ایشان در جهنم یکی پی دیگر».

۱۹- **مردم عراق ومصر کم انفاق وصدقه میدهند:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «منع میکند مردم عراق درهم وپیمانه ای عراق را ومنع میکند مردم شام وزن را ومنع میکند مردم مصر دینار وچادر آنرا»(رواه مسلم).

این علامه ای کوچک قیامت در عهد عباسیان رخ داد.

۲۰- **تجـاوز واز حدگـذری در دعـا:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیکون قوم یعتدون فی الدعاء»(صحیح الجامع ۳۶۷۱).«یعنی:

زود است اقوامی بیایند که در دعا از حد میگذرند.»(یعنی: بالاتر از عمل صالحه ای خود طلب میکنند).

۲۱- **زمانه ای می آید که شخص صادق را کاذب میشناسند وکاذب را صادق:** «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّهَا سَتَأْتِي عَلَى النَّاسِ سِنُونَ خَدَّاعَةٌ ، يُصَدَّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ ، وَيُكَذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ ، وَيُؤْتَمَنُ فِيهَا الْخَائِنُ ، وَيُخَوَّنُ فِيهَا الأَمِينُ ، وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ قِيلَ : وَمَا الرُّوَيْبِضَةُ ؟ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ : السَّفِيهُ يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ.(مسند احمد).«یعنی: می آید بالای مردم سالهایی که فریب کاری در آنها زیاد میباشد تصدیق میشود در آن درغگویان وتکذیب کرده میشوند در آن راستگویان ، أمین دانسته میشود خائینان وخائینان أمین دانسته میشوند وریبضه در آن سالها نطق میکنند ، گفته شد رویبضه چه افرادی اند؟ گفت: شخصی است که بدکار وبی خرد است که درامور مردم مداخله میکند ».

۲۲- **زمانه ای می آید که اللّه نصرت دین را توسط شخص فاجر وفاسق میکند:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیشد هذا الدین برجال لیس لهم عند الله خلاق».(صحیح الجامع٣٦٥٦) «یعنی: الله گسترش (ومحکم) میسازد این دین را توسط افرادی که نزد الله حصه وجایگاه ندارند»..

۲۳- **زمانه ای می آید که امراض امت های گذشته بـراین امـت می آید**:رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیصیب أمتی داء الأمم الأشر والبطر والتکاثر والتشاحن فی الدنیا ، والتباغض والتحاسد حتی یکون البغی »(رواه الحاکم) «یعنی:زود است میرسد به امت من دردهای امتهای شریر وبد وصاحب کبر و کثرت مال وبخل در دنیاء و بغض وعداوت وهمچنان حسد که سرانجام آن بغاوت وسرکشی است».

۲٤- **انکـــار ودروغ شـــمردن تقـــدیر:** در حدیث صحیح آمده است که:«سیکون فی أمتی أقوام یکذبون التقدیر»(صحیح الجامع٣٦٥٦). «یعنی: زود است در این امت اقوامی بیایند که تقدیر را تکذیب نمایند». که این علامه نیز به وقوع پیوست وفرقه ای ظهور کرد بنام «قدریه» که تقدیر را انکار کردند.

۲٥- **ندامت وپشیمانی از ، دست دادن چوکی ومقام:** یکی از علائم کوچک قیامت اینست که وقتیکه چوکی ومقام را از شخص گرفتند ندامت وپشیمانی بیش از حد میکنند ، رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«لیتمنین أقوام ولوا هذا الأمر أنهم خروا من الثریا ، وأنهم لم یلوا شیئا».(صحیح البخاری کتاب الفتن). «یعنی: آرزو میکنند اقوامی که بدست بیاورند مقام وچوکی را که زیان مند شدند از اختیار این چوکی ومقام ، واینها بدست نیاوردند چیزی را».

۲۶- **فـــتح مشـــرق ومغـــرب زمـــین:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیفتح لکم مشارق الارض ومغاربها ، وإن عمالها فی النار إلا من اتقی الله.(أخرجه احمد٥/٣٦٦)».« زود است که فتح شود برای شما مشرق ومغرب زمین ، (اما) امراء آن مشرق ومغرب در جهنم میباشد مگر کسیکه از الله بترسد».

۲۷- **زمانه ای می آید که مساجد راه ، گرفتـه میشـوند:** مطلب اینســت کــه از راه مســجد تــیر میشــوند ولــی در آن نمــاز نمــی خوانند(الرحلة٣٧٦).

۲۸- **زمانه ای می آید که شخص اگر شخص دیگری را شـناخت سلام میدهد:** در این زمانه قرار داریم که بعضی از دوستان را می گوییم چرا سلام نمیدهی؟ می گوید: چون اورا نمی شناختم!. حال آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سلام بده برای کسیکه می شناسی ویا نمی شناسی».(صحیح البخاری).

۲۹- **زمانه ای می آید که مرد همرای زن نامحرم ومرد نامحرم همرای زنان نامحرم تجارت میکنند:** حتی در کشور های اسلامی زنان از خانه های خویش خارج شده اند وتجارت میکنند.

۳۰- **زمانه ای می آید که مهر عروسی بلند میشود:** بله! در این عصر قرار داریم که مهر را بگذار (که آن بی حد بلند است) چیزی را بنام طویانه

ویا ولور ایجاد کردند که تنها یک ملیون نفر درکابل بخاطر مصرف گزاف نتوانستند عروسی کنند یا به مواد مخدر آغشته شدند ویاهم درایران زیر دست روافض کار میکنند.

۳۱- **زمانه ای می آید که نرخ اسب ها در مدت زمانی بلند میرود اما.... :** زمانه ای می آید که مدت زمانی نرخ اسب ها خیلی قیمت میباشد وزمانه ای می آید که قیمت آنها بسیار پایین میشود .(**دلیل چند علامات فوق صغری قیامت**) صحابی بزرگوار-عبدالله بن مسعود- میفرماید:«إن من أشراط الساعة أن تتخذ المساجد طرقاً ، وأن يسلم الرجل على الرجل بالمعرفة ، وأن يتجر الرجل وامرأته جمعياً ، وأن تغلو مهور النساء والخيل ، ثم ترخص فلا تغلو إلى يوم القيامة».(رواه أبوداود). «یعنی: از علامات قیامت اینست که مساجد راه گرفته شود ، وشخص صرف بخاطر شناخت سلام دهد ، تجارت میکند مرد همرای زن بیگانه ، وبلند میرود مهر زنان وقیمت اسب ها ، وبعد از آن قیمت اسب ها پایین میشود تا قیامت».

۳۲- **زمانه ای می آید که حاکمان مسلمان بی عقلان وبی خردان میباشند :** دکتور مصطفی می گوید: ما در زمانه ای قرار داریم که أمیران و وزیران ای حکومت میکنند که نه دین دارند ونه اخلاق ، کسانیکه در ذات ونفس خویش پلید باشد چگونه میتواند دولت و وزارت را پاک نماید؟!.(الرحلة۳۷۸).

۳۳- **زمانه ای می آید که «پولیس» ها زیاد میشود:** یکی از علائم قیامت زیاد شدن پولیس ها است ، خیلی زیاد اند اما روز به روز امنیت بدتر شده میرود.(الرحلة۳۷۸).

۳٤- **فــروش رأی وحکــم:** مانند فروش رأی در انتخابات پارلمانی وریاست جمهوری که وکیلان ونامزدان ریاست جمهوری آنان را به پول هنگفتی میخرند(الرحلة۳۷۸).

۳۵- **سبک شمردن وبی اهمیت دانستن خون مسلمان:** متأسفانه در زمانه ای قرار داریم که ریختن خون مسلمان اندازه ای کشتن یک پشه اهمیت ندارد ، در کوچه ها وپس کوچه ها افراد مسلمان به قتل میرسند حتی به ۱۰۰ افغانی.

۳٦- **مقدم کردن اطفال بر نماز جماعت بخاطر زیبائی صوت آنها نه بخاطر فقاهت:** زمانه ای می آید که کسانی را پیش نماز میکنند که صدای خوب میداشته باشند فکر نمی کنند که آیا اینها فقاهت ودانائی از دین دارند ویاخیر؟!. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«بادروا بالاعمال ستاً: إمارة السفهاء ، وكثرة الشرطة ، وبيع الحكم ، واستخفافا بالدم ، وقطيعة الرحم ، ونشواً يتخذون القرآن مزامير ، يقدمون أحدهم ليغنيهم ، وإن كان أقلهم فقهاً».. «یعنی: چالاکی کنید به انجام اعمال نیک پیش از آمدن شش چیز ۱- امارت وپادشاهی بی عقلان ،۲- زیاد شدن پولیس ،

۳- فروش تعهد وحکم و رأی ، ٤- سبکی به ریختاندن خون مسلمان ، ٥- قطع صله رحمی ، ٦- قرآنکریم را به شکل شعر میخوانند که مقدم میکنند یکی خود را (برنماز) بخاطر زیبائی صوت ، اگر چه که دانائی وفقاهت ایشان (از دین) اندک است».

۳۷- **زیاد شدن تصانیف وتألیف کتاب:** البته زیاد شدن تصانیف کتاب از علائم قیامت است به این معنا نیست که تصنیف کتب وتألیف عمل قبیح باشد ، زیادی از علائم صغری قیامت در آن فائده ها است ودر آن نیکی ها وعزت مسلمانان میباشد مانند بعثت پیامبر ، فتح ترکیه ، فتح قسطنطنیه ، فتح بیت المقدس وغیره.. پس کسی فکر نکند که تصنیف کتاب عملی است قبیح! اگر اینطور میبود امام ابن رجب حنبلی دوهزار کتاب نمی نوشت. (الرحلة۳۷۷).

۳۸- **هلاکت امت محمد به دست چند جوانی قریشی:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« إِنَّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَى يَدَيْ غِلْمَةٍ سُفَهَاءَ مِنْ قُرَيْشٍ»(مسند احمد).«یعنی: هلاکت امت من بدست چند چوان بی عقل قریش است». شاید مطلب این حدیث عبدالملک بن مروان وحجاج وغیره ظالمان باشد.(قابل یاد آوری است که یزید بن معاویه شامل این حدیث نیست) والله اعلم.

۳۹- **زمانه ای می آید که اموال مسلمانان را غنیمت گرفته می گیرند:**

۴۰- **زمانه ای می آید که پرداخت زکات را تاوان میدانند:**

۴۱- **زمانه ای می آید که شخص اطاعت زن خود را مینماید ولی نافرمانی مادرش میکنــد:** قابل یاد آوری است که احترام بر زن لازم است اما به حد واندازه.

۴۲- **زمانه ای می آید که شخص با دوستان خویش نیکی میکند ولی با پدرش جفاء وخیانت می نماید:** متأسفانه در این عصر قرار داریم که چنین اشخاص در جامعه بی شمار اند حتی کسانی اند که پدران خود را نزد دوستان خویش خجالت میکنند که به معرفی بگیرند.

۴۳- **زمانه ای می آید که از مساجد صدا ها بلنــد میشــود:** واین صداها شامل: فاتحه خوانی در مسجد ، رقص وذکر صوفیه در مساجد ، دعوی وجنجال در مساجد ، تجلیل از میلاد النبی در مساجد وحتی در برخی از مساجد تجلیل از نوروز میکنند ودر مساجد اشعار میخوانند وغیره.

۴۴- **زمانه ای می آید که رزیل ترین فرد ملــک(رئیس قــوم) میشود:** بله! در زمانه ای قرار داریم که ملکان آن رزیل ترین مردمان هستند زمانیکه صلح میکنند در صلح خیانت میکنند وبه جانب یکه پول گرفته اند

قضاوت میکنند و فرصت را غنیمت شمرده با دشمنان خویش(که مسلمان اند) انتقام گیری میکنند وبا مسلمانان مخلص حسد می ورزند.

۴۵- **زمانه ای می آید که فاسد ترین مردم رئیس میشوند:**

۴۶- **زمانه ای می آید که شخص بخاطر هیبت (وترس از او) احترام کرده میشود:** مطلب اینکه یکی از علائم قیامت اینست که شخص را بخاطر الله اکرام وعزت نکنی اما بخاطر هیبت وزور که او دارد (بخاطر ترس ازجان) اورا اکرام وعزت نمایی.

۴۷- **زمانه ای می آید که به غیر از علم دین (علوم دیگر) تعلیم میشود:** حتی در کشور های اسلامی علم های غیر شرعی وزبان های غیر اسلامی فرا گرفته میشود حتی الازهر ... در مدارس زبان های انگیسی وغیره تدریس میشود که این همه علامات قیامت میباشد.

۴۸- **شراب خوری زیاد میشود:** در عصری قرار داریم که خوردن شراب علنی است وبه خوردن آن فخر میکنند وتصاویر یادگاری می گیرند و سینماها وهوتل ها (به خصوص در ترکیه) جور میکنند.

۴۹- **پوشیدن لباس ابریشم:** زمانه ای می آید که جوانان افتخارانه ابریشم میپوشند .

۵۰- **زمانه ای می آید که زنانه رقاصه وزنان خواننده ظهور میکنند:** بله! دراین زمانه هستیم ، حتی در سرزمین های اسلامی زنان

میرقصند وحتی در مکان های مقدس ، وحتی در سرزمین پیامبر گرامی اسلام رقاصه ها را طلب میکنند ودر ریاض میرقصند ودر قدس پایکوبی میکنند کابل ، بغداد و قاهره را بگذار. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«"إذا اتخذ الفيء دولا والأمانة مغنما والزكاة مغرما وتعلم لغير الدين وأطاع الرجل امرأته وعق أمه وأدنى صديقه وأقصى أباه وظهرت الأصوات في المساجد وساد القبيلة فاسقهم وكان زعيم القوم أرذلهم وأكرم الرجل مخافه شره وظهرت القينات والمعازف وشربت الخمور ولعن آخر هذه الأمة أولها فارتقبوا عند ذلك ريحا حمراء وزلزلة وخسفا ومسخا وقذفا وآيات تتابع كنظام قطع سلكه فتتابع " . (رواه الترمذي).«یعنی: وقتیکه مال غنیمت را اغنیاء ودولتمندان تصرف کنند وبین خود تقسیم کرده به عموم غازیان حصه ندهند! ، وامانت را غنیمت پنداشته در آن خیانت ورزند! ، وزکات دادن را غرامت وتاوان دادن پندارند! ، وعلم دین را نیاموزند(غیر علم دین را بیاموزند). ، ومرد همسر خود را اطاعت وفرمانبرداری کند ومادر خود را نافرمانی کرده وبرنجاند! ، ودوست خود را به خود نزدیک گرداند وپدر خود را دور داند! ، ودر مساجد صداها بلند گردد! ، وفاسق یک قبیله ملک وبزرگ آن قوم گردد! ، و رزیل ترین قوم رئیس وکفیل آنها گردد! ، ومرد از جهت ترس وبدی او گرامی داشته وعزت کرده شود! ، وزنان سراینده ورقاصه ! ، وهمچنان آلات سرود وموسیقی ظاهر ورائج گردد ، وشراب ها ومسکرات نوشیده شود ،

وپسینان این امت پشینان امت را نفرین گویند ؛ پس در آن وقت انتظار برید باد سرخ را وزلزله را ومسخ شدن وسنگ افتادن از آسمان را ونشانه هایی قیامت را که پی درپی آیند همچو سلسله جواهر که رشته ای آن گسسته باشد وجواهر آن پی در پی بیفتد.».

۵۱- **ظهور فتنه ها:** رسول الله صلی الله علیه وسلم از ظهور فتنه ها خبر داده است وفرموده: عمر رضی الله عنه سبب بند بودن فتنه ها است وهرگاه آن شهید شود ، دروازه فتنه ها باز میگردد وتاقیامت ادامه خواهد داشت ، ومیتوان گفت برخی از فتنه ها :

- جنگ میان اصحاب که حدود ۷۰ هزار نفر بین هم شهید شدند.
- اولین فتنه ، شهادت عمر رضی الله عنه بود.
- دومین فتنه شهادت عثمان رضی الله عنه.
- فتنه ای دیگر : قتل زبیر رضی الله عنه.
- خبر دادن رسول الله صلی الله علیه وسلم از واقعه جنگ جمل.
- قتل عمار بدست گروه سرکش وباغی.
- اخبار از پیدائش فرقه خوارج.
- قتل علی رضی الله عنه.
- ازبین رفتن خلافت تا مدت زمان طولانی.
- متفرق شدن امت به ۷۳ فرقه.

- قتل سيدنا حسين رضى الله عنه.
- ظهور اقوام يكه از نام قرآن ميخورند.
- ظهور قتل ها بعد از خلفاى راشدين.
- قتل مسلمان توسط مسلمان ديگر.
- وغيره.

اين بعضى از علائم فتنه ها بود كه رسول الله صلى الله عليه وسلم از وقوع آن خبر داد.

٥٢- **زمانه اى مى آيد كه آخر اين أمت أول اين أمـت را لعـن ونفرين ميكننـد:** متأسفانه در عصر قرار داريم كه مردان بى خرد سلف صالح را لعن ونفرين ميكنند ومى گويند: لعنت بر عمر وأبوبكر ، ولعنت بر أبن تيميه ومحمد بن عبدالوهاب وغيره. وجالب تر اينكه مى گويند: آنها(مردان پيشين نيك) مردان بودند وما نيز مردان هستيم. رسول الله صلى الله عليه وسلم ميفرمايد:«"إذا اتخذ الفيء دولا والأمانة مغنما والزكاة مغرما وتعلم لغير الدين وأطاع الرجل امرأته وعق أمه وأدنى صديقه وأقصى أباه وظهرت الأصوات في المساجد وساد القبيلة فاسقهم وكان زعيم القوم أرذلهم وأكرم الرجل مخافه شره وظهرت القينات والمعازف وشربت الخمور **ولعن آخر هذه الأمة أولها** فارتقبوا عند ذلك ريحا حمراء وزلزلة وخسفا ومسخا وقذفا وآيات تتابع كنظام قطع سلكه فتتابع " . (رواه الترمذي).«يعنى: وقتيكه مال غنيمت را اغنياء

ودولتمندان تصرف کنند وبین خود تقسیم کرده به عموم غازیان حصه ندهند! ، وامانت را غنیمت پنداشته در آن خیانت ورزند! ، وزکات دادن را غرامت وتاوان دادن پندارند! ، وعلم دین را نیاموزند(غیر علم دین را بیاموزند). ، ومرد همسر خود را اطاعت وفرمانبرداری کند ومادر خود را نافرمانی کرده وبرنجاند! ، ودوست خود را به خود نزدیک گرداند وپدر خود را دور داند! ، ودر مساجد صداها بلند گردد! ، وفاسق یک قبیله ملک وبزرگ آن قوم گردد! ، و رزیل ترین قوم رئیس وکفیل آنها گردد! ، ومرد از جهت ترس وبدی او گرامی داشته وعزت کرده شود! ، وزنان سراینده ورقاصه ! ، وهمچنان آلات سرود وموسیقی ظاهر ورائج گردد! ، وشراب ها ومسکرات نوشیده شود! ، **وپسینان این امت پشینان امت را نفرین گویند** ؛ پس در آن وقت انتظار برید باد سرخ را وزلزله را ومسخ شدن وسنگ افتادن از آسمان را ونشانه هایی قیامت را که پی درپی آیند همچو سلسله جواهر که رشته ای آن گسسته باشد وجواهر آن پی در پی بیفتد.».

۵۳- **ظاهر شدن وسائل نقلیه(مانند موتر):** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیکون فی آخر أمتی رجال یرکبون علی السروج ، کأشباه الرحال ینزلون علی أبواب المساجد ، نساؤهم کاسیات عاریات(رواه الترمذی)». یعنی:«میباشد در آخر امت من مردانی که سوار میشوند بالای

زین وپالان ها ، که پایین میشوند به دروازه های مساجد زنان شان(درظاهر لباس) لباس دارند اما در حقیقت برهنه اند».

٥٤- **نزدیک شدن زمانه:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«لاتقوم الساعة حتی يتقارب الزمان».«يعنی: قیمت قائم نمیشود تا اینکه زمانه نزدیک گردد». ودر روایتی آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:«قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " لا تقوم الساعة حتى يتقارب الزمان فتكون السنة كالشهر والشهر كالجمعة وتكون الجمعة كاليوم ويكون اليوم كالساعة وتكون الساعة كالضرمة بالنار " . رواه الترمذي ».«یعنی:قیامت قائم نمیشود تا آنگاه که زمانه نزدیک میگردد پس میشود (در آن زمانه) سال مثل سپری شدن یک ماه ، وماه مثل یک جمعه ویک جمعه مانند یکروز ویکروز مانند یکساعت ویکساعت مانند أفروختن آتش».

٥٥- **ازبین رفتن صالحین:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«يذهب الصالحون الأول فالأول ، وتبقى حثالة كحاثلة الشعير لا يباليهم الله باله».(رواه البخاری). «یعنی: ازبین میروند نخستین مردمان نیک وصالح وبعد از آن مردمان نیک نیز میروند مردان صالح نیک دیگر ، وبعد از آن باقی میماند مردانیکه مثل خس وخاشاک (مانند خس وخاشاک جو) که باک وپروا نمی کند الله به ایشان».

٥٦- **تجــاوز وازحدگــذری در پــاکی:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«یکون قوم یعتدون فی الدعاء والطهور».(رواه احمد).«یعنی: زود است (که اقوامی بی آیند) که تجاوز واز حد گذری میکنند در دعا وپاکی». مثلا هر روز موی های خویش را شانه میکنند درحالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از هر روز شانه کردن منع نموده است(أبوداود).

٥٧- **ظهور خوارج:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« ٦: سَيَخْرُجُ قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ حُدَّاثُ (أَحْدَاثُ) الْأَسْنَانِ سُفَهَاءُ الْأَحْلَامِ يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ لَا يُجَاوِزُ (لَا يَجُوزُ) إِيمَانُهُمْ حَنَاجِرَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ فَأَيْنَمَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ فَإِنَّ فِي قَتْلِهِمْ أَجْرًا لِمَنْ قَتَلَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. متفق علیه.».

٥٨- **زمانه ای که مردم آرزوی مرگ میکنند:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«لاتقوم الساعة حتی یمر الرجل بقبر الرجل فیقول: یالیتنی مکانه».(مشکاة)«یعنی: قیامت برپا نمیشود مگر تا اینکه فردی بر قبر فرد دیگری میگذرد ومی گوید: ای کاش من به جای (این صاحب) قبر میبودم».

٥٩- **غربت اسلام:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«بدأ الاسلام غریبا وسیعود غریبا کما بدأ».(مسلم).-«اسلام با غربت آغاز گردید وزود است با همان غربت بازگشت کند».

۶۰- **جنگ بزرگ میان دو گروه مسلمان:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« " لا تقوم الساعة حتى تقتتل فئتان عظيمتان تكون بينهما مقتلة عظيمة دعواهما واحدة».(مشکاة).«یعنی: قیامت قائم نمیشود مگر اینکه با هم بجنگند دو گروه(خیلی بزرگ) که بین ایشان کشتار بزرگی میشود (اما) دعوی ایشان یکی است». واین جنگ در زمانه معاویه وعلی رضی الله عنهما رخ داد که بین هردو طرف هفتار هزار نفر به شهادت رسید.

۶۱- **ظاهر شدن آثار گناهان:** (سنن أبن ماجه۴۰۹۱).

۶۲- **ظهور دعوتگران به سوی جهنم:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«یکی از علائم قیامت دعوتگرانی هستند که به سوی جهنم مردم را دعوت میدهند وروش میگیرند به غیر از روش وسنت پیامبر ».(مشکاة).

۶۳- **ظهور اقوامی که مردم را با تازیانه لت کوب میکنند:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ؛ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ، مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ..». یعنی : «دو گروه از اهل دوزخ هستند که (من در زمان خود) آنها را ندیده ام : مردانی که شلاق هایی چون دم گاو در دست دارند و با آن مردم را می زنند، و زنهایی که لباس پوشیده اند اما عریان هستند، دیگران را در فتنه می اندازند و به سوی خود جذب می کنند و به دیگران میل و

رغبت نشان می دهند...».(مسلم). مانند امروز که در زندان ها مسلمانان را چنین شکنجه میکنند.

٦٤- **خارج شدن زن از خانه(بدون مورد شرعی):** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ؛ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ، مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ..». یعنی : «دو گروه از اهل دوزخ هستند که (من در زمان خود) آنها را ندیده ام : مردانی که شلاق هایی چون دم گاو در دست دارند و با آن مردم را می زنند، و زنهایی که لباس پوشیده اند اما عریان هستند، دیگران را در فتنه می اندازند و به سوی خود جذب می کنند و به دیگران میل و رغبت نشان می دهند...».(مسلم).

٦٥- **فتح سرزمین ها بدست صحابه وتابعین:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:« يأتي على الناس زمان فيغزو فئام من الناس فيقولون : هل فيكم من صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم . فيقولون : نعم . فيفتح لهم ثم يأتي على الناس زمان فيغزو فئام من الناس فيقال : هل فيكم من صاحب أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم ؟ فيقولون : نعم . فيفتح لهم ثم يأتي على الناس زمان فيغزو فئام من الناس فيقال : هل فيكم من صاحب من صاحب أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم ؟ فيقولون : نعم . فيفتح لهم " . متفق عليه ».«یعنی: زمانه ای برمردم می آید که گروهی از مسلمانان

میجنگند می گویند: آیا در بین شما هست کسیکه با رسول الله صلی الله علیه وسلم صحبت نموده باشد؟ می گویند: بله! سپس فتح کرده میشود برای ایشان .... تا اخر آخر حدیث. ».

٦٦- **زمانه ای که مردم بر مساجد فخر میکنند:** «وعن أنس رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " من أشراط الساعة أن يتباهى الناس في المساجد " . (رواه أبو داود والنسائي والدارمي وابن ماجه)، رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«یکی از علائم قیامت اینست که مردم بر مساجد خود فخر میکنند». می گویند مسجد ما نسبت به مساجد دیگر زیباتر وبزرگ تر است.

٦٧- **واقع شدن ذلت بر مسلمانان:** «قال النبی صلی الله علیه وسلم: إذا تبايعتم بالعِينة، وأخذتم أذناب البقر، ورضيتم بالزرع، وتركتم الجهاد؛ سلط الله عليكم ذلًّا لا يَنزعه، حتى ترجعوا إلى دينكم.(مسند احمد)»«یعنی:رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: "هنگامی که با ربای عینه معامله کردید و دم گاوها را گرفتید و به کشاورزی راضی شدید (یعنی به دنیا مشغول شدید) و جهاد را ترک کردید، الله ذلتی را بر شما مسلط میگرداند که آن را برنمیدارد تا زمانی که به دینتان برگردید»."

٦٨- **مردان یکه موی های خود را با رنگ سیاه تغییر میدهند:** «ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت کرده اند که پیامبرصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فرمود يَكُونُ قَوْمٌ فِى آخِرِ الزَّمَانِ يَخْضِبُونَ بِهَذَا السَّوَادِ كَحَوَاصِلِ الْحَمَامِ لَا يَرِيحُونَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ.»(سنن ابی داود)« یعنی: در آخر الزمان گروهی خواهند آمد که با رنگ سیاه موهایشان را رنگ می نمایند؛ این گروه بوی بهشت به مشامشان نخواهد رسید».

۶۹- **مردانی که آرزوی دیدار پیامبر را میکنند اگرچه به نابودی مال واولاد شان گردد:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«یکون فی أمتی أقوام يتمنی أحدهم لو رآني بأهله وماله».(صحیح الجامع۸۱۵۳).«یعنی: میباشد در امت من اقوامی که آرزو میکنند یکی ایشان که مرا ببینند (اگرچه به نابودی) مال واولاد شان گردد ».

۷۰- **زمانه ای که مردم در دین زحمات زیادی به خرچ میدهند:**«قال النبی صلی الله علیه وسلم : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ فِيهِمْ عَلَى دِينِهِ كَالقَابِضِ عَلَى الجَمْرِ».(ترمذی) «یعنی:انس مالک رضي الله عنه میگوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : زمانی بر مردم فرا میرسد که کسی که بر دینش صبر و استقامت نماید، همانند شخصی است که اخگر اتش در دست گرفته است».

۷۱- **خارج شدن از مدینه بخاطر فقر وتکندستی:** (صحیح مسلم۷۸۲).

۷۲- **تحقق یافتن خواب مسلمان:** (رواه الشیخان).

۷۳- **عدم اتفاق لشکر های مسـلمانان:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: « سَيَصِيرُ الأَمْرُ إِلَى أَنْ تَكُونُوا جُنُودًا مُجَنَّدَةً جُنْدٌ بِالشَّامِ وَجُنْدٌ بِالْيَمَنِ وَجُنْدٌ بِالْعِرَاقِ ». قَالَ ابْنُ حَوَالَةَ خِرْ لِى يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ. فَقَالَ « عَلَيْكَ بِالشَّامِ فَإِنَّهَا خِيَرَةُ اللَّهِ مِنْ أَرْضِهِ يَجْتَبِى إِلَيْهَا خِيَرَتَهُ مِنْ عِبَادِهِ فَأَمَّا إِنْ أَبَيْتُمْ فَعَلَيْكُمْ بِيَمَنِكُمْ وَاسْقُوا مِنْ غُدُرِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَوَكَّلَ لِى بِالشَّامِ وَأَهْلِهِ».(سنن ابی داود). «یعنی: امر سرزمین محول میشود به اینکه باشید شما لشکر های مختلف(متفق نباشید) وشما میشوید لشکری به شام ویمن وعراق ، ولازم باشد برای تو سرزمین شام(سوریه) زیرا زمین شام زمینی است که الله آنرا انتخاب نموده است وجمع میشود به سوی آن زمین(شام) بهترین بندگان الله (واگر نمی توانید به سوی آن بروید) پس به یمن بروید واز آب حوض خود بخورید والله دوستی نموده است به شام واهل آن».

۷۴- **زمانه ای که پادشاهان وامراء نماز را تأخیر میکنند:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سیکون علیکم أمراء یؤخرون الصلاة عن مواقیتها ویحدثون البدع».(صحیح الجامع۳٦٦٤).«یعنی:زود است که بالای شما حاکمانی بی آیند که نماز را تأخیر میکنند ودر (دین) بدعات را ایجاد میکنند».

۷۵- **خلافت نمودن ۱۲ فرد از قـریش:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: لا یزال هذا الأمر عزیزا إلی اثنی عشر خلیفة [صحیح مسلم جـ۲

صـ١١٩]. ودر روایت ابوداود آمده : كلهـم تجتمـع عليهم الامة.[سنن ابى داودجـ٣ صـ٨٠٧]. یعنی: اسلام همیشه عزیز وغالب میباشد تا اینکه این دوازده خلیفه بر آن خلافت کنند.علامه ابن قیم رحمه الله می گوید: وأما الخلفاء إثنا عشر فقد قال جماعة منهم أبو حاتم بن حبان وغيره إن آخرهم عمر بن عبد العزبز فذكروا الخلفاء الأربعة ثم معاوية ثم يزيد ثم ابنه معاوية بن يزيد ثم مروان بن الحكم ثم عبد الله ابنه ثم الوليد بن عبد الملك ثم سليمان بن عبد الملك ثم عمر بن عبد العزيز وكانت وفاته على رأس المائة وهي القرن الفضل الذي هو خير القرون وكان الدين في هذا القرن في غاية العزة ثم وقع ما وقع [حاشية ابن القيم على سنن أبي داود ٢٤٤].یعنی: وهرچه خلفای اسلام دوازده اند که گروهی از محدثین فرموده اند : آخرین آن عمربن العزیز بوده واول آن: ابوبکر ٢-عمر فاروق٣-عثمان بن عفان٤-علی بن ابی طالب٥-معاویه٦-امیر المؤمنین یزید٧-معاویه بن یزید٨-مروان بن الحکم٩-عبدالملک بن مروان١٠-ولید بن عبدالملک١١-سلیمان بن عبدالملک١٢- عمر بن عبدالعزیز که درسنه ١٠٠ وفات شد وزمانه اینها بهترین زمانه که دین در آنها سربلند وغالب بود.

٧٦- **زمانه ای که پولیس ها صبح میکنند در غضب الله وشام مینمایند در غضب الله:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«سيكون فی آخر الزمان شرطة يغدون فی غضب الله ويروحون فی

سخط الله».(رواه احمد) .«یعنی: قریب است که در آخر زمان پولیس هایی بیایند که صبح میکنند در غضب الله وبیگاه میکنند در قهر الله.».

۷۷- **ظهور ۳۰پیامبر دروغین:** که اولین بار مسیلمه کذاب ادعای نبوت نمود و از آن جمله خارج شدن سی دجال که همگی ادعای نبوت می کنند همانگونه که در حدیث ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْعَثَ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ قَرِيبًا مِنْ ثَلَاثِينَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ» بخاری (٣٦٠٩) . «قیامت بر پا نمی‌شود مگر اینکه دجالهای کذابی حدود سی نفر که همه آنان ادعای نبوت می کنند، ظاهر شوند» و در سنن ابوداود و ترمذی از ثوبان روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:«وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي كَذَّابُونَ ثَلَاثُونَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» سنن أبی داود (٤٢٥٢) «همانا در امت من سی نفر مدعی نبوت دروغین ظاهر می‌شوند و هر یک از آنان گمان می کند پیامبر خدا است در حالی که من خاتم انبیاء هستم و پیامبری بعد از من نخواهد آمد».

۷۸- **فخر نمودن در قصر ها:** در حدیث جبریل مشهور است که مسلم آن را در فصل اول از این باب آورده که می فرماید:«قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنْ السَّائِلِ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا قَالَ أَنْ تَلِدَ الْأَمَةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ»

مسلم (۸) . « گفت مرا از روز قیامت خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) داناتر از سؤال کننده نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت باخبر ساز، فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در ساختمان) بپردازند.» .

۷۹- **دور شدن خشوع در نماز :** زمانه ای می آید که مردم در نماز خشوع نمی داشته باشند وعده ای را میبینی که در نماز باکالای خود بازی میکنند وعده ای را میبینی که دست های خود را حرکت میدهند ویا روی خود را مسح میکنند ویا آستین خویش را بلند مینمایند وغیره.. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«أول شئ یرفع من هذه الامة الخشوع ، حتی لاتری فیهم خاشعا».(رواه ابن حبان)..«یعنی: اولین چیزی که از این امت برداشته میشود خشوع است ، حتی تا اینکه در بین ایشان خاشع را پیدا نمیتوانی».

۸۰- **فراگیری علم نزد غیر اهل آن(غیر متخصص علم):** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«إن من اشراط الساعة أن یلتمس العلم عند الاصاغر».(رواه الطبرانی) .«یکی از علائم ونشانه های قیامت اینست که که فراگرفته شود علم نزد پسران خورد سن».

۸۱- **ازبین رفتن علم دین:** «قال النبی صلی الله علیه وسلم :إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ، وَيَثْبُتَ الْجَهْلُ، وَيُشْرَبَ الْخَمْرُ، وَيَظْهَرَ الزِّنَى ".متفق

علیه». رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: همانا برداشته شدن علم از میان مردم و شایع شدن جهل و نادانی و مشروبخواری و آشکار شدن زنا و فحشا ؛ از نشانه های قیامت است.

٨٢- **ظهور جهل به دین:** (متفق علیه).

٨٣- **ظهور حسد وبخیلی در پرداخت حقوق:** رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «یتقارب الزمان ویقبض العلم وتظهر الفتن ویلقی الشح». (رواه مسلم). «یعنی: زمانه نزدیک میگردد وعلم ازبین میرود وفتنه ها ظاهر میگردند ودر (دل ها) حسد وحقد وکینه انداخته میشود».

٨٤- **زمانه ای که امانت ها ازبین میرود:** وکسی را امین پیدا نمی کنی.

٨٥- **زمین عرب کشتزار ها وباغ ها میگردد:**

٨٦- **زمانه ای که کسی در نگهداری شتر وجور کردن خانه نیت نیک نمی داشته باشند.**

٨٧- **زمانه ای که زنا را حلال میدانند:** وقتیکه بگویی فلان عمل زنا است می گویند فقط یکبار آنرا انجام میدهیم ویا اینکه اندک است این عمل.

٨٨- **زمانه ای که نوشیدن شراب دربین مردم عام میگـردد:** ودر نوشیدن آن پروا نمی کنند وانواع شراب ها را بنام آب سیراب کننده میخورند.

٨٩- **زمانه ای که شنیدن موسیقی را حلال میدانند:** وآنرا غذای روح میدانند رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «لیکونن فی أمتی أقوام

یستحلون الحر والحریر والمعازف»(رواه البخاری)«یعنی: زود است در امت من اقوامی بیایند که حلال میشمارند زنا ، پوشیدن أبریشم وموسیقی را».

۹۰- **زمانه ای که مردم راه میروند به کبر:** در راه طوری میروند که تمام روی زمین را این شخص طعام دهد ودیگران را کوچک فکر میکنند موتر را سوار میشوند وبر افراد پیاده رو احترام نمی کنند.

۹۱- **ظهــور چــاقی (فربــه ای):** رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:«بهترین قرن ، زمانه ای من است وبعد از آن زمانه ای صحابه. وپس فرمود: بعد از آن زمانه ای می اید که مردم آن شهادت میدهند ولی کسی از آنها طلب شهادت نمی کند ، خیانت میکنند ولی أمین شمرده نمیشوند ، نذر میکنند ولی برنذر خویش وفا نمیکنند ، ودربین ایشان چاقی وفربه ای زیاد میشود».(صحیح البخاری٦٨٢٨).

۹۲- **ظهور مرگ ناگهانی:** زمانه ای می آید که مرگ ناگهانی بیشتر میگردد چنانکه درحدیث آمده است:«وأن یظهر موت الفجأة»(الصحیحه۲۲۹۳) «یعنی: و از(علامات قیامت) ظاهر شدن مرگ ناگهانی است».

۹۳- **زیاد شدن زنا هــا:** مانند اینکه تمام عالم به این امراض گرفتار اند وبه هروسیله که شده زنا میکنند مانند دیدن زنان نامحرم در تلویزیون ها واینترنت. چنانکه درحدیث صحیح وارد شده است که:«وأن یکثر الزنا»(صحیح البخاری۷۱۲) «یعنی: واز (علامات قیامت) که زنا ها زیاد میشود».

٩٤- **ضایع کردن أمانت:** وعن حذيفة قال : حدثنا رسول الله صلى الله عليه وسلم حديثين رأيت أحدهما وأنا أنتظر الآخر : حدثنا : " إن الأمانة نزلت في جذر قلوب الرجال ثم علموا من القرآن ثم علموا من السنة " . وحدثنا عن رفعها قال : " ينام الرجل النومة فتقبض الأمانة من قلبه أثرها مثل أثر الوكت ثم ينام النومة فتقبض فيبقى أثرها مثل أثر المجل كجمر دحرجته على رجلك فنفط فتراه منتبرا وليس فيه شيء ويصبح الناس يتبايعون ولا يكاد أحد يؤدي الأمانة فيقال : إن في بني فلان رجلا أمينا ويقال للرجل : ما أعقله وما أظرفه وما أجلده وما في قلبه مثقال حبة من خردل من إيمان "» .(متفق عليه)«یعنی: رسول الله صلى الله علیه وسلم برای ما دو حدیث را بیان فرمود: که یکی آن واقع شد وآنرا دیدم ودومی را انتظار می برم که مصداق آن نیز وقوع یابد ، رسول الله صلى الله علیه وسلم خبرمیداد که امانت وایمان درجذر دلهای مردم فرود آمده است که سپس از قرآن مجید دانستند وپس از سنت رسول الله صلى الله علیه وسلم وبه ما خبرداد از برداشتن أمانت وایمان ونقصان پذیرفتن آن وفرمود: یک مرد خواب میکند وأمانت از دل وی گرفته میشود واز آن صرف اثری مثل نقطه برخلاف رنگ آنچیز که چنانچه نقطه ای سیاه در رنگ سفید باقی می ماند وسپس بار دیگر به خواب میرود وبار دیگر غافل میگردد پس حصه ای از امانت ویا تأثیر آن که در دل آن مانده است گرفته میشود واثری جز مانند آبله باقی نمی ماند. مانند اینکه اخکری را برپایت

بنهی و آنرا ابله کند که درظاهر بالا بر آمده باشد لیکن داخل آن خالی میباشد چون مردم بامداد برمیخیزند وحسب معمول برخرید وفروخت میپردازند لیکن هیچ کس امانت را ادا نمی کند تا اینکه گفته میشود درفلان قریه یک مرد أمین وحق گذار است و اورا میستایند ومیگویند چقدر هوشیار وعاقل است چقدر زیرک وخوش زبان است وچقدر چست وچالاک است درحالیکه در دل او به اندازه ای دانه خردل ایمان وصفات حمیده نمی باشد».

۹۵- **زیاد شدن زلزله ها:** وعن أبي هريرة قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " إذا اتخذ الفيء دولا والأمانة مغنما والزكاة مغرما وتعلم لغير الدين وأطاع الرجل امرأته وعق أمه وأدنى صديقه وأقصى أباه وظهرت الأصوات في المساجد وساد القبيلة فاسقهم وكان زعيم القوم أرذلهم وأكرم الرجل مخافه شره وظهرت القينات والمعازف وشربت الخمور ولعن آخر هذه الأمة أولها فارتقبوا عند ذلك ريحا حمراء وزلزلة وخسفا ومسخا وقذفا وآيات تتابع كنظام قطع سلكه فتتابع " . (رواه الترمذي).

«از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

- وقتیکه مال غنیمت را اغنیاء ودولتمندان تصرف کنند وبین خود تقسیم کرده به عموم غازیان حصه ندهند!
- وامانت را غنیمت پنداشته در آن خیانت ورزند!
- وزکات دادن را غرامت وتاوان دادن پندارند!

- وعلم دین را نیاموزند(غیر علم دین را بیاموزند).
- ومرد همسر خود را اطاعت وفرمانبرداری کند ومادر خود را نافرمانی کرده وبرنجاند!
- ودوست خود را به خود نزدیک گرداند وپدر خود را دور داند!
- ودر مساجد صداها بلند گردد!
- وفاسق یک قبیله ملک وبزرگ آن قوم گردد!
- و رزیل ترین قوم رئیس وکفیل آنها گردد!
- ومرد از جهت ترس وبدی او گرامی داشته وعزت کرده شود!
- وزنان سراینده ورقاصه !
- وهمچنان آلات سرود وموسیقی ظاهر ورائج گردد!
- وشراب ها ومسکرات نوشیده شود!
- وپسینان این امت پشینان امت را نفرین گویند!

پس در آن وقت انتظار برید باد سرخ را **وزلزله را** ومسخ شدن وسنگ افتادن از آسمان را ونشانه هایی قیامت را که پی درپی آیند همچو سلسله جواهر که رشته ای آن گسسته باشد وجواهر آن پی در پی بیفتد.

امام ابن قیم رحمه الله در شرح این حدیث میفرماید:«وقتیکه ربا(سود) وموسیقی در جامعه ای منتشر شد ؛ پس هلاکت آن شهر را اعلان کن».

ونیز از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که:« **ليكونن في هذه الأمة خسف وقذف ومسخ وذلك إذا شربوا الخمور واتخذوا القينات وضربوا بالمعازف**»(السلسلة الصحيحه۲۲۰۳) شیخ آلبانی حدیث را صحیح دانسته است.

یعنی: دراین امت خسف(فرورفتن در زمین وزلزله) وسنگباران ومسخ (تغییر چهره انسان به حیوان) رخ خواهد داد وآن هنگامی خواهد بود که مردم :

- مشروب بنوشند!
- وزنان خواننده برای شان بخوانند!
- وبر آلات موسیقی بنوازند.

٩٤- **نافرمانی از مادران:** در حدیث جبریل مشهور است که مسلم آن را در فصل اول از این باب آورده که می فرماید:«قَالَ فَأَخْبِرْنِى عَنْ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنْ السَّائِلِ قَالَ فَأَخْبِرْنِى عَنْ أَمَارَتِهَا قَالَ أَنْ تَلِدَ الْأَمَةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِى الْبُنْيَانِ» مسلم (۸) . « یعنی: گفت مرا از روز قیامت خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) داناتر از سؤال کننده نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت باخبر ساز، فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در

ساختمان) بپردازند.» (یعنی: معامله کند شخص با مادرش همانند معامله سید بر غلامش).

٩٥- **گرفتن محراب درمساجد:** دراکثریت مساجد محراب ها دیده میشود وحتی مساجد بزرگ. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:«أن من أشراط الساعة أن تتخذ المذابح فی المساجد-ای المحاریب-»(رواه ابن ابی شیبه«یعنی: یکی از علائم قیامت اینست که گرفته شود درمساجد محراب». الحمدلله سالهای قبل درمورد بدعت بودن محراب دلائل زیادی جمع نمودم وخدمت همه ای عزیزان تقدیم نمودم اگرچه شیخ أبوعبیدالله متوکل فک الله اسره درین مورد مداخلت نمودند ولیکن ان شاءالله درینجا حق طرف من بود.

٩٦- **رفع شهوت مرد با مرد ورفع شهوت زن بازن:** مانند زمانه ای امروزی که مردان شهوت خود را با مردان رفع میکنند مسلمانان آنرا بنام لواط میشناسند وکفار آنرا بنام همجنسگرائی مینامند حتی تا اینکه کسی پیدا نمیشود که مرد زن را به نکاح بگیرد مانند(یکی از شهرهای امریکا که مردان زنان را به ازدواج نمی گیرند وهمجسنگرایی میکنند).

٩٧- **زمانه ای که بر اطفال وپسران رحم کرده نمیشود:** یا آنرا لت کوب مینمایند ویا اینکه آنرا تعلیم درست نمی دهند(أبن المفلح درکتاب الاداب الشرعیة می گوید: قال الاثرم: سئل أبوعبیدالله عن ضرب المعلم الصبیان ، فقال: علی قدر ذنوبهم ، ویتوقی بجهده الضرب ، وإن کان صغیرا لا

یعقل فلایضربه) یعنی: اطفال بر اندازه ای گناه شان زده شوند ونباید آنها را به سختی مورد لت کوب قرار داد ، ودرصورتیکه کوچک باشد که نمیداند زندگی خود را پس زدن آن مناسب نیست وآنرا نزند.

۹۸- **زمانه ای که کوچکان(اطفال) بر بزرگ سالان احترام نمی کنند:** ازپهلوی کهن سالان میگذرند برآنان سلام نمیدهند درمجالس نسبت به آنها پرحرفی میکنند واز آنها جلو میروند.

۹۹- **زمانه ای که معروف ترک میشود :** اما هیچ کسی پیدا نمیشود که بگوید چرا معروف (کار نیک) ترک شده است.

۱۰۰- **زمانه ای که شخص علم دین را بخاطر دینار ودرهم فرا میگیرد:** به خصوص مردم این زمانه که می گویند: پسرم برو ملا شو چون نان ملا سرسنگ است ، وهمه دنبال علم را گرفته اند هدف شان بدست آوردن دنیاء است.

۱۰۱- **کم شدن باران:**

۱۰۲- **زمانه ای که پسر سبب قهر وغصه ای پدرومادر گردد:** به خصوص این زمانه که حتی نسل بندی میکنند وجنین را سقط می نمایند.

۱۰۳- زمانه ای که نماز را در وقت آن ادا نمی کننــد:
بله امروز همان روزی است که بر کارهای خویش اهمیت میدهند ولی بر وقت وزمان نماز اهمیت قائل نیستند.

۱۰۴- زمانه ای که مناره های مساجد را بلند میسازند:
ولـیکن در آن نمـاز نمـی خواننـد ، برمسـجد ومنـاره ای آن افتخـار مـی کننـد ولیکن درجماعت نماز نمیروند.

۱۰۵- زمانه ای که مردم خانه های پخته میسازند: زمانه ای که خانه ها پخته است اما قلب ها خام ومرده! درزمانه های سابق خانه های کهنه و ویرانه وجود داشت اما قلب های محکم وقلب های پر از صفا وصمیمیت وجود داشت.

۱۰۶- زمانه ای که مردم ازشــهوات وهــوی وهــوس پیروی میکننــد: دقیقا دراین زمانه قرار داریم که دین را براساس هوی وهوس خویش پیروی میکنند واگر ازقرآن وحدیث بگویی ترا القاب مختلف میدهند.

۱۰۷- زمانه ای که سود وربا عام میگــردد: سود وربا درهمه کشور های اسلامی رائج است وهیچ کسی بر ان اندکی اعتراض نمی کنند به خصوص بانک هایی که وجود دارد سراسر سودی میباشد که عوام وعلماء درآن گرفتار اند.

۱۰۸- **زمانه ای که دین را درمقابل دنیاء میفروشـــند:** مثل عصر ما که دربدل دالر فتوی های میدهند که سبب ریختن خون هزاران فرد دیگر میگردد وبخاطر پول حلال را حرام! وحرام را حلال می کنند.

۱۰۹- **زمانه ای که مردم پول دار پـیش بقیـه مـردم بـاعزت میباشـد:** جهت بدست آوردن پول برآن چاپلوسی میکنند وشیطنت میکنند.

۱۱۰- **زمانه ای که دروغ گفتن زیاد میشود:** مردم بر دروغ گفـتن عـادت میکننـد ودر دروغ گفتنـد هـیچ بـاکی ندارنـد وشـیطان انـواع و وسائل دروغ گفتن را برای شان مهیا میکند مانند اینکه درموبائل دروغ های بی حد می گویند.

۱۱۱- **زمانه ای که بازار ها زیاد میگردد:** عصر ما هیچ قریه ای نیسـت کـه درآن بـازار وجـود نداشـته باشـد ودرآن بـازار انـواع خیانـت هـا ودروغ ها وجود دارد.

۱۱۲- **زیاد شدن تهمت ها:** سبحان الله! گویا پیامبر اسلام اخبار از غیب داده شده بود که مردم در مورد مسلمان خوب فتوا دهد ، اگر از جهاد ومجاهدین دفاع کنی ترا لقب خارجی میدهند واگر دفاع جهاد کنی ترا خـوارج مینامنـد ، اگـر از توحیـد ورد شـرک حرفـی بزنـی تـرا وهـابی ونجـدی میگویند ، اگر از سنت محمد رسول الله حرفی به زبان بیاوری ترا تفرقه افگن

میگویند واگر از آزادی سازی سرزمین های اسلامی حرفی به لب بیاری ترا تروریست وافراطی لقب میدهند!! سبحان الله به راستی که اهل زیغ همیشه تهمت وتحقیر میکنند موحدین را.

۱۱۳- **زمانه ای که امراء وپادشاهان ظالم وفاسق زیاد میشوند:** حتی امراء یکه در سرزمین پیامبر صلی الله علیه وسلم با دشمنان دیرینه ای مسلمانان میرقصند ، نماز را نشسته میخوانند وبا ترامب ایستاده رقص میکنند.

۱۱۴- **وزیران درغگو زیاد میشوند:**

۱۱۵- **أمینان خائن میشوند:**

۱۱۶- **پولیس ها ظالم میگردند:** هزاران جنایت پیشه را رها میکنند ولی مسلمانان دین دوست را روانه های زندان مینمایند.

۱۱۷- **زمانه ای که قاریان فاسق میگردند:** قرآن را میفروشند ودربدل پول قرائت میکند وجایی قران میخوانند که درآنجا نان دهند وحتی بخاطر خوش آوازی مسابقه های پولی انجام میدهند .

۱۱۸- **زمانه ای که مردم پوست گوسفند را میپوشند:** نه بخاطر خنک! بلکه بخاطر وکبر وریا.

۱۱۹- **قلب های مـردم از لاش حیـوان کـرده پلیـد ترمیشـــود:** به سبب اینکه درآن قلبها حسد ، غرور ، کبر ، ریا وغیره میباشد.

۱۲۰- **زمانه ای که قرآن را بر دیوار ها می نویســند:** ولی بر آن عمل نمی کنند ، قرآن را دربهترین لوحه ها مینویسند ودربهترین کاغذ آنرا به چاپ میرسانند ولیکن از آن اوامر ونواهی خویش را نمی گیرند.

۱۲۱- **زمانه ای که جاهلان برمنابر مینشینند:** زمانه ای که منبر های مساجد را جاهلان وبی خردان می گیرند وبر ان اقوالی می گویند مخالف قرآن وحدیث.

۱۲۲- **مزین شـدن مسـاجد:** زمانه ای که مساجد رنگ وروغن میشود بهترین وقیمیت ترین فرش دنیاء در آن آورده میشود اما درآن عبادت کننده ای وجود نمی داشته باشد.

۱۲۳- **زیاد شدن منابر:** هرمسجد را جامع میسازند وهرقوم بر قوم دیگری بخاطر داشتن مسجد جامع افختار می ورزند ومنابر را زیاد میکنند.

۱۲۴- **ازبین رفتن وسخت شدن قلبها:** قلبهایی که مانند سنگ میشوند درآن محبت الله ورسول الله ومومنان وجود نمیداشته باشد.

۱۲۵- **زمانه ای که حدود اللّه تطبیق نمیشود:** زمانه ای که حدود الله را تطبیق نمی نمایند ، دزد دزدی میکند آنرا زندانی میکنند زمانیکه

از زندان آزاد شد چندین خانه ای دیگر را دزدی میکند ، قاتل قتل میکند وزندانی میشود بعد ازاینکه از زندان رها شد چندین فرد دیگری را قتل مینماید.

۱۲۶- **صله رحمی با بیگانگان:**

۱۲۷- **زیاد شدن اولاد ها از زنا:** زنا میکنند وحکومت اسلامی نیست که حدود را تطبیق کند پس زنا عام میشود واطفال زنا درجامعه منتشر میگردند.

۱۲۸- **آمر شدن زنان:** زمانه ای که زنان آمر مردان میگردند وخیلی از زنها شوهران خویش را به قتل میرسانند وامروز زنان در دفاتر میروند وشوهران خویش را بخاطر حفاظت اولاد ها درخانه نگهداری میکنند.

۱۲۹- **حقیر شمردن خون مسلمان:** زمانه ای که خون مسلمان ارزش ندارد! از خون ها بحر ها میشود ولیکن باکی نمیکنند! عمری نیست که بخاطر ریختن یک خون ناحق ، چندین فرد را بکشد.. خون مسلمان مثل خون مرغ ارزش ندارد.

۱۳۰- **زیاد شدن قحطی وکم شدن میوه ها:** زمانه ای که مردم چنان بد میشوند که حتی بالای درختان نیز تأثیر میکند ومیوه ها در گرفتن آن تغییر می آورند وسال به سال میوه اندک شمرده میشود.

۱۳۱- **زیاد شدن بغاوت وظلـم:** زمانه ای که دنیاء پر از ظلم میگردد وهمه افراد بر آنچه که در دست دارند بر زیر دستان خویش ظلم میکنند واین ظلم وظالمان تازمانی ادامه دارند که امام مهدی ظهور کند پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِکَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِى وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِى يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» سنن أبی داود ٤ / ٣٠٦ (٤٢٨٢) .«دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل بیتم که هم اسم من و اسم پدرش هم اسم پدر من است حکومت عرب را بدست گیرد و زمین را همانگونه که پر از ظلم و ستم شده پر از عدل و داد می کند.».

دلائل این همه علامات(یکه قبلاذکر گردید): عَنْ عُتَيٍّ السَّعْدِيِّ، قَالَ عُتَيٌّ: خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى قَدِمْتُ الْكُوفَةَ، فَإِذَا بِعَبْدِ اللَّهِ بن مَسْعُودٍ بَيْنُ ظَهْرَانَيْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، فَسَأَلْتُ عَنْهُ فَأُرْشِدْتُ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ فِي مَسْجِدِ الأَعْظَمِ، فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ: أَبَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، إِنِّي جِئْتُ أَضْرِبُ إِلَيْكَ أَقْتَبِسُ مِنْكَ عِلْمًا، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَنْفَعَنَا بِهِ بَعْدَكَ، فَقَالَ لِي: مِمَّنِ الرَّجُلُ؟ فَقُلْتُ: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، فَقَالَ: مِمَّنْ؟ قُلْتُ: مِنْ هَذَا الْحَيِّ مِنْ بني سَعْدٍ، فَقَالَ لِي: يَا سَعْدِيُّ، لأُحَدِّثَنَّ فِيكُمْ بِحَدِيثٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلا أَدُلُّكَ عَلَى قَوْمٍ كَثِيرَةٌ أَمْوَالُهُمْ، كَثِيرٌ شَوْكَتُهُمْ، تُصِيبُ مِنْهُمْ مَالا دَثِرًا، أَوْ قَالَ:

كَثِيرًا، فَقَالَ:مَنْ هُمْ؟فَقَالَ: هُمْ هَذَا الْحَيُّ مِنْ بني سَعْدٍ مِنْ أَهْلِ الرِّمَالِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:فَإِنَّ بني سَعْدٍ عِنْدَ اللَّهِ ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ. سَلْ يَا سَعْدِيُّ، فَقُلْتُ: أَبَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، هَلْ لِلسَّاعَةِ مِنْ عِلْمٍ تُعْرَفُ بِهِ السَّاعَةُ؟ وَكَانَ مُتَّكِئًا فَاسْتَوَى جَالِسًا، فَقَالَ: يَا سَعْدِيُّ، سَأَلْتَنِي عَمَّا سَأَلْتُ عَنْهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِلسَّاعَةِ مِنْ عِلْمٍ تُعْرَفُ بِهِ السَّاعَةُ؟ فَقَالَ لِي:يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ لِلسَّاعَةِ أَعْلامًا، وَإِنَّ لِلسَّاعَةِ أَشْرَاطًا، أَلا وَإِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ غَيْظًا، وَأَنْ يَكُونَ الْمَطَرُ قَيْظًا، وَأَنْ تَفِيضَ الأَشْرَارُ فَيْضًا، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يُصَدَّقَ الْكَاذِبُ، وَأَنْ يُكَذَّبَ الصَّادِقُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يُؤْتَمَنَ الْخَائِنُ، وَأَنْ يُخَوَّنَ الأَمِينُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ تَوَاصَلَ الأَطْبَاقُ، وَأَنْ تَقَاطَعَ الأَرْحَامُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يَسُودَ كُلَّ قَبِيلَةٍ مُنَافِقُوهَا، وَكُلَّ سُوقٍ فُجَّارُهَا، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ تُزَخْرَفَ الْمَسَاجِدُ، وَأَنْ تُخَرَّبَ الْقُلُوبُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يَكُونَ الْمُؤْمِنُ فِي الْقَبِيلَةِ أَذَلَّ مِنَ النَّقْدِ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يَكْتَفِيَ الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ تَكْثُفَ الْمَسَاجِدُ وَأَنْ تَعْلُوَ الْمَنَابِرُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يُعْمَرَ خَرَابُ الدُّنْيَا، وَيُخْرَبَ عِمْرَانُهَا، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ

السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ تَظْهَرَ الْمَعَازِفُ، وَتُشْرَبَ الْخُمُورُ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا شُرْبَ الْخُمُورِ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا الشُّرَطُ وَالْغَمَّازُونَ وَاللَّمَّازُونَ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِنَّ مِنْ أَعْلامِ السَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا أَنْ يَكْثُرَ أَوْلادُ الزِّنَى، قُلْتُ: أَبَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، وَهُمْ مُسْلِمُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: أَبَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، وَالْقُرْآنُ بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِمْ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، وَأَنَّى ذَاكَ؟ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُطَلِّقُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ، ثُمَّ يَجْحَدُ طَلاقَهَا فَيُقِيمُ عَلَى فَرْجِهَا، فَهُمَا زَانِيَانِ مَا أَقَامَا .(رواه الطبرانی).

۱۳۲- **ملک شدن غلامان وکنیزان:** زمانه ای که کنیزان وغلامان سرداران ورهبران قوم میشوند ، واینچنین غلامان وکنیزان در شام به وقوع پیوست.

۱۳۳- **زمانه ای که مردان نیک تنها دربیت المقدس واطراف آن یافت میشوند:** وعن أبی امامة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم«لاتزال طائفة من أمتی علی الدین ظاهرین لعدوهم قاهرین لایضرهم من جابهم إلا ما أصابهم من لأواء حتی یأتیهم أمر الله وهم کذلک» . قال: یارسول الله ، وأین هم؟ قال:«بیت المقدس وأکناف بیت المقدس».(رواه فی المجمع۳۲۷/۷)«یعنی:همیشه میباشد گروهی از امت من برحق به دفاع از دین ، که غالب میباشند درمقابل دشمن های شان ، درحالیکه مسلط میباشند وبرایشان ضرر وارد نمی کنند کسانیکه با آنان مقابله

میکنند...... أبوامامه پرسید ای رسول الله! اینها کجا میباشند؟ فرمود: به بیت المقدس واطراف بیت المقدس».

۱۳۴- **فتح ایران:** واین علامه در زمان عمر رضی الله عنه رخ داد که در عصر خلافت وی ایران فتح گردید«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:لتفتحن عصابة من المسلمین کنز آل کسری الذی فی الابیض»(رواه مسلم)«یعنی: زود است که فتح کنند گروهی از مسلمانان خزانه ای آل کسری را آنکه در ابیض قرار دارد».

۱۳۵- **انکار از سنت پیامبر:** زمانه ای که مردم از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم انکار میکنند ومتأسفانه امروز با چنین افراد خبیث روبرو هستیم که نام خویش را گذاشته اند«قرآنیون» که درحقیقت مخالف قرآن هستند که درقدم نخست قرآن را قبول نمی کنند وبعدا حدیث نبی علیه السلام را. افراد«قرآنیون» مانند «قدریه» اند که آنها نیز تقدیر را انکار مینمایند. «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:یوشک أن یقعد الرجل متکئا علی أریکته ، یحدث بحدیث من حدیثی ، فیقول: بیننا وبینکم کتاب الله ، فما وجدنا فیه من حلال استحللناه وما وجدنا فیه من حرام حرمناه».(مشکاة)«یعنی:قریب است که بنشیند شخص بر جایی خود درحالی تکیه کنان ، که روایت میکند سخنی از سخنان من ، سپس میگوید:

بین من وشما کتاب الله قرار دارد! پس آنچه که درقرآن حلال یافتیم آنرا حلال میشماریم وآنچه در قرآن حرام یافتیم آنرا حرام میشماریم.

۱۳۶- **بلند شدن بیش از حد صداها:** زمانه ای که مردان صدای شان بیش از حد بلند میشود وبر دین فائده ای نمی رساند «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:تکثر الصواعق عند اقتراب الساعة ، حتی یأتی الرجل القوم ، فیقول: من صعق قبلکم الغداة؟ فیقول: صعق فلان وفلان»(مسند احمد) «یعتی: صدا ها در نزدیک قیامت زیاد میشود ، تا آنکه فردی بر قوم می آید ومی گوید: چه کسی صبح صدا زد؟ گفته میشود: فلان شخص وفلان شخص».

۱۳۷- **زمانه ای که مردان از زنان اطاعت میکنند:** وچه عجب اینکه زنان رئیس های جمهور ، والیان ، ولسوالان و وکیلان مردم شوند«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:هلکت الرجال إذا أطاعت النساء ، هلکت الرجال إذا أطاعت النساء.ثلاثا»(رواه الطبرانی) «یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار تکرار فرمود که: هلاک شد مردانی که از زنان اطاعت فرمانبرداری نمایند».

۱۳۸- **انجام دادن حیله ها:** زمانه ای که در هر امر شرعی از حیله ها ومکر وفریب کار میگیرند مانند: حیله اسقاط بر مرده ها... «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:لاترتکبوا ما ارتکبت الیهود ، فتستحلوا محارم

الله بأدنی الحیل»(اخرجه أبن بطه). «یعنی: شما مرتکب نشوید آن چیزی را که یهود مرتکب شدند! باز(اگر مرتکب شوید) حلال میشمارید حرام های الله را به اندک ترین حیله وفریب».

۱۳۹- **ظاهر شدن زینت هــا:** زمانه ای که هم وغم مردم آرایش وزینت میباشد ومردان بدون آرایش بیرون نمیشوند وزنان آریشگاه ها باز میکنند.

۱۴۰- **اختلاف دو برادر بخاطر دنیــا:** زمانه ای که دو برادر بخاطر مال ومتاع دنیا با همدیگر اختلاف میکنند ، وحتی اینکه همدیگر را به قتل میرسانند.. درولایت کاپیساء دو برادر که صحنه ای فتبال مسی ورونالدو را تماشا میکردند بعد از اینکه مسی گول میزند برادر ، برادرخویش را که طرف مسی میباشد به قتل میرساند..

۱۴۱- **اختلاف علمــاء**: زمانه ای که علماء بین خود در اندک ترین مسائل اختلاف میکنند وتفاوت اختلاف شان با علمای سلف این است که علمای سلف اختلاف شان بنابردلائل موجوده میباشد واختلاف این علماء بر اساس هوی وهوس. درجامعه ای قرار داریم که بخاطر حیله ای اسقاط فتوی قتل همدیگر را میدهند.«وعن میمنونة رضی الله عنها قالت: قال نبی الله صلی الله علیه وسلم لنا ذات یوم: ما أنتم إذا مرج الدین ، وسفک الدماء ، فظهرت الزینة ، واختلف الإخوان وحرق البیت العتیق»(اخرجه الطبرانی)

«یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از روزها فرمود: چه حال میداشته باشید وقتیکه دین ضعیف شود وخون ها ریخته شود وزینت ها ظاهر گردد ، اختلاف بین برادران پیدا شود وسوختانده شود بیت العتیق».

۱۴۲- **ظاهر شدن رهبران وامراء که سنت های پیامبر رامیمیرانند وبدعت را زنده میکنند:** دقیقا مانند عصر ما! زمانه ای که سنت های رسول الله صلی الله علیه وسلم را افراط گرائی میدانند وبدعت ها وخرافات را اعمال نیک پدران دانسته وآنرا پیروی میکنند! علمای اهل سنت را روان ای زندان مینمایند وعلمای اهل بدعت را منصب وچوکی میدهند. «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: سیلی أمورکم بعدی رجال یطفئون السنن ویعملون بالبدعة»(اخرجه احمد)«یعنی: زود است که محول کرده شود امور تان بعد از من به مردانی که سنت های پیامبر را نابود میکنند وعمل میکنند بر بدعت».

۱۴۳- **ظهور اقوامی که قرآن را مثل شیر می نوشند:** زمانه ای که جامعه پر از قاریان وحافظان است اما همگی قرآن را بخاطر دنیاء حفظ کرده اند وچنان در مسابقات قرائت میکنند که مردم در تعجب می افتند اما در اخیر از سامعین پول تقاضا میکنند.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:سیخرج أقوام من أمتی یشربون القرآن کشربهم اللبن»(اخرجه

الطبرانی) «یعنی: زود است اقوامی بیایند از امت من که قرآن را مثل شیر می نوشند».

۱۴۴- **ظهور دروغ:** زمانه ای که دروغ گفتن مد شده است وبدون دروغ زندگی نمیتوانند وهیچ حرف شان بدون دروغ نیست.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: لاتقوم الساعة حتی یظهر الفحش ، ویکثر الکذب ، وتقارب الاسواق ، ویتقارب الزمان ، ویکثر الهرج»(رواه المجمع)«یعنی: قیامت قائم نمیشود تا آنکه ظاهر گردد فحشا(ودشنام دادن) ودروغ گفتن زیاد گردد ، وبازار ها نزدیک گردند ، وزمانه باهم نزدیک شود.. وقتل وقتال زیاد شود».

۱۴۵- **زمین پر از ظلم وجور میشود:** زمانه ای که در روی زمین عادلان را اندک یافت میکنی وزمین پر از ظلم وجور میشود«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: لاتقوم الساعة حتی تمتلئ الارض ظلما»(مشکاة) «یعنی: قیامت قائم نمیشود تا آنکه زمین پر از ظلم وجور نشود».

۲: بعضی از علائم کوچک قیامت که تاهنوز رخ نداده اند:

قبلا علاماتی را که خدمت تان تقدیم نمودم ، علاماتی بودند که رخ دادند ودراین بخش علاماتی را تقدیم تان میدارم که تا حالا رخ نداده اند.

۱- **خوشهال نشدن به غنیمت وتقسیم میراث:** زمانه ای که مردم بر گرفتن غنیمت وتقسیم میراث خوش نمی شوند.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:لاتقوم الساعة حتی لایقسم میراث ولایفرح بغنیمة».(رواه مسلم).«یعنی:قیامت قائم نمیشود تا اینکه میراث تقسیم نگردد وانسان خوشهال نشود به تقسیم غنیمت». ودر روایتی در مشکاة آمده است که قیامت قائم نمیشود تا اینکه به تقسیم میراث وغنیمت خوشهال نشوند.

۲- **زمانه ای که باران میبارد ولیکن زمین چیزی را نمی رویاند:** «أبوهریره می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: نیست سالی که درآن بارش نبارد ، ولیکن سالی است که باران میبارد ومیبارد(زیاد میبارد) اما زمین چیزی را نمی رویاند».(رواه مسلم)

۳- **خیانت روم:** زمانه ای که رومی ها با مسلمانان صلح میکنند وبعد از صلح خیانت میکنند ومسلمانی بلند میشود وصلیب را میشکند اینجاست جنگ علیه روم شروع میگردد(مشکاة کتاب الفتن).

٤- **ازبین رفتن ریسپان واصـــل اســلام:** زمانه ای که نقض میشود اسلام حلقه ، حلقه ، .... اولین چیزی که نقض میشود حکم است وآخرین چیزی که نقش میشود نماز است.(رواه احمد).

٥- **یک مرد سرپرستی پنجاه زن را به عهده میگیرد:** عن أنس قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : " إن من أشراط الساعة أن يرفع العلم ويكثر الجهل ويكثر الزنا ويكثر شرب الخمر ويقل الرجال وتكثر النساء حتى يكون لخمسين امرأة القيم الواحد " . وفي رواية : " يقل العلم ويظهر الجهل " . متفق عليه«یعنی: انس رضی الله عنه می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: یکی از علائم قیامت اینست که علم ازبین رود وجهل زیاد گردد وزنا وشراب نوشی زیاد شود ومردان اندک گردند وزنان زیاد شوند حتی اینکه سرپرستی پنجاه زن را یک مرد به عهده میگیرد.

٦- **ظاهر شدن زنا به شکل علنی:** در علامات صغری قیامت خواندیم که زنا عام میشود اما به شکل علنی نه! ولیکن زمانی می آید که زنا در بازار ها عام میشوند وحتی در ملأعام پیش روی همه زنا صورت میگیرد-البته درکشورهای اروپایی چنین عمل انجام میشود-.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:لاتفنى هذه الامةحتى يقوم الرجل الى المرأة فيفترشها فى الطريق.. فيكون خيارهم يومئذ من يقول: لو واريناها وراء هذا الحائط» (روه ابویعلی«یعنی: این امت فانی نمیشود تا آنکه مرد برخیزد بر زنا وزنی را در راه

زنا نماید(وبهترین) شخص آن زمان کسی است که بگوید: اگر این عمل تان را پشت دیوار مخفی نمایید(خوب میشود).».

۷- **زمانه ای که نماز فرض صبح چهار رکعت میشود:** زمانه ای که مردم به عیوض دو رکعت نماز فرض ، چهار رکعت نماز فرض ادا میکنند.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: یوشک أحدکم أن یصلی الفجر أربعا»(رواه مسلم) «یعنی: نزدیک است که یکی از شما نماز صبح را چهار رکعت ادا نماید». وشاید براساس جهل مردم بر دین باشد که چنین عمل میکنند.

۸- **زمانه ای قبضه ای قمچین با انسان حرف میزند:**

۹- **زمانه ای که با شخص بند چبلی آن حرف میزند:**

۱۰-**زمانه ای که درندگان با شخص حرف میزند:**

۱۱-**زمانه ای که با شخص ران آن از احوال اهل وعیال وی حرف میزنــد:** «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: والذی نفسی بیده ، لاتقوم الساعة حتی تکلم السباع الانس وحتی یکلم الرجل عذبة سوطه وشراک نعله ویخبره فخذه بما یحدث من أهله بعده»(رواه احمد)«یعنی: سوگند به آن ذاتی که نفس من بدست بلاکیف او است که قیامت قائم نمیشود مگر تا اینکه حرف میزنند درندگان با انسان ها و حرف میزند

شخصی با قبضه ای قمچین خود وبا بند چپلی .. وخبر میدهد برای شخص ران آن به آنچه اهل وعیال آن بعد از وی انجام داده است».

۱۲- **شخص صدقه میدهد اما قبول کننده ای آن پیدا نمیشود:** زمانه ای که شخص میخواهد صدقه بدهد اما صدقه گیرنده را پیدا نخواهد کرد...«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: تصدقوا فسیأتی علی الناس زمان یمشی الرجل بصدقته فلا یجد من یقبلها»(رواه البخاری)«یعنی: صدقه دهید زیرا زمانی می آید بر مردم که شخص میرود تا صدقه دهد پس کسی را نمیابد که آنرا قبول نماید».

۱۳- **خلافت به منهج نبوت خواهد آمد:** زمانه ای که دوباره خلافت به منهج پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم خواهد آمد.« قَالَ حُذَيْفَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَكُونُ النُّبُوَّةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاضًّا فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ »(رواه احمد)«یعنی: میباشد نبوت تا زمانیکه الله بخواهد..تا زمانیکه الله آنرا بگیرد.. سپس خلافت به منهاج نبوت می آید آنچه که خواست الله باشد سپس الله خلافت را از روی زمین میگیرد.. تااخیر حدیث..».

۱۴-**بند شدن دریای فرات از کوه طـلا:** «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: یوشک الفرات أن یحسر عن کنز»(مشکاة) «یعنی: قریب است که فرات که بند شود از خزانه» ودر روایتی آمده است از طلا..

وهمچنین چندین علامه ای است که تاهنوز رخ نداده است.

تعداد علامات کوچک قیامت:

قابل یاد آوری است کتاب«الرحلة» بهترین کتابی است که در علامات قیامت نوشته شده است ، ودراین کتاب علامات صغری قیامت به دو بخش تقسیم گردیده است:

دربخش اول تمام احادیث صحیح را ذکر نموده است که من آنرا برای شما اینجا خلاصه نمودم.

ودربخش دوم تمام احادیث ضعیف را پیرامون علامات کوچک قیامت ذکر کرده است ومن آنرا مهم ندانستم چونکه احادیث ضعیف به اتفاق ائمه اهل علم مردود است وآن علامات کوچک که توسط احادیث صحیح بود اینجا تقدیم تان نمودم الحمدلله.

علامات بزرگ (کبری) قیامت:

شیخ مصطفی مراد در کتاب زیبایی خود «رحلة الخلود» مینویسد: اکثر محققین اهل علم بر این باورند که علامتهای بزرگ قیامت این ده تا می باشند (که بعدا تفصیلا باذن الله بیان خواهد شد) و این سه و آنچه در حدیث حذیفه بن اسید ذکر شده جدا از روی دادن خسوف هستند و اینکه اینها از علامتهای قیامت هستند شکی نیست همانگونه که نص حدیث بر واقع شدن آن قبل از نشانه دهم دلالت دارد و این مقدمه ای برای آن است و برای این گفته در روایت دیگری، حدیث حذیفه بن اسید گواه است و مسلم همچنین آن را روایت کرده و در آن خسوف را در ذکر بر غیر آن از علامتها بیان داشته آنجا که پیامبر می فرماید:«إِنَّ السَّاعَةَ لَا تَكُونُ حَتَّى تَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَالدُّخَانُ وَالدَّجَّالُ» . مسلم (۲۹۰۱) . «قیامت برپا نمی شود تا ده نشانه می آید: خسوف در مشرق، خسوف در مغرب و خسوف در جزیرة العرب، دخان، دجال و ...» سپس بقیه نشانه ها را ذکر کرده است. قرطبی می گوید:(فأول الآیات على ما فی هذه الروایة الخسوفات الثلاثة وقد وقع بعضها فی زمن النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم ذكره ابن وهب . . .) «از اولین نشانه ها در این روایت خسوف سه گانه است که بعضی از آن در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم که ابن وهب ذکر کرده واقع شده است».

وقابل یاد آوری است که علامات بزرگ قیامت پی درپی واقع میشوند(مشکاة).

علامت اول: خروج مهدی:

اولین علامه ای بزرگ قیامت خروج امام مهدی است. دکتر مصطفی مراد می گوید: خروج امام مهدی درحقیقت حلقه ای وصل است بین علامات کوچک وعلامات بزرگ قیامت.

صفات امام مهدی:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در احادیث صحیحی از او چنین بیان داشته است که : او مردی از اهل بیت است و در حالیکه زمین پر از ظلم و ستم است از عدل و داد پر می نماید. اسمش موافق اسم پیامبر صلی الله علیه وسلم و اسم پدرش موافق اسم پدر پیامبر صلی الله علیه وسلم است. ابوداود و ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» سنن أبی داود ٤ / ٣٠٦ (٤٢٨٢)

«دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل بیتم که هم اسم من و اسم پدرش هم اسم پدر من است حکومت عرب را بدست گیرد و زمین را همانگونه که پر از ظلم و ستم شده پر از عدل و داد می کند.».

ابن کثیر می‌گوید: «در زمان او میوه‌ها و محصولات زراعتی زیاد می‌شوند. و همچنین مال وافر، سلطان قاهر، دین استوار، دشمن ذلیل و خیر و برکت در ایام او مداوم می‌گردد» (النهایة / الفتن و الملاحم (۱/۳۱) .

علامه محمد صالح ابن عثیمین در مورد سوالی (آیا احادیثی که در باره ی خروج مهدی وارد شده اند صحیح هستند یا خیر؟) چنین می فرماید :

"احادیث وارد شده در مورد مهدی به چهار نوع تقسیم می شوند :

- قسم اول: احادیث دروغ .
- قسم دوم:احادیث ضعیف .
- قسم سوم: احادیث حسن که بدلیل اینکه طرق روایت آنها زیاد است به مرتبه صحت رسیده اند یعنی (صحیح لغیره) می باشند .

و برخی از علما گفته اند که در میان آن احادیث حسن، احادیثی وجود دارند که صحیح لذاته (که مرتبه بالاتر از صحیح لغیره است) می باشد و این قسم چهارم را تشکیل می دهند.

*حدیث ابن مسعود- رضی الله عنه – که مرفوع است می فرماید: " لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلک الیوم ، حتی یبعث فیه رجلاً منی أو من أهل بیتی ، یواطیء اسمه اسمی ، واسم أبیه اسم أبی ، یملأ الأرض قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً وجوراً." (أبو داود (۲/۲۰۷) ، وترمذی ، وأحمد ، وطبرانی در الکبیر والصغیر ، وأبو نعیم در " الحلیة " ، وخطیب بغدادی در" تاریخ بغداد " از طریق

زر بن حبیش از ابن مسعود . وترمذی می گوید: " حسن صحیح " وذهبی : " صحیح " وابن ماجة (۵۱۷/۲) از علقمة از ابن مسعود وسند آن حسن است) یعنی: (اگر از عمر دنیا جز روزی نماند الله آن را آن اندازه طولانی می گرداند که در آن مردی از نسل من یا از نسل اهل بیت من در آن قیام کند اسمش موافق اسم من و اسم پدرش موافق اسم پدرم می باشد. زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و ستم بود)

حدیث دیگری که از ابو سعید خدری به دو طریق روایت شده که اولی را ترمذی و ابن ماجه و حاکم و احمد استخراج کرده اند و ترمذی آن را حسن می داند و حاکم آن را به شرط مسلم صحیح می داند و ذهبی نیز با او موافق است و واقعیت نیز همانگونه است که فرموده اند، طریق دیگری را ابوداود و حاکم که آن را صحیح می دانند، استخراج کرده اند و سند آن حسن است.(شیخ البانی رحمه الله در مجلة المتمدن الاسلامیة«۲۲/٦٤٢-٦٤٦»)

صدیق خان در الاذاعه می گوید: احادیث در مورد مهدی به طرق مختلف قطعاً بسیار زیاد است که آن را به حد تواتر رسانده است در سننها و مسندها و معجمها موجود است و ابن خلدون سخن را در آن بسیار طولانی کرده است .

پس صدیق خان می گوید: احادیث مهدی بعضی صحیح و بعضی از آنها ضعیف می باشند و در طول زمان جریان آن بین عموم اهل اسلام مشهور شده است. و آن این که حتماً در آخر زمان مردی از اهل بیت نبی ظهور می کند

که مؤید دین خواهد بود . عدل را حاکم و مسلمانان وی را اطاعت خواهند کرد و بر تمام ممالک اسلامی تسلط خواهد یافت واسم آن مهدی است. و همزمان با او خروج دجال و شرط های برپایی قیامت همانگونه که در صحیح آمده روی خواهد داد و عیسی بعد از آن نازل می شود ودجال را به قتل می رساند و در نماز به مهدی اقتدا مینماید احادیث دجال و عیسی نیز همچنین در حد تواتر میباشد و انکار آن جایز نیست، قاضی علامه شوکانی – رحمه الله – نیز آن را بیان داشته است چنانکه در توضیح احادیث متواتر در مورد مهدی و دجال و مسیح آورده و می گوید: احادیث وارده در مورد مهدی که امکان اطلاع از آن باشد به پنجاه حدیث می رسد که در آن احادیث صحیح، حسن و ضعیف قابل جبران موجود است و بدون شک در حد تواتر می باشد و هیچ شبهه ای در آن نیست و بر اساس تمام اصطلاحات وارده در اصول وصف تواتر بر چیزهایی که خیلی در مرتبه پایین تر از آن وجود دارد صادق می باشد. و آثار رسیده از اصحاب در مورد مهدی نیز بسیار صریح و زیادند و در مرتبه مرفوع بودن قرار دارند چون مجالی برای اجتهاد در آنها نیست. (شیخ البانی رحمه الله در مجلة المتمدن الاسلامية«٢٢/٦٤٢-٦٤٦».

*از ابوسعید خدری روایت شده است پیامبر الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند:«يخرج فی آخر أمتی المهدی، يسقيه الله الغيث وتخرج الأرض نباتها ويعطی المال صحاحاً وتكثر الماشية، وتعظم الأمة، يعيش سبعاً أو ثمانياً» (يعنی: حججاً)

(«مستدرک حاکم» (٤/٥٥٧ – ٥٥٨) حاکم می گوید: این حدیث صحیح الإسناد است و شیخین آنرا روایت نکرده‌اند. ذهبی نیز موافق اوست. و آلبانی آنرا تصحیح کرده است «سلسلة الأحاديث الصحيحة» (م ٢ / ص ٣٣٦) (حدیث ٧١١).

(در پایان عمر امتم مهدی ظهور می کند، خدا به او باران فراوان و زمین حاصل خیز می‌بخشد. ثروت زیاد می‌شود. حیوانات اهلی افزایش می‌یابند و امت اسلامی بزرگ می گردد. او هفت یا هشت سال بعد از ظهور زندگی می کند)

*ابوسعید خدری می گوید پیامبر الله –صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «أبشركم بالمهدی يبعث على اختلاف من الناس و زلازل، فيملأ الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جوراً و ظلماً يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض يقسم المال صحاحاً».

(شما را به مهدی مژده می‌دهم در زمانی که مردم با هم اختلاف دارند و زلزله‌های زیادی روی می‌دهد مهدی مبعوث می‌شود. او زمین را به جای ظلم و ستم پر ازعدل و داد می کند. ساکنان آسمان و زمین از (عملکرد) او راضی هستند و اموال را بطور درست وعادلانه بین مردم تقسیم می کند).

مردی گفت معنی صحاحاً چیست؟ پیامبر فرمودند: «تقسیم عادلانه» در ادامه می‌فرماید: «الله غنی و بی‌نیازی را در جامعه پدید می‌آورد و عدل و مساوات او همه را در برمی گیرد. تا جایی که ندادهنده ندا می‌دهد چه کسی نیاز مالی دارد

جز یک نفر هیچ کس جواب نمی‌دهد. او می گوید به طرف انباردار برو و به او بگو مهدی به تو دستور داده است به من مال عطا کنی .

انباردار به او می گوید: هرچه مال می‌خواهی بردار وقتی مال را برداشت و به منزل برد با خود می گوید من حریصترین و آزمندترین فرد امت محمد -صلی الله علیه وسلم- بودم. آیا فضل و احسان آنان مرا کفایت نکرد .

راوی می گوید: مال را بر می‌دارد وبه جای خود بازمی گرداند اما آنرا از او دریافت نمی کنند و می گویند ما چیزی را بخشیدیم دوباره پس نمی گیریم. ابن روند ۷، ۸ و یا ۹ سال ادامه دارد و بعد حیات رو به سختی و تلخی می‌رود یا خیر وخوشی از زندگی قطع می گردد» («مسند امام احمد» (۳۷/۳ – با منتخب کنز) هیثمی می گوید: ترمذی و دیگران از جمله ابویعلی با اختصار زیاد آنرا روایت کرده‌اند و امام احمد در چند سند آنرا نقل نموده است که رجال هر دو موثوق به هستند. «مجمع الزوائد» (۳۱۳/۷ – ۳۱٤) و «عقیدة أهل السنة والاثر فی المهدی المنتظر» (ص ۱۷۷) .

این روایت دلالت می کند بر اینکه بعد از مهدی شر و فتنه بزرگی رخ می‌دهد .

۳- از علی -رضی الله عنه- روایت شده است گفت: پیامبر الله-صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «المهدی منا أهل البیت یصلحه الله فی لیلة» («مسند احمد» (۵۸/۲) (حدیث ٦٤٥) تحقیق احمد شاکر می گوید اسناد حدیث صحیح است. و «سنن ابن ماجه» (۱۳٦۷/۲)

آلبانی حدیث را تصحیح کرده است «صحیح جامع الصغیر» (۲۲/٦) (حدیث ٦٦١١)

«مهدی از اهل بیت است خداوند او را در یک شب اصلاح می‌کند». ابن کثیر می‌گوید: یعنی: توبه او را می‌پذیرد، توفیق و رشدش می‌دهد وبه او الهام می‌کند. («النهایة فی الفتن و الملاحم» (۲۹/۱) تحقیق د. طه زینی).

نشانه دوم: ظهور مسیح دجال:

و او مردی از فرزندان آدم است که در آخرالزمان خارج می شود و به وسیله او بسیاری از مردم دچار فتنه می گردند. خداوند بر دست او بعضی از اعمال خارق العاده را جاری می سازد. ادعای خدایی می کند باطل او بر مؤمن اثر ندارد و داخل تمام شهرها جز مکه و مدینه می شود و با او آتش و بهشت است. آتش او بهشت، و بهشت او آتش است. احادیث صحیح بر خروج او دلالت دارند. از آن جمله حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص است که مسلم در صحیحش از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که می‌فرماید:«يَخْرُجُ الدَّجَّالُ فِي أُمَّتِي فَيَمْكُثُ أَرْبَعِينَ لَا أَدْرِي أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ أَرْبَعِينَ شَهْرًا أَوْ أَرْبَعِينَ عَامًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ كَأَنَّهُ عُرْوَةُ بْنُ مَسْعُودٍ فَيَطْلُبُهُ فَيُهْلِكُهُ» مسلم (۲۹٤۰) .

«دجال در امت من خارج می شود و در زمین چهل می ماند نمی دانم چهل روز یا چهل ماه، یا چهل سال پس خداوند عیسی بن مریم را می‌فرستد که او مانند عروه بن مسعود است او را می خواند و به هلاکت می رساند». و در صحیحین از عبدالله بن عمر روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان مردم بلند شد و خداوند را بر آنچه شایسته او بود حمد و ثنا گفت سپس دجال را ذکر نمود و فرمود:«إِنِّي أُنْذِرُكُمُوهُ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَدْ أَنْذَرَهُ قَوْمَهُ لَقَدْ أَنْذَرَهُ نُوحٌ قَوْمَهُ وَلَكِنْ سَأَقُولُ لَكُمْ فِيهِ قَوْلًا لَمْ يَقُلْهُ نَبِيٌّ لِقَوْمِهِ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ أَعْوَرُ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ» بخاری (۳۰۵۷) ، وصحیح مسلم (۱٦۹)

«من شما را از او بر حذر می دارم. و هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه قوم اش را از او برحذر داشته است. از آن جمله، نوح نیز قوم اش را برحذر داشته است. اما من درباره او سخنی می گویم که هیچ پیامبری برای قومش نگفته است. دجال، یک چشم و احول است. ولی خداوند، چنین نیست».

ویژگی ها وعلامات دجال:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در احادیث مختلف علامات دجال را مفصلا بیان کرده است تا مؤمنان با آن آشنائی کامل پیدا کنند.

وبرخی از آن علائم:

دجال ادعای ربوبیت می کند و جهت ترویج باطل‌های خود اعمال خارق العاده را انجام می‌دهد، حتی شخصی که نزد او می‌آید گمان می کند جریان دجال بر وی پنهان نمی‌شود و باطل او تأثیری ندارد. اما وقتی اعمال خارق العاده او را می‌بیند، تسلیم می‌شود و از او پیروی می کند. در سنن ابی داود با سند صحیح از عمران بن حصین روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (مَنْ سَمِعَ بالدَّجَّال، فَلْيَنْأَ منه، فوالله إِن الرجل ليأتيه وهو يَحْسِبُ أَنه مؤمن، فيتبعُه، مما يَبْعَثُ به من الشبهات، أَو لَمَا يَبعث به من الشبهات) جامع الاصول (۳۵۶/۱۰) شماره (۷۸٤٦).

(هرکس درباره دجال می‌شنود باید از وی دوری کند. به خدا سوگند، انسان مسلمان پیش او می‌آید و می‌پندارد که مسلمان است. ولی وقتی نزد او می‌آید از شبهات القا شده او پیروی می‌کند).

هرکس با دقت دجال را مورد مطالعه قرار دهد، قطعاً می‌داند که دجال باطل است و صفات ربوبیت در آن تحقق نیافته‌اند. هرچند توسط او کارهای خلاف عادت صورت می‌گیرد، چون دجال بشر و ناتوان است. می‌خورد، می‌نوشد، می‌خوابد و نیاز به بول و غائط دارد. هرکس چنین حالتی داشته باشد، چگونه می‌تواند اله، معبود و رب کائنات باشد. حال آنکه او نیازمند به کائنات است!!

با این وجود رسول‌الله صلی الله علیه وسلم بسیاری از علایم و ویژگی‌های آن را برای ما بیان فرموده است تا مسلمانی که دجال در زمان آنها ظهور می‌کند، او را شناخته و در دام فریب او گرفتار نشود.

ویژگی‌های برجسته دجال: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم به گونه‌ای دجال را معرفی کرده است که حال و کیفیت و صفات و قیافه‌ی او روشن شده است. در صحیح بخاری از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم دجال را در خواب دید و او را چنین توصیف فرمود: مردی تنومند و سرخ رنگ است، موهای سرش پیچیده و از یک چشم نابینا است. چشم کور او بطرف بیرون برجسته و مانند دانه انگوری است که روی آب می‌باشد. از لحاظ

سیما و صورت و قیافه تشابه زیادی به ابن قطن خزاعی دارد. صحیح البخاری، کتاب الفتن. فتح الباری: (۱۳/ ۹۰).

از عباده بن صامت روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (إنی حدثتکم عن الدجال حتی خشیت أن لا تعقلوا، أن مسیح الدجال رجل قصیر أفحج جعد أعور مطموس العینوإنه أعور العین، لیست بناتئة ولا حجراء، واعلموا أن الله عز وجل لیس بأعور، وأنکم لن تروا ربکم حتی تموتوا)

(من درباره دجال برای شما صحبت کردم تا اینکه احتمال دادم متوجه نشده‌اید. اینک به شما می‌گویم که مسیح دجال مرد کوتاه قدی است. موهای پیچیده دارد. یک چشم است و چشم او بی نور است. بی ابرو است، برجسته نیست. اگر دچار مشکل شدید، بدانید که پروردگار شما یک چشم نیست و تنها در قیامت قادر به دیدن او خواهید بود). صحیح الجامع الصغیر: (۳۱۸/۲) شماره:(۲٤۵۵).

یک چشم داشتن دجال : رسول‌الله صلی الله علیه وسلم بر توصیف دو چشم دجال خیلی تاکید فرموده است، چون هر چند بتواند از سایر صفات و ویژگی‌هایش خود را رها سازد، هرگز نمی‌تواند چشم‌هایش را پنهان کند. چشم‌ها در معرض دید عموم قرار می‌گیرند. هرکس آنها را می‌بیند و ویژگی‌های چشم آشکار و پنهان شدنی نیستند. احادیث گذشته اشاراتی پیرامون معیوب بودن چشم‌های دجال داشتند. در برخی روایات آمده است که چشم اعور (کور) دجال چشم راست است و در بعضی روایات چشم اعور چشم چپ معرفی شده است. اعور

بودن چشم راست بیشتر معروف است، چون احادیثش متفق علیه هستند. رسول‌الله صلی الله علیه وسلم چشم اعور دجال را به چشم خاموش و بی‌خاصیت تشبیه کرده است. در حدیثی آمده که چشم راست او برجسته و قابل پنهان کردن نمی‌باشد. مانند نخاعه‌ای که روی دیوار صاف و گچ کاری شده بیفتد.

در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنه درباره دجال آمده است: (أَعْوَرِ الْعَيْنِ الْيُمْنَى كَأَنَّهَا عِنَبَةٌ طَافِيَةٌ) بخاری کتاب « الفتن» باب «دجال» فتح الباری (۹۰/۱۳). مسلم کتاب « الفتن» باب« ذکر دجال» (٢٢٤٧/٤).

(چشم راستش کور و مانند دانه انگوری است که روی آب شنا می کند)

در حدیث ابی سعید: (و عینه الیمنی عوراء جاحظه لا تخفی کانها نخاعه فی حائط مجصص، عینه الیسری کانها کوکب دری)

امام نووی روایات متعارض را اینگونه توجیه نموده است: تمام روایاتی که حاکی از اعور بودن دو چشم دجال هستند، به درجه صحت رسیده‌اند.«عوراء» به معنی معیوب بودن چشم است، بنا بر این توصیف کردن چشم دجال به عور یعنی هر دو چشمش مشکل دارند. در بعضی روایات دیگر آمده است که چشم راست او کور است و در برخی روایات دیگر آمده است که چشم چپ او کور است. در بعضی روایات آمده است: «احداهما طافئه» با همزه به معنی فاقد دید. یعنی چشم او دید ندارد. و درباره چشم دیگر او آمده است: «الاخری طافیه» بدون همزه به معنی ظاهر و برجسته. پس دو چشم دجال بر اساس اظهارات امام نووی یک

فاقد نور و دید و دیگری هرچند کور نیست اما دارای اختلال و عیب است. در روایت مسلم آمده است: چشمی که فاقد نور و دید است، همان چشم ممسوح است. روی آنرا جلدی کلفت پوشانده و توان دیدن را از آن گرفته است.
رسول‌الله صلی الله علیه وسلم چشم بینایش را اینگونه توصیف می‌فرماید: چشم او سبز و مانند شیشه به‌ نظر می‌رسد. سلسلة احادیث الصحیحة (۱۸۶۳).
میان دو چشم او کافر نوشته شده است : علایم دیگری نیز وجود دارد که خداوند دجال را در پرتو آن معرفی نموده است. البته این علامت را تنها مؤمنان می‌دانند. یعنی آنهایی که فاقد بصیرت هستند، این علایم را نمی‌شناسند. منظور از این علامت جمله‌ای است که متن آن «ک، ف، ر» می‌باشد یا «کافر». در صحیح بخاری از حضرت انس رضی الله عنه از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است: (مَا بُعِثَ نَبِيٌّ إِلَّا أَنْذَرَ أُمَّتَهُ الْأَعْوَرَ الْكَذَّابَ أَلَا إِنَّهُ أَعْوَرُ وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ وَإِنَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ) بخاری کتاب «الفتن» باب «ذکر الدجال».
(هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینکه امتش را از اعور کذاب بر حذر داشته است. آگاه باشید که دجال اعور است و پروردگار شما اعور نیست و میان دو چشم او کلمه کافر نوشته شده است).
مشابه این حدیث، حدیثی است که امام بخاری آنرا نقل کرده است. بر اساس اظهارات امام نووی محققین بر این عقیده‌اند که این نوشته کاملا معلوم و مشخص

است، از جمله علایمی‌می‌باشد که معرف کفر قطعی، کذب و باطل بودن او است. و خداوند آن را برای هر مؤمن چه با سواد یا بی‌سواد ظاهر می‌کند و از کسانی که قصد شقاوت و واقع شدن در فتنه او را داشته باشد، پنهان می‌دارد.

قاضی عیاض اختلاف بزرگان را در این مورد نقل می‌کند و می‌گوید: گروهی گمان می‌کنند که نوشته ظاهری و حقیقی است و برخی هم بر این گمان هستند که مجاز است و برای تأکید دیدگاه خود به این حدیث استدلال می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: همه مؤمنان آنرا می‌خوانند با سواد باشند یا بی‌سواد، ولی این دیدگاه ضعیف است. شرح نووی بر مسلم (۱۸/۶۰).

دجال وارث ندارد: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: دجال عقیم (بی‌اولاد) است و فرزندی ندارد. شرح نووی بر مسلم (۲۲۴۲/٤).

دجال از کجا خارج می‌گردد؟!: دجال از سمت مشرق از خراسان واز میان یهودیان اصفهان خارج می‌شود سپس روی زمین سفر می‌کند و به همه شهرها جز مکه و مدینه وارد می‌شود. (چون ملائکه از آنها حراست می‌کنند).

در حدیث فاطمه بنت قیس پیامبر –صلی الله علیه وسلم– درباره دجال فرمود: «ألا إنه فی بحر الشام أو بحر الیمن لا، بل من قبل المشرق ماهو من قبل المشرق ما هو (وأومأ بیده إلی المشرق)» («صحیح مسلم» (۱۸/۸۳ – با شرح نووی).

ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- می گوید: پیامبر در حالی که برای ما حدیث می گفت فرمود: «الدجال يخرج من أرض بالمشرق يقال لها خراسان» («جامع الترمذی» باب ما جاء من این یخرج دجال؟ (٤٩٥/٦ – با شرح تحفة الاحوذی) .

یعنی:«دجال در سمت مشرق در جایی به نام خراسان ظاهر می‌شود».

حکم این حدیث: شیخ البانی می گوید: حدیث صحیح است «صحیح الجامع الصغیر» (١٥٠/٣) (حدیث ٣٣٩٨)

انس -رضی الله عنه- که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «يخرج الدجال من يهودية أصبهان، معه سبعون ألفاً من اليهود».

«دجال از یهودیهای اصفهان خارج می‌شود و هفتاد هزار نفر همراه او هستند».

ابن حجر می گوید: اما اینکه دجال از کجا می‌آید؟ قطعاً از سمت مشرق می‌آید» («فتح الباری» (٩١/١٣).

ابن کثیر می گوید: ابتدای ظهورش از اصفهان در محله یهودیها است («النهاية / الفتن و الملاحم» (١٢٨/١) تحقيق د. طه زینی.)

علامت سوم: نزول عیسی از آسمان به زمین:

او در زمین به عدالت حکم می کند، صلیب را می شکند، خوک را می کشد و کار دجال را تمام می کند. همانگونه که نصوص از کتاب و سنت بر آن دلالت دارند. الله تعالی در کتابش می فرماید: {وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ} زخرف ٦١. «و همانا آن، نشانه ای برای رستاخیز است». بیشتر مفسرین به این آیه بر نزول عیسی استدلال می کنند و این روایت از ابن عباس نقل شده است. امام احمد در مسندش از ابن عباسم در تفسیر این آیه روایت می کند که می گوید:«هو خروج عیسی ابن مریم علیه السلام قبل یوم القیامة» المسند : ١ / ٣١٨ .

«آن خروج عیسی بن مریم؛ قبل از روز قیامت است». همانگونه که احادیث صحیح بر نزول عیسی؛ دلالت می کنند. در صحیحین از ابوهریرهروایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:«وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَیُوشِکَنَّ أَنْ یَنْزِلَ فِیکُمْ ابْنُ مَرْیَمَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ حَکَمًا عَادِلًا فَیَکْسِرَ الصَّلِیبَ وَیَقْتُلَ الْخِنْزِیرَ وَیَضَعَ الْجِزْیَةَ وَیَفِیضُ الْمَالُ حَتَّی لَا یَقْبَلَهُ أَحَدٌ وَحَتَّی تَکُونَ السَّجْدَةُ الْوَاحِدَةُ خَیْرًا مِنْ الدُّنْیَا وَمَا فِیهَا» بخاری (٢٢٢٢) ، وصحیح مسلم (١٥٥)

«سوگند به ذاتی که جان من در دست اوست، بزودی عیسی بن مریم نزول خواهد کرد. او حاکم عادلی خواهد بود، صلیب را خواهد شکست و خوک را از بین خواهد برد و جزیه را برمی دارد و (در زمان ایشان) ثروت و دارایی بحدی زیاد می شود که کسی حاضر به پذیرفتن مال، نخواهد شد».

چرا ظهور عیسی علیه السلام یکی از علائم قیامت است؟:

سوال: چرا یکی از علائم قیامت مختص به آمدن عیسی علیه السلام است؟ چرا از بین پیامبران تنها عیسی علیه السلام انتخاب شد؟

جواب: علماء درین زمینه چندین جواب ارائه نمودند که در ذیل بحث خواهیم نمود ان شاء الله:

بعضی از علماء گفته اند: حکمت از فرستادن عیسی بسوی دجال واز آسمان فرود آمدن اینست که ردی باشد بر مردم یهود زیرا آنها برین عقیده بودند که عیسی مرده است وآنرا به قتل رسانیده اند ، پس الله آنرا از آسمان پایین میکند تا دروغ های یهود برملا گردد.(فتح الباری٦/٥٦٨).

بعضی از علماء می گویند: پایین شدن عیسی علیه السلام ردی است بر نصاری درین قول که آنها گفتند او خدا است یا پسر خدا است یا سوم خدا است ، پس بر این عقیده ای باطل شان الله اورا میفرستد و او صلیب را می شکند وجذیه را بر مردم میگذارد وخنزیر را به قتل میرساند.

بعضی از علماء می گویند: این قدرت الله سبحانه وتعالی است که فردی را سالها وقرن ها از دید وچشم مردم پنهان گذاشته ویکبار آنرا برای مردم نشان دهد.(الرحلة٥٣٩).

خلاصه ای از دیدگاه اهل سنت پیرامون امام مهدی ، دجال وظهور عیسی علیه السلام:

در مورد مهدی، در آخرالزمان مردی از اهل بیت پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- ظاهر می‌شود و باعث تقویت دین می‌گردد اوهفت سال حکومت را بدست می‌گیرد و زمین را به جای ظلم و ستم پر از عدل و داد می‌کند در این مدت مردم به نعمتهای بی‌سابقه می‌رسند. زمین سرسبز و پربرکت و نزولات آسمانی فراوان می‌گردند. و مال و نعمت فراوانی در اختیار مردم قرار می‌گیرد.

ابن کثیر می‌گوید: «در زمان او میوه‌ها و محصولات زراعتی زیاد می‌شوند. و همچنین مال وافر، سلطان قاهر، دین استوار، دشمن ذلیل و خیر و برکت در ایام او مداوم می‌گردد» (النهایة / الفتن و الملاحم (۳۱/۱) تحقیق د. طه زینی)

مهدی اسم خود و پدرش مانند پیامبر خدا و پدر گرامیشان است پس او احمد یا محمد بن عبدالله و از نوادگان فاطمه و از فرزندان حسن بن علی خواهد بود.

در این زمینه ابن کثیر می‌گوید: او محمد بن عبدالله علوی، فاطمی و حسنی -رضی الله عنه- است (النهایة / الفتن و الملاحم ۲۹/۱).

و درباره صفت چهره او گفته‌اند دارای پیشانی عریض و بینی کشیده و محدب است.

احادیث صحیحی دال بر ظهور مهدی وارد شده‌اند. برخی از آنها صراحتاً نام مهدی را می‌برند. وبرخی دیگر تنها اوصاف او را ذکر می‌کنند.

۱- از ابوسعید خدری روایت شده است پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند:

«يخرج فی آخر أمتی المهدی، يسقيه الله الغيث وتخرج الأرض نباتها ويعطی المال صحاحاً وتكثر الماشية، وتعظم الأمة، يعيش سبعاً أو ثمانياً» (يعنی: حججاً) («مستدرک حاکم» (۵۵۷/۴ – ۵۵۸) حاکم می گوید: این حدیث صحیح الإسناد است و شیخین آنرا روایت نکرده‌اند. ذهبی نیز موافق اوست. و آلبانی آنرا تصحیح کرده است «سلسلة الأحاديث الصحيحة» (م ۲ / ص ۳۳۶) (حدیث ۷۱۱).

«در پایان عمر امتم مهدی ظهور می کند، خدا به او باران فراوان و زمین حاصلخیز می‌بخشد. ثروت زیاد می‌شود. حیوانات اهلی افزایش می‌یابند و امت اسلامی بزرگ می گردد. او هفت یا هشت سال بعد از ظهور زندگی می کند».

۲- ابوسعید خدری می گوید پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند:

«أبشركم بالمهدی يبعث علی اختلاف من الناس و زلازل، فيملأ الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جوراً و ظلماً يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض يقسم المال صحاحاً».

«شما را به مهدی مژده می‌دهم در زمانی که مردم با هم اختلاف دارند و زلزله‌های زیادی روی می‌دهد مهدی مبعوث می‌شود. او زمین را به جای ظلم و ستم پر ازعدل و داد می کند. ساکنان آسمان و زمین از (عملکرد) او راضی هستند و اموال

را بطور درست وعادلانه بین مردم تقسیم می‌کند» مردی گفت معنی صحاحاً چیست؟ پیامبر فرمودند: «تقسیم عادلانه» در ادامه می‌فرماید: «خداوند غنی و بی‌نیازی را در جامعه پدید می‌آورد و عدل و مساوات او همه را در برمی‌گیرد. تا جایی که ندادهنده ندا می‌دهد چه کسی نیاز مالی دارد جز یک نفر هیچ کس جواب نمی‌دهد. او می‌گوید به طرف انباردار برو و به او بگو مهدی به تو دستور داده است به من مال عطا کنی.

انباردار به او می‌گوید: هرچه مال می‌خواهی بردار وقتی مال را برداشت و به منزل برد با خود می‌گوید من حریصترین و آزمندترین فرد امت محمد -صلی الله علیه وسلم- بودم. آیا فضل و احسان آنان مرا کفایت نکرد.

راوی می‌گوید: مال را بر می‌دارد وبه جای خود بازمی‌گرداند اما آنرا از او دریافت نمی‌کنند و می‌گویند ما چیزی را بخشیدیم دوباره پس نمی‌گیریم. ابن روند ۷، ۸ و یا ۹ سال ادامه دارد و بعد حیات رو به سختی و تلخی می‌رود یا خیر وخوشی از زندگی قطع می‌گردد» («مسند امام احمد» (۳۷/۳ – با منتخب کنز) هیثمی می‌گوید: ترمذی و دیگران از جمله ابویعلی با اختصار زیاد آنرا روایت کرده‌اند و امام احمد در چند سند آنرا نقل نموده است که رجال هر دو موثوق به هستند. «مجمع الزوائد» (۳۱۳/۷ – ۳۱٤) و «عقیدة أهل السنة والاثر فی المهدی المنتظر» (ص ۱۷۷) شیخ عبدالمحسن عباد.)

این روایت دلالت می‌کند بر اینکه بعد از مهدی شر و فتنه بزرگی رخ می‌دهد.

۳- از علی -رضی الله عنه- روایت شده است گفت: پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «المهدی منا أهل البیت یصلحه الله فی لیلة» («مسند احمد» (۵۸/۲) (حدیث ٦٤٥) تحقیق احمد شاکر می‌گوید اسناد حدیث صحیح است. و «سنن ابن ماجه» (۱۳٦۷/۲).

آلبانی حدیث را تصحیح کرده است «صحیح جامع الصغیر» (۲۲/٦) (حدیث ٦٦۱۱)

«مهدی از اهل بیت است خداوند او را در یک شب اصلاح می‌کند». ابن کثیر می‌گوید: یعنی: توبه او را می‌پذیرد، توفیق و رشدش می‌دهد وبه او الهام می‌کند. («النهایة فی الفتن و الملاحم» (۲۹/۱) تحقیق د. طه زینی)

اما در مورد مسیح دجال:

و دجال مسیح ضلالت و گمراه‌کننده مردم به وسیله آیاتی است که خداوند به او عطا کرده است مانند: انزال باران، احیاء و سرسبز گرداندن زمین و چندین امر خارق‌العادة دیگر.

دجال مسیح نامیده شده است زیرا یکی از چشمهایش کور است یا اینکه کل زمین را در مدت چهل روز طی می‌کند («النهایة فی غریب الحدیث» (۳۲٦/٤ – ۳۲۷) و «لسان العرب» (۵۹٤/۲ – ۵۹۵) ولی قول اول راجحتر است زیرا درحدیث آمده است «ان الدجال ممسوح العین» «دجال یک چشمش کور است»

(«صحیح مسلم» کتاب الفتن و أشراط الساعة باب ذکر الدجال (۶۱/۱۸ – با شرح نووی).

دجال از سمت مشرق از خراسان واز میان یهودیان اصفهان خارج می‌شود سپس روی زمین سفر می‌کند و به همه شهرها جز مکه و مدینه وارد می‌شود. (چون ملائکه از آنها حراست می‌کنند).

در حدیث فاطمه بنت قیس پیامبر –صلی الله علیه وسلم– درباره دجال فرمود: «ألا إنه فی بحر الشام أو بحر الیمن لا، بل من قبل المشرق ماهو من قبل المشرق ما هو (وأومأ بیده إلی المشرق)» («صحیح مسلم» (۸۳/۱۸ – با شرح نووی).

ابوبکر صدیق –رضی الله عنه– می‌گوید: پیامبر در حالی‌که برای ما حدیث می‌گفت فرمود: «الدجال یخرج من أرض بالمشرق یقال لها خراسان» («جامع الترمذی» باب ما جاء من این یخرج دجال؟ (۴۹۵/۶ – با شرح تحفة الاحوذی) البانی می‌گوید: حدیث صحیح است «صحیح الجامع الصغیر» (۱۵۰/۳) (حدیث ۳۳۹۸)

«دجال در سمت مشرق در جایی به نام خراسان ظاهر می‌شود».

انس –رضی الله عنه– فت که پیامبر –صلی الله علیه وسلم– فرمود: «یخرج الدجال من یهودیة أصبهان، معه سبعون ألفاً من الیهود».

«دجال از یهودیهای اصفهان خارج می‌شود و هفتاد هزار نفر همراه او هستند».

ابن حجر می گوید: اما اینکه دجال از کجا می‌آید؟ قطعاً از سمت مشرق می‌آید» («فتح الباری» (۹۱/۱۳).
ابن کثیر میگوید: ابتدای ظهورش از اصفهان در محله یهودیها است («النهایة / الفتن و الملاحم» (۱۲۸/۱) تحقیق د. طه زینی.)
دجال وارد مکه و مدینه نمی شود، و هنگام خروج دجال در آخرالزمان دخول به مکه و مدینه بر او حرام است، و او جز این دو شهر به همه شهرها یکی پس از دیگری وارد خواهد شد.
در حدیث فاطمه بنت قیس -رضی الله عنها- آمده است دجال گفت: من ظاهر می‌شوم و روی زمین سفر خواهم کرد و در مدت چهل روز جز مکه و مدینه هیچ شهری نمی‌ماند مگر اینکه داخل آن خواهم شد جز مکه و مدینه که بر من حرام شده‌اند وهرگاه می‌خواهم به یکی از آنها وارد شوم ملائکه‌ای شمشیر بدست روبروی من قرار می‌گیرد وهیچ روزنه‌ای نیست که ملائکه‌ها از آن حراست نکنند» («صحیح مسلم» کتاب الفتن وأشراط الساعة، باب قصة الجساسة (۸۳/۱۸ – با شرح نووی).
و در روایات صحیح آمده است که دجال وارد چهار مسجد نمی‌شود. مسجد حرام، مسجد مدینه، مسجد طور و مسجد الاقصی.
امام احمد از جناد بن ابی‌امیه ازدری روایت می کند او گفت: من با مردی از انصار نزدِ یکی از اصحاب پیامبر رفتیم و به او گفتیم حدیثی که از پیامبر -صلی الله علیه

وسلم- درباره دجال شنیده‌ای برایمان بازگو کن... او حدیث را ذکر کرد و گفت: «دجال چهل روز در زمین می‌ماند و به هر چشمه‌ای سر می‌زند اما به چهار مسجد نزدیک نمی‌شود: مسجدالحرام، مسجد طور، مسجد مدینه و مسجد الاقصی» («الفتح الربانی» (٧٦/٢٤ – ترتیب الساعاتی).

بنابر مفاد احادیث صحیح هلاک و نابودی دجال توسط عیسی بن مریم صورت می‌گیرد. چون دجال در تمام نقاط زمین اتباع و انصار دارد (جز مکه و مدینه) وفتنهٔ او بسیار وسیع و خطرناک است و جز عدهٔ کمی از مسلمانان از آن نجات نمی‌یابند. و در این هنگام عیسی -علیه السلام- بر مناره شرقی در دمشق نازل می‌شود و بندگان مؤمن خدا را دور خودش جمع می‌کند و به سمت دجال می‌روند که در این هنگام دجال نیز به سوی بیت‌المقدس می‌رود و در نزدیکی «لُدّ» (شهری در فلسطین نزدیک بیت‌المقدس) به هم می‌رسند. وقتی دجال عیسی را می‌بیند مانند نمک ذوب می‌شود. عیسی -علیه السلام- به او می‌گوید: «من باید ضربه‌ای به تو بزنم پس راه فرار نداری» عیسی به او می‌رسد و او را به قتل می‌رساند و سایر مؤمنین، سپاهیان شکست‌خورده و فراری دجال را تعقیب می‌کنند و درخت و سنگ می‌گویند ای مسلمان این یهودی پشت من مخفی شده است بیا او را به قتل برسان جز درخت غرقد که جزو درخت یهودیان است (و به سخن نمی‌آید) («النهایة / الفتن والملاحم» (١٢٨/١ – ١٢٩) تحقیق د. طه زینی.)

پیامبر امتش را به اموری که آنان را از فتنه دجال حفظ می کند ارشاد کرد او امت را بر قانونی واضح و بدون ابهام ترک کرد. کسی از آن منحرف نمی‌شود جز اینکه هلاک می گردد. هیچ راه خیری نبود مگر امتش رابه آن راهنمایی کرد و هیچ شری نبود مگر امتش را از آن برحذر داشت.

یکی از مواردی که پیامبر –صلی الله علیه وسلم– امتش را از آن برحذر داشت فتنه مسیح دجال است زیرا بزرگترین فتنه‌ای است که امت اسلامی با آن مواجه می‌شوند والبته هر پیامبری امتش را از فتنه مسیح دجال یک چشم برحذر داشته ولی حضرت محمد بیشتر از سایر انبیاء امتش را از آن برحذر داشته است چون خداوند بسیاری از صفات دجال را به پیامبرش گفت تا امتش را بترساند چراکه دجال از همین امت خارج خواهد شد. و محمد خاتم انبیاء است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر من دربین تان بودم از شما درمقابل دجال دفاع میکنم... واگر دربین شما نبودم پس چنین صفاتی را دارد(که قبلا ذکر کردیم) و راه هایی مقابله با دجال را نیز پیامبر صلی الله گفته است که قرار ذیل میباشد:

۱– تمسک به اسلام و مسلح شدن به اسلحه ایمان و شناخت اسماء الله الحسنی که خداوند در آنها شریکی ندارد و همچنین معلوم است. دجال انسانی است که می‌خورد و می‌آشامد. ولی خداوند از آن منزه است. دجال کور است ولی خداوند چنین نیست. کسی خداوند را نمی‌بیند تا پس از مرگ ولی دجال را همه انسانهای مؤمن و کافر می‌بینند.

۲- پناه‌بردن به خدا از شر فتنه دجال خصوصاً در نماز به استناد احادیث صحیح پیامبر -صلی الله علیه وسلم- از جمله حدیثی که شیخان و نسایی از عائشه (رضی الله عنها) روایت می کنند.

او می گوید: پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در نماز این دعا را می‌خواند. «اللهم إنی أعوذبک من عذاب القبر وأعوذبک من فتنة المسیح الدجال... الحدیث» (متفق علیه)

«پروردگارا از عذاب قبر و از فتنه مسیح دجال به تو پناه می‌برم».

مسلم از ابوهریره روایت می کند گفت: پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «إذا تشهد أحدکم فلیستعذ بالله من أربع، یقول: اللهم إنی أعوذبک من عذاب جهنم ومن عذاب القبر ومن فتنة المحیا والممات ومن شر فتنة المسیح الدجال» (صحیح مسلم)

«هرگاه یکی از شما در نماز تشهد خواند از چهار چیز به خدا پناه ببرد و بگوید: پروردگارا از عذاب جهنم، عذاب قبر واز فتنه زندگی و مرگ و از شرّ فتنه دجال مسیح به تو پناه می‌برم».

۳- حفظ آیاتی از سورة کهف: پیامبر خدا فرمودند آیات اول سورة کهف بر دجال خوانده شود. در برخی روایات به جای اول سورة کهف، آیات آخر سورة کهف وارد شده است (ده آیه از اول یا ده آیه از آخر).

مسلم از نواس بن سمعان (درحدیث طولانی) روایت کرده است پیامبر –صلی الله علیه وسلم– فرمود: «... من أدرکه منکم فلیقرأ علیه فواتح سورة کهف» (صحیح مسلم)

«... هر یک از شما به دجال رسید آیات اول سورة کهف را بر او بخواند».

مسلم از ابودرداء –رضی الله عنه– نقل می‌کند پیامبر فرمود:

«من حفظ عشر آیات من أول سورة الکهف، عصم من الدجال» أی: من فتنته.

«هر کس ده آیه اول سورة کهف را حفظ داشته باشد از فتنه دجال محفوظ می‌شود». مسلم می‌گوید: «شعبه گفت: آخر کهف و همام گفت: اول کهف» (صحیح مسلم)

نووی می‌گوید: «چون در اول سورة کهف درباره وقایع عجیب و برخی از آیات خداوند بحث می‌شود هر کس در آنها تدبر کند به فتنه دجال گرفتار نمی‌گردد و چون در آخر آن این آیه ﴿أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا﴾ وجود دارد» («شرح نووی بر مسلم» (۹۳/۶)). لذا این از خصوصیات سورة کهف است. احادیث وارده تشویق به قرائت آن می‌کنند خصوصاً در روز جمعه.

حاکم از ابوسعید خدری –رضی الله عنه– روایت می‌کند پیامبر –صلی الله علیه وسلم– فرمود:

«إن من قرأ سورة الکهف یوم الجمعة، أضاء له من النور ما بین الجمعتین» (صحیح – «مستدرک حاکم» (۳۶۸/۲)

«هر کس سورة کهف را در روز جمعه قرائت کند بین دو جمعه نور بر او نازل می‌شود».

شکی نیست سورة کهف شأن عظیمی دارد و در آن آیات بدیعی مانند: قصه اصحاب الکهف، قصه موسی و خضر، قصه ذی‌القرنین و بنای سد بزرگ توسط او در برابر یاجوج و مأجوج، اثبات دوباره زنده‌شدن بعد از مرگ و حشر و نشر، نفخ در صور و بیان حال زیانبارترین عاملان کسانی که گمان می‌کنند بر سر راه هدایتند اما در ضلالت و کوری بسر می‌برند، وجود دارند. لذا بر هر مسلمانی لازم است در قرائت این سوره و حفظ و تکرار آن خصوصاً در بهترین روز هفته یعنی روز جمعه توانا باشد.

٤- فرار از دجال و دوری از او: در این راستا بهترین راه ساکن‌شدن در مکه و مدینه است چون دجال وارد مکه و مدینه نمی‌شود. پس لازم است هنگام ظهور دجال از او دور شویم چون با قدرت فراوانش امور خارق‌العاده انجام می‌دهد. و هر لحظه ممکن است انسان از او متأثر شود و پیرو او گردد. لذا از خداوند می‌خواهیم ما و جمیع مسلمانان را از فتنه او نجات دهند.

امام احمد و ابوداود و حاکم از ابوالدهماء روایت می‌کنند که می‌گوید از عمران بن حصین حدیثی شنیدم گفت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود:

«من سمع بالدجال فلينأ عنه، فوالله إن الرجل ليأتيه وهو يحسب أنه مؤمن فيتبعه مما يبعث به من الشبهات، أو لما يبعث به من الشبهات» («الفتح الربانی» (٢٤/٧٤)

و «سنن ابوداود» (۲۴۲/۱۱ – با شرح عون المعبود) و «مستدرک حاکم» (۳۵۱/٤) حاکم می‌گوید: این حدیث صحیح الاسناد مطابق شرط مسلم است و در صحیحین نیامده است. آلبانی این حدیث را تصحیح کرده است «صحیح الجامع الصغیر» (۳۰۳/٥) (حدیث ٦۱۷۷).

«هر کس اسم دجال (ظهور دجال) را شنید از او دور شود، سوگند به خدا مرد نزد او می‌رود گمان می‌کند مؤمن است و بر اثر شبهاتش از او پیروی می‌کند.

بیشتر پیروان دجال از اقوام یهود، عجم، ترک و همچنین از قومیتهای مختلف دیگرند و غالب آنان را اعراب و زنان تشکیل می‌دهند.

مسلم از انس بن مالک –رضی الله عنه– روایت می‌کند پیامبر خدا –صلی الله علیه وسلم– فرمود: «یتبع الدجال من یهود أصبهان سبعون ألفاً علیهم الطیالسة» («شرح نووی بر مسلم» (۲۳٤/۲) و «فتح الباری» (٤۸۸/٦ – ٤۸۹).)

«از دجال هفتاد هزار یهودی اصفهانی پیروی می‌کنند که عبایی مخصوص (ایرانیان) بر تن دارند.

و در روایت احمد آمده است «سبعون ألفاً علیهم التیجان» (صحیح مسلم)

«هفتاد هزار نفر که تاج بر سر دارند».

در حدیث ابوبکر آمد: «یتبعه أقوام کأنَّ وجههم المجان المطرقة» («الفتح الربانی ترتیب المسند» (۷۳/۲٤) حدیث صحیح است «فتح الباری» (۲۳۸/۱۳).

«اقوامی از او پیروی می‌کنند که صورتشان مانند سپر برجسته است»

ابن کثیر گفت: «ظاهراً – والله اعلم – منظور این است که ترکها یاوران دجال هستند.

در بخشی از حدیث طولانی ابوامامه آمده است «یکی از فتنه‌های دجال این است که به اعرابی می‌گوید اگر من پدر و مادرت را زنده کنم. آیا گواهی می‌دهی من پروردگارت هستم. او می‌گوید: بلی، بعد شیطانی به صورت پدر ومادرش درمی‌آید و می‌گوید ای فرزندم از او پیروی کن. او پروردگار توست» (صحیح – «سنن ابن ماجه»)

چگونگی نزول عیسی:

اما در مورد چگونگی نزول عیسی –علیه السلام–، بعد از خروج دجال و افساد در زمین خداوند حضرت عیسی –علیه السلام– را به زمین نازل می‌کند و نزول او در شرق دمشق کنار «مناره البیضاء» است که بر آن دو پارچه مزین و ملون به ورس (قرمزرنگ) و زعفران وجود دارد.

عیسی –علیه السلام– دو کف دستش را روی بالهای دو ملائکه گذاشته است وقتی سرش را فرود می‌آورد از آن قطره‌های آب می‌ریزد. وهنگامی که سرش را بالا می‌برد قطرات آبی مانند مروارید و لؤلؤ از او پایین می‌افتد هیچ کافری نمی‌تواند هوای نفس او را درک کند جز اینکه می‌میرد.

نزول او در میان افرادی صورت می‌گیرد که در راه حق قتال می‌کنند و همه جمع شده‌اند تا به جنگ دجال بروند پس ناگهان عیسی درهنگام اقامه نماز نازل می‌شود و امیر آنان را امام قرار می‌دهد و خود همراه دیگران به او اقتداء می‌کند.

ابن کثیر می‌گوید: «این قول مشهورتر است که عیسی در مناره البیضاء شرقی در دمشق نازل می‌شود. در برخی کتب دیده‌ام که او بر مناره البیضاء جامع دمشق فرود می‌آید شاید این صحیح‌تر باشد چون در دمشق چیزی به نام مناره شرقیه وجود ندارد جز مناره‌ای که در کنار مسجد جامع اموی در مشرق دمشق است ظاهراً این قول مناسبتر است چون در هنگام اقامه نماز نازل می‌شود و امام مسلمانان به او می‌گوید ای روح الله امامت نماز جماعت را بپذیر عیسی می‌گوید شما امام بشو چون برای شما قامت گفته‌اند. و در روایتی می‌گوید: بخاطر احترامی که این امت نزد خدا دارد امام را از خودتان قرار داده است («صحیح مسلم» و «النهایة الفتن و الملاحم» (۱-۱٤٤-۱٤٥) تحقیق در طه زینی.)

در حدیث طولانی نواس بن سمعان در زمینه خروج دجال و نزول عیسی -علیه السلام- چنین آمده است: «وقتی خداوند مسیح بن مریم را برانگیخت کنار مناره البیضاء شرقی دمشق بین دو پارچه رنگی (مصبوغ باورس و زعفران) در حالی که کف دستش روی بال‌های ملائکه امت نازل می‌شود. او هر گاه سرش را پایین می‌آورد قطره‌های آب از آن می‌ریزد و هر گاه سرش را بالا می‌گیرد دانه‌های لؤلؤ و مروارید از آن جدا می‌شود. هیچ کافری نمی‌تواند هوای نفس او را درک کند والا

می‌میرد. هوای نفسش تا آنجا چشمش کار کند برد دارد. پس به تعقیب دجال می‌پردازد تا اینکه درکنار در «لدّ» او را می‌یابد و به قتل می‌رساند. سپس قومی که خداوند آنها را از دجال حفظ کرده است نزد عیسی می‌آیند. او صورتشان را مسح می‌کند و درباره درجاتشان در بهشت با آنها سخن می‌گوید» («صحیح مسلم»)

حکمت نزول عیسی:

علما درباره حکمت نزول عیسی –علیه السلام– در آخر الزمان جدا از سایر انبیاء تحقیق‌کرده‌اند و به نتائجی رسیده‌اند از جمله:

۱– ردّ بر یهود که می‌گویند عیسی –علیه السلام– را کشته‌اند. خداوند بدین طریق کذب آنها را آشکار می‌کند و حضرت عیسی –علیه السلام– رئیس آنان دجال و یهودیان تابعش را به قتل می‌رساند همانگونه که در بحث قتال یهود توضیح دادیم.

حافظ ابن حجر این قول را بر دیگر اقوال ترجیح می‌دهد.

۲– حضرت عیسی در انجیل فضل امت محمد –صلی الله علیه وسلم– را دیده است همانطور که خداوند می‌فرماید:

وَمَثَلُهُمْ فِی الإِنْجِیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ (فتح: ۲۹).

«توصیف ایشان (اصحاب) در انجیل این است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های خود را بیرون زده و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد».

لذا عیسی از خداوند خواست او را جزو امت محمد -صلی الله علیه وسلم- قرار دهد پس خداوند دعایش را استجابت کرد و او را ماندگار کرد تا مجدداً بخاطر دین خدا در آخر الزمان نازل شود.

۳- نزول عیسی -علیه السلام- به خاطر نزدیک شدن اجلش است تا در زمین دفن گردد چون نباید مخلوقات خاکی خارج از زمین بمیرند پس نزول او بعد از خروج دجال است تا او را هلاک گرداند. (سپس فوت کند)

٤- عیسی نازل می‌شود تا آنان را تکذیب کند و دعوای ساختگی‌شان را ابطال نماید. و در آن زمان همه ملت‌ها را جز امت اسلامی نابود می‌کند. او صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و جزیه را بر می‌دارد.

٥- اختصاص نزول در آخر الزمان به عیسی بن مریم به خاطر این است که پیامبر فرمود: «من از همه مردم به عیسی نزدیکترم و بین من و او هیچ پیامبری وجود ندارد» («صحیح بخاری»)

پس پیامبر خدا خصوصی‌ترین و نزدیکترین فرد به اوست و عیسی -علیه السلام- مژده داده است که پیامبری بعد از او خواهد آمد لذا مردم را به تصدیق و ایمان به

او دعوت کرد. خداوند می‌فرماید: وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (صف: ٦).

«و من مژده‌دهنده هستم به پیامبری که بعد از من می‌آید و اسمش احمد است».

در حدیث آمده است «گفتند ای پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- در مورد نفس خودت برایمان سخن بگو؟ پیامبر فرمود: من (نتیجه) دعای پدرم ابراهیم و مژده عیسی -علیهما السلام- هستم» (ابن اسحاق آن را در «السیره» روایت کرده است «تهذیب سیرة ابن هشام» (ص ٤٥) عبدالسلام هارون. ابن کثیر می گوید: «اسناد آن خوب است».

«تفسیر ابن کثیر» (١٣٦/٨) و «مسند امام احمد» (١٢٧/٤) و (٢٦٢/٥ با حاشیه منتخب الکنز)

عیسی -علیه السلام- با شریعت حضرت محمد -صلی الله علیه وسلم- حکم می‌کند و از پیروان او است یعنی او هنگام نزول دین جدیدی را همراه خود نمی‌آورد چون دین اسلام خاتم ادیان دیگر است و تا روز قیامت باقی می‌ماند و نسخ نمی‌گردد پس عیسی -علیه السلام- حاکمی از حاکمان این امت و مجدد دین اسلام است چراکه پیامبری بعد از محمد -صلی الله علیه وسلم- وجود ندارد.

زمان عیسی -علیه السلام- زمان امنیت، سلامت و خوشی است. خداوند در آن باران فراوان نازل می‌کند و زمین حاصلخیز و پر برکت می‌شود و آب فوران می‌کند و حقد و کینه و بغض و حسد نمی‌ماند.

در حدیث طولانی نواس بن سمعان دربارۀ دجال، نزول عیسی -علیه السلام-، خروج یاجوج و ماجوج در زمان عیسی و دعاء عیسی -علیه السلام- علیه آنان و هلاک شدنشان توضیح داده شده است. این حدیث در ادامه می‌گوید: «ثم یرسل الله مطراً لا یکنّ منه بیت مدر ولا وبر فیغسل الأرض حتی یترکها کالزلفة ثم یقال الأرض انبتی ثمرتک وردّی برکتک، فیومئذ تأکل العصابة من الرمانة، ویستظلّون بقحفها، ویبارک فی الرسل، حتی إن اللقمة من الإبل لتکفی الفئام من الناس، اللقمة من البقر لتکفی القبیلة من الناس، و اللقمة من الغنم لتکفی الفخذ من الناس» («صحیح مسلم»)

«سپس خداوند بارانی را می‌فرستند نه خانه گلی کفایت می‌کند و نه خانه پشمی زمین را می‌شوید و آن را مثل آینه می‌کند سپس به زمین گفته می‌شود ثمرات و نباتات خود را برویان و برکتت را برگردان در این هنگام یک جماعت بزرگ از خوردن یک انار سیر می‌شوند و پوستش را سایه خود قرار می‌دهند. و شیر حیوانات افزایش می‌یابد حتی شیر یک شتر نو رسیده برای جمع زیادی از مردم کافی است. و شیر یک گاو نو رسیده برای یک قبیله کافیست و شیر یک گوسفند نو رسیده برای یک خانوادۀ بزرگ کافی است».

امام مسلم از ابوهریره روایت می‌کند گفت: پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «و الله لینزلنّ عیسی بن مریم حکماً عادلاً... ولیضعنّ الجزیة ولتترکنّ القلاص فلا

یسعی علیها ولتذهبنّ الشحناء والتباغض والتحاسد ولیدعونّ إلی المال فلا یقبله أحد»

«قسم به خدا عیسی بن مریم به عنوان حاکم عادل نازل می‌شود... جزیه را بر می‌دارد شتر جوان رها می‌شود و کسی به آن آزار نمی‌رساند (امنیت کامل وجود دارد) بغض، کینه، حسادت از بین می‌رود و مردم برای دریافت مال دعوت می‌شوند ولی کسی اجابت نمی‌کند».

نووی می‌گوید: «معنی این حدیث این است که مردم از اموال همدیگر دوری می‌کنند. کسی سعی نمی‌کند شتر دیگری را مالک شود چون مال زیاد است و نیازمندی کم و قیامت هم نزدیک شده است».

در برخی روایات آمده است عیسی -علیه السلام- بعد از نزول هفت سال و در برخی دیگر چهار سال در زمین باقی می‌ماند.

مسلم از عبدالله بن عمر -رضی الله عنهما- روایت می‌کند: «خداوند عیسی بن مریم را نازل می‌کند... سپس مردم هفت سال در زمین می‌مانند. در این مدت بین دو نفر دشمنی وجود ندارد سپس خداوند باد خنکی را از طرف شام می‌فرستد کسانی که مثقال ذره‌ای ایمان در دل دارند این باد روحشان را قبض می‌کند»(«صحیح مسلم»)

و در روایت امام احمد و ابو داود آمده است: «فیمکث فی الأرض أربعین سنة، ثم یتوفّی ویصلی علیها المسلمون»

«او در زمین چهل سال می‌ماند سپس می‌میرد و مسلمانان بر او نماز می‌خوانند».

هر دو روایت صحیح هستند و جمع آنها مشکل است مگر اینکه روایت هفت سال را بر مدت اقامتش بعد از نزول در آخر الزمان حمل کنیم و آن را به مدت ماندنش در زمین قبل از بالا رفتنش اضافه نمائیم (یعنی زمانی که پیامبر بود) بنابراین عمر عیسی -علیه السلام- در آن زمان سی و سه سال بوده است (و بعد از نزول در آخر الزمان هفت سال خواهد ماند پس جمعاً چهل سال روی زمین خواهد بود) («النهایة / الفتن و الملاحم» (۱۴٦/۱) تحقیق د. طه زینی.)

علامت چهارم: خروج یأجوج و مأجوج:

و آنها مخلوقات بسیاری هستند کسی نمی تواند آنها را بکشد. گفته شده آنها از نوادگان یافث که از فرزندان نوح علیه السلام؛ است، می‌باشند و کتاب و سنت بر خروج آنها دلالت دارد. الله تعالی می‌فرماید: {حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ**وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا}(انبیاء ۹۶- ۹۷)

«تا زمانی که یاجوج و مأجوج رها می گردند و آنان از هر بلندی و ارتفاعی می گذرند. (در این هنگام) وعدة راستین (روز قیامت) نزدیک است پس ناگهان چشمان کفار خیره می‌شوند (و از حرکت باز می‌ایستند)». شیخین از زینب بنت جحشک روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی با حالت هراسان بر او داخل شد و فرمود:«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدْ اقْتَرَبَ فُتِحَ الْيَوْمَ مِنْ رَدْمِ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مِثْلُ هَذِهِ وَحَلَّقَ بِإِصْبَعِهِ الْإِبْهَامِ وَالَّتِي تَلِيهَا». .) بخاری (۳۳٤٦) ، وصحیح مسلم (۲۸۸۰).

« لا اله الا الله» وای بر عرب از شری که امروز نزدیک شد. امروز سد یاجوج و ماجوج اینطور (دو انگشت ابهام و مجاورش را حلقه کرد) باز شد».

داستانی از خروج یأجوج ومأجوج که هیچ کسی جــز اللّه قادر به کشتن آنها نیست !؟:

درمشکاة المصابیح حدیث طولانی را آورده است پیرامون کار کردهای یأجوج ومأجوج که متن عربی حدیث ذکر میکنیم وبعدا ترجمه حدیث را ان شاء الله:

إذ أوحى الله إلى عيسى : إني قد أخرجت عبادا لي لا يدان لأحد بقتالهم فحرز عبادي إلى الطور ويبعث الله يأجوج ومأجوج (وهم من كل حدب ينسلون)

فيمر أوائلهم على بحيرة طبرية فيشربون ما فيها ويمر آخرهم ويقول : لقد كان بهذه مرة ماء ثم يسيرون حتى ينتهوا إلى جبل الخمر وهو جبل بيت المقدس فيقولون لقد قتلنا من في الأرض هلم فلنقتل من في السماء فيرمون بنشابهم إلى السماء فيرد الله عليهم نشابهم مخضوبة دما ويحصر نبي الله وأصحابه حتى يكون رأس الثور لأحدهم خيرا من مائة دينار لأحدكم اليوم فيرغب نبي الله عيسى وأصحابه فيرسل الله عليهم النغف في رقابهم فيصبحون فرسى كموت نفس واحدة ثم يهبط نبي الله عيسى وأصحابه إلى الأرض فلا يجدون في الأرض موضع شبر إلا ملأه زهمهم ونتنهم فيرغب نبي الله عيسى وأصحابه إلى الله فيرسل الله طيرا كأعناق البخت فتحملهم فتطرحهم حيث شاء الله " . وفي رواية " تطرحهم بالنهبل ويستوقد المسلمون من قسيهم ونشابهم وجعابهم سبع سنين ثم يرسل الله مطرا لا يكن منه بيت مدر ولا وبر فيغسل الأرض حتى يتركها كالزلفة ثم يقال للأرض : أنبتي ثمرتك وردي بركتك فيومئذ تأكل العصابة من الرمانة ويستظلون بقحفها ويبارك في الرسل حتى إن اللقحة من الإبل

لتكفي الفئام من الناس واللقحة من البقر لتكفي القبيلة من الناس واللقحة من الغنم لتكفي الفخذ من الناس فبينا هم كذلك إذ بعث الله ريحا طيبة فتأخذهم تحت آباطهم فتقبض روح كل مؤمن وكل مسلم ويبقى شرار الناس يتهارجون فيها تهارج الحمر فعليهم تقوم الساعة " رواه مسلم إلا الرواية الثانية وهي قوله : " تطرحهم بالنهبل إلى قوله : سبع سنين " . رواها الترمذي .

ترجمه حدیث: الله متعال به عیسی علیه السلام وحی میفرستد که من بندگانی را بر آوردم که کسی توان مقابله را با آنان ندارد. تو بندگان من را در کوه طور جمع کن والله متعال یأجوج ومأجوج را بر می انگیزد که از هر گوشه میشتابند و اولین دسته ای شان از کنار دریاچه ای طبرستان گذشته وهمه آب آنرا می آشامند وآخرین دسته ای شان میگذرند ومی گویند که روزی درین دریاچه آب بوده است! پس میروند وسیر میکنند تا آنکه به جبل خمر(که نام کوه بیت المقدس است) میرسند پس میگویند(یأجوج ومأجوج) هرآئینه همه اهل زمین را کشتیم! بیایید کسانی را که درآسمان است آنها را بکشیم وتیر های خود را به سوی آسمان می اندازند الله سبحانه وتعالی تیرهای ایشان را رنگ کرده شده به خون برای ایشان باز میگرداند وپیامبر الله عیسی علیه السلام ویارانش محاصره کرده میشوند تا اینکه کله ای گاوی برای شان بیشتر از ۱۰۰دینار امروز ارزش دارد وپیامبر الله عیسی علیه السلام ویاران او برالله روی می آورند و ازالله میخواهند که یأجوج ومأجوج را هلاک گرداند. الله جل جلاله کرم هایی را درگردن های ایشان پدید می آورد ومانند مردن

یک نفر همه بر یک باره گی میمیرند وهلاک میگردند. باز پیامبر الله عیسی علیه السلام ویارانش فرود می آیند ویک وجب جای را نمیابند که از بوی بد ایشان متعفن نشد باشد ، پس او ویارانش به الله جل جلاله روی آورده ازالله میخواهند از این مصیبت (تعفن) نجات دهد . الله پرندگانی را مثل گردنهایی شتران بختی میفرستند وآنها را برداشته به جای که الله خواسته باشد می اندازند.

ودر روایتی آمده است که ایشان را به نهبل(که جائی است ازبیت المقدس) می اندازند ومسلمانان از کمانهای یأجوج ومأجوج تیرهای ایشان وترکش های ایشان تاهفت سال آتش می افروزند. بعد از آن الله عزوجل بارانی را میفرستد که دربرابر آن هیچ خانه کلوخی وپشمی نمی ماند وزمین شسته وافزنده میسازد سپس به زمین گفته میشود که میوه ات را برویان وبرکت ات را بیرون کن. پس درآن هنگام گروهی از یک انار میخورند ودر سایه پوست آن قرار میگیرند ودر شیر برکت می نهد قسمیکه یک شتر شیرده برای یک گروه بسنده میباشد وگاو شیرده یک قبیله را کفایت میکند وگوسفند شیر ده برای یک دسته از مردم بسنده گی میکند پس در اثنای که آنها در همین حال میباشند. الله عزوجل باد خوشی را میفرستد که از زیر بغل های ایشان گرفته وروح هر مؤمن ومسلمان را قبض میکند و بد ترین مردم میمانند که چون خران باهم می لولند وقیامت بر ایشان بر پامیشود(صحیح مسلم).

علامت پنجم: انهدام کعبه و ربودن زیور آلات آن:

مردی دارای ساق پاهای کوچک و دراز از حبشه کعبه را ویران کرده و زیور آلات آن را می برد همانگونه که سنت بر آن شاهد است. شیخین از ابوهریره روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «يُخَرِّبُ الْكَعْبَةَ ذُو السُّوَيْقَتَيْنِ مِنْ الْحَبَشَةِ» بخاری (۱۵۹۱) ، وصحیح مسلم (۲۹۰۹) .

«مردی دارای ساق پای کوچک و باریک از حبشه کعبه را خراب می کند» و امام احمد با سند صحیح از عبدالله بن عمرو روایت می کند که او از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که فرمود:«يُخَرِّبُ الْكَعْبَةَ ذُو السُّوَيْقَتَيْنِ مِنْ الْحَبَشَةِ وَيَسْلُبُهَا حِلْيَتَهَا وَيُجَرِّدُهَا مِنْ كِسْوَتِهَا وَلَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ أُصَيْلِعَ أُفَيْدِعَ يَضْرِبُ عَلَيْهَا بِمِسْحَاتِهِ وَمِعْوَلِهِ» المسند : ۲ / ۲۲۰ .

« مردی دارای ساق پای باریک و کوچک از حبشه کعبه را خراب می کند و کسوت و زینت آلات را از آن جدا می‌سازد مثل اینکه اکنون من او را می‌بینم با سری طاس و مفاصل کج با بیل و کلنگش به کعبه می کوبد».

برخی ازعلماء این علامه را مربوط به علامه ای صغری میدانند.

علامت ششم: دخان(دود):

و آن دود بزرگی است که از آسمان جاری می شود و مردم را می پوشاند و آنها را در برمی گیرید که قرآن و سنت بر آن شاهدند. الله تعالی می فرماید: {فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ**يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ}(دخان ۱۰-۱۱)

«منتظر باش تا روزی آسمان دودی واضح و آشکار ظاهر کند و همه مردم را در بر گیرد این عذاب دردناکی است» و از سنت حدیث حذیفه بن اسید است همانگونه که گذشت از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود:«إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ فَذَكَرَ الدُّخَانَ وَالدَّجَّالَ وَالدَّابَّةَ» مسلم (۲۹۰۱) .«قیامت برپا نمی گردد تا ده نشانه آن نیاید که دخان، دجال و دابه را ذکر نمود».

نشانه هفتم: بلند شدن قرآن از زمین به سوی آسمان:

از آن آیه ای بصورت نوشته یا در قلب باقی نمی ماند. و دلیل بر آن حدیث حذیفه است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود:«يَدْرُسُ الْإِسْلَامُ كَمَا يَدْرُسُ وَشْيُ الثَّوْبِ حَتَّى لَا يُدْرَى مَا صِيَامٌ وَلَا صَلَاةٌ وَلَا نُسُكٌ وَلَا صَدَقَةٌ وَلَيُسْرَى عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مِنْهُ آيَةٌ». ..(سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳٤٤)

«اسلام همانند نقش و نگار لباس پاک می شود تا آنجا که کسی روزه، نماز، قربانی و زکات را نمی دهد و بر کتاب خداوند عزوجل در شبی می گذرد در حالیکه در زمین از آن آیه ای باقی نمانده است».

نشانه‌هشتم: طلوع نمودن خورشید از مغرب:

قرآن و سنت بر این نشانه دلیل هستند. الله تعالی می فرماید: {يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا} (انعام ۱۵۸)

«روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیایند کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا در ایمان خویش عمل خیری را کسب نکرده ایمان آوردنش برای او هیچ نفعی ندارد» تعدادی از مفسرین بر این رأی هستند که منظور از بعضی آیات پروردگار، طلوع نمودن خورشید از مغرب آن است. طبری بعد از ذکر سخنان مفسرین در باره این آیه می گوید: (وأولى الأقوال بالصواب في ذلك ما تظاهرت به الأخبار عن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم أنه قال ذلك حين تطلع الشمس من مغربها) «اولی ترین سخنان به صواب و درستی در این باره اخباری است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره طلوع نمودن خورشید از مغرب می باشد».(تفسیر ابن جریر ج۸ / ۹۷).

شیخین از ابوهریره روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتْ فَرَآهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ فَذَلِكَ حِينَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» بخاری (٤٦٣٦) ، و مسلم (١٥٧) .

«قیامت برپا نمی گردد تا اینکه خورشید از مغرب طلوع می کند پس هنگامی که مردم آن را دیدند همگی ایمان می آورند در آن هنگام کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا در ایمان خویش عمل نیکویی را کسب ننموده ایمانش برای او سودمند نمی باشد.»

نشانه نهم: خروج دابه:

و آن مخلوق بزرگی است. گفته شده طول آن شصت ذراع است و دارای دست و پا و پشمالو می باشد و گفته شده خلقت او شبیه تعدادی از حیوانات است. قرآن و سنت بر خروج آن قبل از برپایی قیامت دلالت دارند. الله تعالی می فرماید: {وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ} (نمل ۸۲)

«هنگامی که فرمان وقوع قیامت فرا می‌رسد. دابه را از زمین برای مردم بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن می گوید. براستی مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند».

ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند:(ثَلَاثٌ إِذَا خَرَجْنَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَالدَّجَّالُ وَدَابَّةُ الْأَرْضِ) مسلم (۱۵۸) .

«هنگام وقوع سه حادثه، انسانی که قبلاً ایمان نداشته یا از ایمان خود خیری کسب نکرده است اگر ایمان بیاورد برای او سودی نخواهد داشت:

۱: طلوع نمودن خورشید از مغرب

۲: ظهور دجال

۳: خروج دابة الارض».

امام احمد از ابو امامه رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:«تَخْرُجُ الدَّابَّةُ فَتَسِمُ النَّاسَ عَلَى خَرَاطِيمِهِمْ ثُمَّ يَغْمُرُونَ فِيكُمْ حَتَّى يَشْتَرِيَ

الرَّجُلُ الْبَعِيرَ فَيَقُولُ مِمَّنْ اشْتَرَيْتَهُ فَيَقُولُ اشْتَرَيْتُهُ مِنْ أَحَدِ الْمُخَطَّمِينَ» المسند : ٥ / ٢٦٨ .

«دابة الارض خارج می‌شود و بر بینی مردم نشانه می‌گذارد تا اینکه آنقدر تعدادشان زیاد می‌شود. که یک نفر شتری را می‌خرد به او می‌گویند این شتر را از چه کسی خریده‌ای او در جواب می‌گوید: از یکی از نشانه‌دارها (کسانی که دابة الارض روی بینی آنها نشانه گذاشته است)».

نشانه دهم: خارج شدن آتش بزرگ:

این آتش از عدن(بندری در یمن است) خارج می شود و مردم را به سوی محل تجمعشان می راند. و این آخرین نشانه بزرگ قیامت است. و دلیل بر این نشانه حدیث حذیفه بن اسید است که قبلاً گذشت و مسلم آن را بیان کرده که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:«وَآخِرُ ذَلِکَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ الْيَمَنِ تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ» مسلم (۲۹۰۱) .

«و آخر آن آتشی است که از یمن خارج می شود و مردم را به سوی مکان قیامت فراری می دهد» و در روایتی از حدیث حذیفه آمده:«وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قُعْرَةِ عَدَنٍ تَرْحَلُ النَّاسَ» «و آتشی از عمق عدن خارج می شود که مردم را کوچ می دهد».

علامات بزرگ قیامت متصل می آیند:

این نشانه ها بزرگترین نشانه های قیامت بودند که قبل از برپایی آن واقع می گردند هنگامی که این نشانه ها آمدند قیامت به اذن الله تعالی برپا می گردد و روایت شده که این نشانه ها به دنبال هم همانند مهره های ستون فقرات پشت سرهم می آیند هنگامی که یکی از آنها آشکار شود به دنبال آن دیگری می آید. طبرانی در اوسط از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند:«خروج الآيات بعضها على إثر بعض، يتتابعن كما تتابع الخرز فی النظام»(المعجم الوسیط : ٥ / ١٤٨ ، (٤٢٨٣))

«نشانه ها بعضی ها به دنبال بعضی دیگر می آیند همانگونه که ستون فقرات به دنبال هم می آیند».

در صحیح بخاری از انس رضی الله عنه نقل شده است که عبدالله بن سلام وقتی از هجرت رسول‌الله صلی الله علیه وسلم مطلع شد، نزد ایشان آمد و خطاب به رسول‌الله صلی الله علیه وسلم گفت: درباره سه چیز از تو سوال می کنم. نخستین علامت قیامت چیست؟ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (اما اول اشراط الساعة فنار تحشرهم من المشرق الى المغرب)

(نخستین علامت قیامت آتشی است که مردم را از مشرق بسوی مغرب سوق می‌دهد).

در سنن ترمذی از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (سَتَخْرُجُ نَارٌ مِنْ حَضْرَمَوْتَ أَوْ مِنْ نَحْوِ بَحْرِ حَضْرَمَوْتَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ تَحْشُرُ النَّاسَ قَالُوا يَا رسول‌الله فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ عَلَيْكُمْ بِالشَّامِ)

(در آینده نزدیک آتشی از «حضرموت» ظاهر می‌شود. مردم را سوق می‌دهد. صحابه عرض کردند، ای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم در چنین موقعی چه می‌فرماید؟ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شما به شام بروید و در آنجا بمانید). جامع الاصول (۳٦۸/۱۰) شماره (۷۸۸۸) و به صحیح جامع الصغیر (۲۰۳/۳) شماره (۳٦۰۳) نگاه کنید.

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم درباره نحوه جمع شدن مردم توسط آتش نیز برای ما سخن گفته است. در صحیح بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى ثَلَاثِ طَرَائِقَ رَاغِبِينَ رَاهِبِينَ وَاثْنَانِ عَلَى بَعِيرٍ وَثَلَاثَةٌ عَلَى بَعِيرٍ وَأَرْبَعَةٌ عَلَى بَعِيرٍ وَعَشَرَةٌ عَلَى بَعِيرٍ وَيَحْشُرُ بَقِيَّتَهُمْ النَّارُ تَقِيلُ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا وَتَبِيتُ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا وَتُصْبِحُ مَعَهُمْ حَيْثُ أَصْبَحُوا وَتُمْسِي مَعَهُمْ حَيْثُ أَمْسَوْا)

(مردم در حالت رهبت و رغبت به سه شیوه و روش جمع کرده می‌شوند. دو نفر سوار یک شتر، سه نفر سوار یک شتر، چهار نفر سوار یک شتر و ده نفر سوار یک شتر خواهد بود و بقیه را آتش سوق می‌دهد. هرجا که استراحت کنند و شب را به صبح برسانند باز هم آتش به دنبال آنها است، خلاصه در هر حالتی که

باشند آتش با آنها خواهد بود). بخاری، کتاب الرقاق، باب الحشر. فتح الباری: (۳۷۷/۳).

و آخرین کسانی که آتش آنها را سوق می‌دهد دو تا چوپان از قبیله مزینه هستند. در حدیثی که بخاری و مسلم آن را از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کنند، آمده است: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مردم مدینه را در حالی رها می‌کنند که بهترین وضعیت را خواهند داشت داخل آن نمی‌شود مگر پرندگان و درندگان و آخرین کسانی که سوق داده می‌شوند، دو تا چوپان از طایفه مزینه خواهند بود. آنان گوسفندان خود را می‌چرانند. مدینه را پر از وحشی‌ها می‌بینند. وقتی این دو چوپان به ثنیه الوداع می‌رسند با چهره‌های شان بر روی زمین می‌افتند.

آتش مردم را بسوی سرزمین شام سوق می‌دهد. در کتاب فضایل شام نوشته ربعی به رویت از ابو ذر با سند صحیح آمده است، رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (الشام ارض المحشر و النشر)

(شام سرزمین حشر و نشر است). امام احمد در مسند و ابن ماجة در سنن و ربعی در فضائل شام از میمونه این حدیث را نقل کرده‌اند. صحیح جامع الصغیر (۲۳۲/۲) شماره (٦٨٣).

بعضی‌ها مانند: حلمی‌و ابوحامد غزالی بر این عقیده‌اند که این حشر در قیامت خواهد بود.

خطابی، طیبی، قاضی عیاض، قرطبی، ابن کثیر و ابن حجر بر این باورند که این حشر در پایان عمر دنیا خواهد بود. زمانی که آتش از مرکز عدن ظاهر می‌شود و مردم را به سوی شام سوق می‌دهد. فتح الباری: (۳۸۹/۱۱) و تذکره قرطبی: (۲۰۰).

ابن کثیر درباره این احادیث می‌گوید: سیاق و سباق این احادیث حکایت از آن دارند که منظور از این حشر، حشر انسان‌های موجود در آخر زمان است و در نواحی حشر در سرزمین شام، صورت خواهد گرفت و مردم در این حشر به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول کسانی هستند که در دوران حشر، طعام می‌خورند، لباس می‌پوشند و سوار می‌شوند. گروه دوم کسانی هستند که گاهی پیاده راه می‌روند و گاهی سواره می‌شوند. یعنی نوبت به نوبت بر یک شتر سوار می‌شوند. همانطور که قبلاً اشاره شد، دو نفر یک شتر، سه نفر یک شتر، چهار نفر یک شتر... خواهند داشت و بقیه را آتش سوق می‌دهد. این آتش از مرکز عدن ظاهر می‌شود و مردم را از پشت سر احاطه می‌کند و از هر سو آنان را به محشرگاه سوق می‌دهد و هرکس که تخلف کند، آتش او را می‌خورد، یعنی می‌سوزاند.

همه اینها یعنی خوردن، نوشیدن، سوار شدن و هلاک شدن تخلف کنندگان، حکایت از این دارند که این حشر در آخر دنیا خواهد بود.

اگر این پدیده‌ها بعد از دمیدن سور دوم می‌بود، مردن و سواری که راه برود، خوردن، نوشیدن و لباس پوشیدن اصلاً مطرح نمی‌شد. زیرا که بعد از نفخه دوم که نفخه زنده شدن بعد از مردن است، نیازی به این اعمال نخواهد بود. شگفت آور این است که حافظ ابابکر بیهقی بعد از نقل این همه روایات، سوار شدن‌ها را به روز قیامت نسبت داده است و این دیدگاه را صحیح و دیدگاه ما را ضعیف تلقی نموده و به آیه زیر استناد کرده است: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا» مریم: ۸۵ – ۸۶

(روزی ما پرهیزگاران را (با تعظیم و تکریم هرچه بیشتر) به گونه گروههایی که به نزد شاهان روند و مهمانان ایشان شوند، در پیشگاه خداوند مهربان جمع می‌نمائیم. و گناهکاران را (همچون شتران تشنه‌ای که به سوی آبشخور به سرعت بروند) تشنه کام به سوی جهنّم می‌رانیم)

تفسیر آیه را چگونه با حدیثی تطبیق می‌دهد که در آن سخن از سوار شدن دو نفر و سه نفر تا ده نفر بر یک شتر آمده است؟! و از طرف دیگر بحث از کمی شتران سواری به میان آمده است که بحث دنیا است نه قیامت، چون در قیامت نه شتری وجود دارد و نه سوارانی بر آن.

حقیقت را خدا بهتر می‌داند. النهایة لابن کثیر: (۱/۲۹۵).

این حیوانات اسب‌هایی هستند از نژادهای اصیل که مؤمنان از زمین خالی به سوی مزارع و باغ‌ها از آنها استفاده می‌کنند، اما با اسب‌های دنیا تفاوت دارند. در مباحث آینده این موضوع را بهتر بیان خواهیم کرد.

۳: بعضی از علائم کوچک قیامت که دراثنای علامات کبری ویا بعد از علامات کبری واقع میگردند:

بعضی از علائمی هستند که در اثنای علامات بزرگ قیامت وهمچنین در ختم علائم بزرگ قیامت رخ میدهند عبارت اند از:

۱- **عبادت بت ها وترک دیــن اســلام:** زمانه ای که دوباره مردم به عبادت بت ها آغاز میکنند ودین اسلام را ترک مینمایند.«رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:لایذهب اللیل والنهار حتی تعبد اللات والعزی».(صحیح مسلم)«یعنی: شب و روز فانی نمی گردند تا آنکه عبادت کرده شود لات وعزات(دو بت مشهور عرب)».

۲- **تخریب کعبه:** شیخین از ابوهریره روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «يُخَرِّبُ الْكَعْبَةَ ذُو السُّوَيْقَتَيْنِ مِنْ الْحَبَشَةِ» بخاری (۱۵۹۱) ، وصحیح مسلم (۲۹۰۹) . «مردی دارای ساق پای کوچک و باریک از حبشه کعبه را خراب می کند» و امام احمد با سند صحیح از عبدالله بن عمرو روایت می کند که او از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که فرمود:«يُخَرِّبُ الْكَعْبَةَ ذُو السُّوَيْقَتَيْنِ مِنْ الْحَبَشَةِ وَيَسْلُبُهَا حِلْيَتَهَا وَيُجَرِّدُهَا مِنْ كِسْوَتِهَا وَلَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ أُصَيْلِعَ أُفَيْدِعَ يَضْرِبُ عَلَيْهَا بِمِسْحَاتِهِ وَمِعْوَلِهِ» المسند : ۲ / ۲۲۰ . « مردی دارای ساق پای باریک و کوچک از حبشه کعبه را خراب می کند و کسوت و زینت آلات را از آن جدا می‌سازد مثل اینکه

اكنون من او را می‌بینم با سری طاس و مفاصل کج با بیل و کلنگش به کعبه می کوبد».

۳- **ازبین رفــتن قــرآن:** زمانه ای که حکم قرآن را قبول نمی کنند وبه احکام وضعی وهوی وهوس خویش حکم میکنند.

٤- **ازبین رفتن نماز:** زمانه ای بر نماز اهمیت نمیدهند وآنرا ادا نمی کنند.

٥- **از پرداخت زکات ابا می ورزند:**

٦- **از گرفتن روزه منع میکنند:**

۷- بسیار اندکی از مردم به اخلاص می گویند: «اشهدوا ان لااله الاالله».

۸- اعمال منکر ومفسدات در جامعه گسترش میابد.

۹- اعمال معروف(نیک) دیده نمیشود وبه معروف کسی امر نمی کند.

۱۰-**از اسلام جز نامش دیگر چیزی باقی نمی ماند:** «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: یدرس الاسلام کما یدرس وشی الثوب ، حتی لا یدری ما صیام ولاصلاة ولا نسک ولاصدقة ولیسری علی کتاب الله عزوجل فی لیلة ، فلایبقی فی الارض منه آیة ، وتبقی طوائف من الناس ، الشیخ الکبیر والعجوز یقولون: أدرکنا آباءنا علی هذه الکلمة لااله الاالله.»(رحلة الخلود٥٦٧). «یعنی: کهنه میشود اسلام چنانکه کهنه میشود رنگ لباس ،

حتی اینکه دانسته نمیشود نه روزه ، نه نماز ، نه صدقه ، نه حج ، سپری میشود به کتاب الله شبی که باقی نمی ماند از آن آیتی وباقی میماند طائفه های از مردم (کهن سالان مردان وکهن سالان زنان) که میگویند یافتیم پدران خود را به این کلمه«لااله الاالله» وما نیز همینطور میگوییم».

فصل دوم

شناخت بعضی از احوال قیامت

نامهایی روز قیامت:

شیخ مصطفی در کتاب«دارالخلود» می گوید:برای قیامت بیش از ٢٠٠نام است ودرآن همه ای نامهای قیامت را ذکر نموده است.

لیکن شیخ محمد صالح منجد می گوید: نامهای روز رستاخیز زیاد هستند بگونه ایکه امام ابن کثیر رحمه الله برای قیامت بیشتر از هشتاد اسم نام برده است. مراجعه شود به «النهایة / الفتن و الملاحم» (١/٢٥٥ – ٢٥٦) تحقیق، د. طه زینی. البته لزوما تمامی آن اسمها ثابت شده نیستند، چراکه بعضی از آن اسمها را از روایات ضعیف یا اقوال علما اخذ کرده اند.

و هر کدام از آن نامها معنی جداگانه‌ای را می رسانند که ما در اینجا به ذکر بعضی از آنها می پردازیم:

١– **الساعة**: خداوند می‌فرماید: «إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيهَا »(غافر: ٥٩).

«همانا شکی نیست که قیامت خواهد آمد».

٢– **یوم البعث**: خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ » (روم: ٥٦).

«شما بدان اندازه که خداوند مقرر کرده بود تا روز قیامت ماندگار بوده‌ایدپس این روز قیامت است».

٣– **یوم الدین**: خداوند می‌فرماید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

«مالک روز جزا».

٤- یوم الحسرة: الله میفرماید:«وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ »

«آنان را از روز حسرت بترسان».

٥- الدار الآخرة: الله سبحانه وتعالی میفرماید:«وَإِنَّ الدَّارَ الآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ٦٤).

«همانا سرای آخرت حیات خوش و خرمی را دربردارد اگر فهم و شعورداشته باشند».

٦- یوم التناد: خداوند می‌فرماید: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر: ٣٢).

«من بر شما از روز صدازدن می‌ترسم».

٧- دارالقرار: خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ الآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ » (غافر: ٣٩).

«همانا روز آخرت سرای ماندگاری و استقرار است».

٨- یوم الفصل: خداوند می‌فرماید: «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ » (صافات: ٢١).

«ای همان یوم الفصل است که شما آنرا تکذیب می کردید».

٩- یوم الجمع: خداوند می‌فرماید: «وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لا رَيْبَ فِيهِ » (شوری: ٧).

«از روز گردهم‌آیی که شک و تردیدی در آن نیست بیم دهی».

١٠- یوم الحساب: خداوند می‌فرماید: «هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ » (ص: ٥٣).

«این چیزها برای روز حساب و کتاب وعده داده می‌شوند».

۱۱- یوم الوعید: خداوند می‌فرماید: «وَنُفِخَ فِی الصُّورِ ذَلِکَ یَوْمُ الْوَعِیدِ » (ق: ۲۰).

«و در صور دمیده می‌شود آن روز وعده داده شده است».

۱۲- یوم الخلود: خداوند می‌فرماید: «ادْخُلُوهَا بِسَلامٍ ذَلِکَ یَوْمُ الْخُلُودِ » (ق: ۳٤).

«بسلامت داخل شوید، امروز روز جاودانگی است».

۱۳- یوم الخروج: خداوند می‌فرماید: «یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِکَ یَوْمُ الْخُرُوجِ » (ق: ٤۲).

«روزی صیحه را درست می‌شنوند آن روز بیرون آمدن است».

۱٤- الواقعة: خداوند می‌فرماید: «إِذَا وَقَعَتْ الْوَاقِعَةُ »(واقعه: ۱).

«هنگامی که واقعه (روز قیامت) اتفاق می‌افتد».

۱۵- الحاقة: خداوند می‌فرماید: «الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ * وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْحَاقَّةُ »(حاقه: ۱-۳).

«رخداد راستین، آن رخداد راستین چیست، تو چه می‌دانی رخداد راستین چیست».

۱٦- الطامة الکبری: خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَتْ الطَّامَّةُ الْکُبْرَى » (نازعات: ۳٤).

«هنگامی که بزرگترین حادثه فرا می‌رسد».

۱۷- الصاخة: خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَتْ الصَّاخَّةُ » (عبس: ۳۳).

«پس هنگامی که صدای هراس‌انگیز می‌آید».

۱۸- الأزفة: خداوند می‌فرماید: «أَزِفَتْ الآزِفَةُ » (نجم: ۵۷).

«آن نزدیک شونده (روز قیامت) نزدیک شده است».

۱۹- القارعة: خداوند می‌فرماید: «الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَةُ» (قارعه: ۱-۳).

«بلای بزرگ، بلای بزرگ چیست، تو چه می‌دانی بلای بزرگ چیست».

۲۰- یوم القیامة : این اسم در هفتاد آیه آمده است، مثل: « اللّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لاَ رَيْبَ فِيهِ» [النساء : ۸۷].

« خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز قیامت -که شکی در آن نیست- جمع می کند».

۲۱- الیوم الآخر : خداوند می‌فرماید: « وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَالْمَلآئِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» [البقرة : ۱۷۷].

« بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز آخرت، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده».

۲۲- الغاشیة : خداوند می‌فرماید: « هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ » [الغاشية : ۱].

« آیا داستان غاشیه [روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می‌پوشاند] به تو رسیده است؟!»

۲۳- یوم التغابن : خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ»[التغابن : ۹].

« این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [روز رستاخیز] گردآوری می‌کند؛ آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)».

چرا برای کافر الله عذاب شدید را وعده نموده است؟

بشر که هنوز به حکمت و شگفتیهای درون خود پی نبرده، چطور میتواند به حکمتهای بی کران خداوند پی ببرد؟ و از خداوند که آفریننده بندگانش هست در امورش سؤال نمیشود بلکه بندگان هستند که در روز قیامت از آنها سؤال میشود، خداوند متعال میفرماید: "لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿الأنبياء: ۲۳﴾، یعنی: "الله از آنچه می کند پرسیده نمی‌شود ولی آنان (بندگان) پرسیده می‌شوند".

ثانیا، باید دانست که خداوند بندگانی را از روی عدل دوزخی میکند، و بندگانی را از روی فضل بهشتی میکند، به این معنا که آن اشخاصی که تمام حیات دنیویشان را با کفر گذرانده اند، سزای اعمالشان در روز قیامت نیز این خواهد بود که تمام حیات اخرویشان را از دست داده اند (جزاءا وفاقا)، و کسانی که حیات دنیویشان را در عبادت خداوند گذرانده اند، آنها نیز جزایشان اینست که تمام حیات اخرویشان را در بهشت کسب کنند، ولی این نعمت بخاطر فضل خداوند هست، زیرا بیشتر از آنچه که عبادت خداوند در دنیا کرده اند در بهشت خواهند ماند و در آنجا تا ابد جاویدان خواهند بود، گرچه فقط سالیان اندکی عبادت خداوند کرده اند، پس ورود آنها به بهشت از روی فضل خواهد بود.

و اینکه خداوند عذاب شدیدی را برای مشرکان و کفار مهیا کرده، در عوض نعمت عظیمی نیز در بهشت برای صالحین آماده کرده، لذا میفرماید: "... فَمَن

شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ ... ﴾الكهف: ۲۹﴿، یعنی: "پس هرکه بخواهد ایمان آورد و هرکه بخواهد کافر شود"

و میفرماید: "قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ﴾الشمس: ۱۰ - ۹﴿ یعنی: "هر کس آن را (نفس خود را) پاک گردانید، قطعا رستگار میشود و هر کس آن را (نفس خود را) آلوده کرد، قطعا زیانکار میشود".

علاوه بر این، خداوند در دنیا بندگانش را بر حذر داشته و برای آنها پیامبران فرستاده تا آنها را راهنمایی کنند، پس اگر کسی دچار چنین عذابی شود و از نعمتهای عظیم بهشتی محروم بماند فقط باید خودش را سرزنش کند، همانطور که اینچنین نیز خواهد شد و دوزخیان خواهند گفت: "وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ * فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴾الملک : ۱۱-۱۰﴿، یعنی: "و گویند (کفار) اگر شنیده بودیم (به سمع قبول و فهم) یا تعقل کرده بودیم از زمره دوزخیان نبودیم * پس به گناه خود اعتراف کردند پس دوری باد بر اهل دوزخ".

بنابراین عذاب شدید ابدی و نعیم بی کران بهشتی خداوند حق است و از روی عدل و فضل.

آیا در آخرت الله را دیده میتوانیم؟

طبق فرمودات الله سبحانه وتعالی و روایات صحیح ، مؤمنان الله را دیده میتوانند وانکار از دیدن الله در جنت کفر محسوب میشود.

اما در قرآن کریم خداوند متعال میفرماید: " وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ " ﴿القيامة: ۲۳-۲۲﴾

«در آن روز چهره‌هایی تازه و خرم * نظرکننده‌اند به‌سوی پروردگار خود»

یعنی به سوی آفریننده و مالک امر خود می‌نگرند و او را آشکارا به چشم سر می‌بینند. احادیث صحیح نیز متواترا بر این امر تأکید گذاشته‌اند که بندگان در روز قیامت بی هیچ‌گونه حجابی به‌سوی پروردگارشان می‌نگرند آن گونه که به‌سوی ماه شب چهارده می‌نگرند و این احادیث از صحت و تواتر بدان پایه قرار دارند که دفع و منع آنها ممکن نیست چنان‌که ابن‌کثیر به نقل آن احادیث پرداخته و به دنبال آن می‌افزاید: «این مسأله به حمدالله در میان صحابه و تابعین و سلف این امت مسئله اجماعی است چنان که در میان ائمه اسلام نیز مورداتفاق می‌باشد».

و برخی از روایاتی که صریحا بیانگر رؤیت خداوند متعال توسط مؤمنین است عبارتند است از:

از جرِيرِ بْنِ عبْدِ اللَّهِ رضی اللَّه عنْهُ وارد شده است که گفت:

"كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّم فَنظَرَ إِلَى الْقَمرِ لَيْلَةَ الْبدْرِ، وقَال: « إِنَّكُمْ ستَرَوْنَ رَبَّكُمْ عِياناً كما تَرَوْنَ هَذَا الْقَمرَ، لاَ تُضامُونَ فی رُؤْيتِهِ " (مُتَّفقٌ علَيْهِ)

" ما نزد رسول الله صلى الله علیه وسلم بودیم و به ماه شب چهارده نظر نموده و فرمود: شما بزودی آشکارا پروردگار تان را خواهید دید، چنانچه این مهتاب را می بینید که در دیدن آن ازدحام نمی کنید ".

در روایت دیگری پیامبر صلى الله علیه و سلم فرمودند: « إِذَا دَخَل أَهْلَ الْجَنَّةِ الجَنَّةَ يقُولُ اللَّه تَبارَكَ وتَعالَى: تُرِيدُونَ شَيْئاً أَزِيدُكُمْ؟ فَيقُولُونَ: أَلَمْ تُبيِّضْ وُجُوهَنَا؟ أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ فَيكْشِفُ الْحِجابَ، فَما أُعْطُوا شَيْئاً أَحبَّ إِلَيهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ » (روايتُ مُسْلِم)

" هنگامی که اهل بهشت به بهشت در آیند خدای تبارک و تعالی می فرماید: آیا چیزی می خواهید که برای شما بیفزایم؟

می گویند: آیا رویهای ما را سفید نکردی؟ آیا ما را به بهشت داخل نکرده و از دوزخ نجات ندادی؟ و حجاب و پرده برداشته می شود، پس داده نشدند چیزی که برای شان دوست داشتنی تر از دیدن پروردگار شان عزوجل باشد ".

برزخ چیست؟ وانسان گنکار در آخرت عذاب میشود اما چرا دربرزخ(قبر) برای او عذاب مقرر شده است؟

در عربی یکی از نامهایی قبر«بررخ» است وکلمه برزخ در لغت‌به معنای فاصله و حائل میان دو چیز راگویند.

انسانها در برزخ به طور کامل به ثواب یا پاداش و یا عقاب اعمالشان نمی رسند بلکه در این میان و تا روز قیامت که الله تعالی هر وقت اراده نمود و قیامت را بریا کنند، خواهند ماند و تا آنروز مکانی است برای عذاب و ثواب انسانها نه بصورت کلی.

در صحیحین از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند:«إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيُقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» صحیح بخاری (۱۳۷۹) ، وصحیح مسلم (۲۸٦٦).

«هر وقت، یکی از شما فوت کند، صبح و شام، جایگاهش به او عرضه می شود. اگر بهشتی باشد جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد، جایگاهش در دوزخ، به او نشان داده می شود. و به او گفته میشود: این، جای توست تا روز قیامت که خداوند تو را حشر می نماید».

به علاوه قیامت برای همه انسان ها در یک روز تحقق میابد چراکه زمین و اسمان باید دگرگون گردد و عالمی نو ایجاد شود و حیات نوین انسان ها در ان صورت گیرد بنابراین در میان دنیا و اخرت برزخی قرار داده شده است و مردگان به ان جا می روند و تا اخر دنیا و برپا شدن قیامت در ان جا خواهند بود و پس از پایان دنیا با یک دیگر محشور می شوند زیرا ممکن نیست

هر انسان برای خود مستقل قیامت داشته باشد.چراکه قیامت بعد از فنای دنیا و تبدیل زمین و اسمان به زمین و اسمان دیگری است.

آیا انسان درقیامت اقارب خود را میشناسد؟:

چنانکه افرادی که در دنیا با هم زندگی می کردند و در قیامت بهشتی شوند در اینصورت میتوانند بستگان خود را در صورت تمایل بیابند. چرا که خداوند متعال در قران میفرماید: "وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُون" (فصلت/۳۱)

« و برای شما است در انجا آنچه که نفسهایتان میل کند و برای شماست انجا آنچه درخواست کنید »

و میفرماید: "وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" (زخرف / ۷۱)

" و میباشد در بهشت آنچه که نفس میل کند و چشم ها از دیدنش لذت گیرد و شما در ان جاویدان هستید "

پس اگر زن و مردی هر دو بهشتی باشند نزد هم خواهند بود. یا اینکه اگر اراده کنند نزد یکی از بستگانشان بروند (چنانکه وی نیز بهشتی باشد) می توانند همدیگر را ملاقات کنند.

همچنین در حدیث وارد شده است که اهل خانواده و سایر بستگان در روز قیامت و بهشت میتوانند همدیگر را به یاد آورده و ببینند، البته بجز در سه مکان :

عن عائشة رضی الله عنها: أنها ذكرت النار فبكت، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ما يبكيک؟ قالت: ذكرت النار فبكيت، فهل تذكرون أهليكم يوم القيامة؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أما فی ثلاثة مواطن فلا يذكر أحد أحداً: عند

المیزان حتی یعلم أیخف میزانه أو یثقل، وعند الکتاب حین یقال: «هَاؤُمْ اقْرَءُوا کِتَابِیَهْ»[الحاقة:۱۹] حتی یعلم أین یقع کتابه أفی یمینه أم فی شماله أم من وراء ظهره، وعند الصراط إذا وضع بین ظهری جهنم (مسند احمد، ابوداوود و غیره)

از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که: او به یاد آتش (جهنم) افتاد و (از خوف آن) گریه کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چرا گریه می کنی؟ عایشه گفت: به یاد آتش (جهنم) افتادم گریه کردم،آیا خانواده تان را در روز قیامت به یاد می آورید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (خانواده و آشنایان همدیگر را به یاد خواهند آورد) بجز در سه مکان که هیچ کس دیگری را به یاد نمیاورد: (اول) در هنگام میزان، تا (زمانی که) بداند آیا میزان وی سبک می شود یا سنگین، (دوم) در هنگام دادن کتاب (اعمال وی)، وقتی می گوید:« هَاؤُمُ اقْرَؤُوا کِتَابِیهْ »(الحاقه ۱۹)(یعنی: (ای اهل محشر) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید) تا زمانی که بداند نامه اعمال او در کجا قرار می گیرد؛ در سمت راستش یا سمت چپ یا از پشت سرش؟، و (سوم) (هنگام عبور از پل) صراط وقتی که ما بین پشت (وسط و بالای)جهنم قرار گرفت.

بیان نفخ صور وچگونگی و وقت آن:

الله میفرماید:" يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ "﴿الحج: ٢-١﴾

«هان ای مردم! از پروردگارتان تقوی کنید» (یعنی: از عذاب وی پروا کنید و خود را به‌وسیله طاعتش . یعنی با انجام دادن واجبات و ترک محرمات . از عذابش درپناه امنی قرار دهید زیرا تقوی ملکه‌ای در نهاد آدمی است که اثر اعمال نیک است پس امر به تقوا در واقع امر به همه آن اعمال نیک می‌باشد) «چراکه زلزله قیامت چیز بزرگی است» (و بسیار هولناک و سهمگین است. این همان زلزله‌ای است که یکی از نشانه‌های قیامت می‌باشد و به قول جمهور علما، قبل از برپایی روز قیامت در دنیا روی می‌دهد. اما به‌قولی: این زلزله با نفخه قیامت همراه است، که ابن‌جریر این قول را ترجیح داده و به احادیثی نیز استدلال کرده است.)

الله میفرماید: «روزی که آن را» (یعنی: آن زلزله یا قیامت را) «ببینید، هر شیردهنده‌ای از آن کس که شیر می‌دهد، غافل می‌شود» (یعنی: هر شیردهنده‌ای از نوزاد شیری‌اش غافل می‌شود و او را فراموش می کند، آن گونه که پنداری اصلا نوزاد شیر خواری نداشته است. و این از شدت هول و سهمگینی آن زلزله یا از شدت هول و سهمگینی قیامت است) »و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد» (یعنی: جنین خود را از شدت هول‌و هراس بی‌اختیار فرومی‌افگنند، بی آن‌که موعد

وضع حملش فرارسیده باشد) «ومردم را مست می‌بینی» (یعنی: بیننده مردم را چنان می‌بیند که گویی مست اند) «وحال آن‌که مست نیستند» (در واقع و حقیقت امر) «ولی عذاب خدا شدید است» (پس به‌سبب این شدت و هول بزرگ، عقل هایشان از سرشان می‌پرد و فهم هایشان آشفته و مشوش می‌گردد و بنابراین، مانند شخص مست، مدهوش می‌شوند.)

بنابراین هنگام نفخ صور اول، وقایعی که ذکر شد رخ میدهد از قبیل زاییدن زن حامله از ترس و وحشت.

اما پس از نفخ صور دوم، حوادث زیر رخ میدهد:

امام احمد از ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در روزقیامت عرق مردمان بعد از اینکه هفتاد بغل در زمین فرو می‌رود، تا دهان مردم یا گوش‌هایشان بالا می‌آید».(دهان یا گوش ـ شک و احتمال وجود از راوی ـ این روایت نزد بخاری و مسلم به روایت عبدالعزیز بن عبدالله از سلیمان بن بلال از نور بن زید از سالم بن غیث از ابوهریره از رسول خدا)

اما احمد از سعیدبن عمیر انصاری نقل می‌کند که گفت: نزد عبدالله بن عمیر و ابوسعید خدری نشسته بودم که یکی از دیگری پرسید: در مورد عرق مردم در قیامت چه چیزی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیده‌ای؟ یکی گفت: تا بناگوش می‌رسد و دیگری گفت: تا دهان انسان می‌رسد. ابن عمیر خطی را با

انگشت از نرمی گوش تا دهانش کشیده و فرمود: هر دو یکی هستند.(احمد به تنهایی روایت کرده، ولی سندش قوی است)

ابوبکر بن ابوالدنیا از مقداد بن اسود نقل می‌کند که از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیده است که فرمودند:

«روز قیامت خورشید به اندازه یک یا دو میل(سلیم بن عامر یکی از راویان حدیث می‌گوید : نمی‌دانم منظور از میل مسافت زمین است یا منظور همان میلی است که با آن سرمه در چشم می‌کنند) به مردم نزدیک می‌شود و مردم در گرمای آن به تناسب اعمالشان عرق می‌ریزند. گروهی تا پشت پایشان و گروهی تا زانو و گروهی دیگر تا کمربندشان در عرقند. سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم اشاره به دهان مبارکش کرده و فرمودند: و گروهی که عرق آنها را در برمی‌گیرد و غرق می‌نمایند».(مسلم و ترمذی نیز این حدیث را روایت کرده‌اند.)

در صحیحین از ابوهریره روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هفت گروهند که در روزی که هیچ سایه‌ای به جز سایه خداوند وجود ندارد خداوند آنها را زیر سایه خودش می‌گیرد. رهبر عدالت‌پیشه، جوانی که در عبادت خدا رشد کرده باشد، و مردی که قلبش به مسجد معلق است، و دو نفری که در راه خدا با یکدیگر دوست شده و نشست و برخاستشان به خاطر خدا باشد، و مردی که وقتی زنی با شخصیت و زیبا از او تقاضای فعل حرامی را کند بگوید: من از خدا می‌ترسم، و کسی که آنقدر مخفیانه صدقه می‌دهد که دست چپش از

صدقه دست راستش بی‌خبر می‌ماند، و کسی که در خلوت با یاد خدا اشک بریزد».

همه این زمانی است که مردم در جایگاه تنگ و تاریکی قرار دارند، جایی طاقت‌فرسا مگر بر کسانی که خداوند به آنها لطف نماید و آسان کند، از خداوند می‌خواهیم که آن روز را بر ما آسان نموده و ما را از سختی‌هایش به دور بدارد (آمین).

وقتی مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند زمین را به گونه‌ای دیگر می‌بینند. کوهایش مسطح گشته و تپه‌ها از بین رفته‌اند، شکلش تغییر یافته، رودها خشک شده و درختان ریشه کن گشته و دریاها برافروخته شده‌اند. پستی و بلندی‌هایش یکسان شده و شهرها و روستاها خراب گشته‌اند، زلزله‌ها رخ داده و زمین همه محتویاتش را بیرون ریخته است که انسان می‌پرسد: زمین را چه شده است؟

آسمان‌ها نیز به همین صورت تغییر یافته است. ستارگان خاموش شده و متلاشی گشته‌اند و آسمان شکافته شده و تکه تکه گردیده است و فرشتگان همه جا را احاطه کرده‌اند و خورشید و ماه در یک جا جمع شده و تاریک شده‌اند که بعد از آن خاموش می‌شوند.

ابوبکر بن عیاش از ابن عباس نقل می کند که فرمود:

«وقتی مردم از قبرها بیرون می‌آیند، می‌بینند که نه زمین زمین قبلی است و نه مردم مردمی هستند که قبلاً آنها را می‌شناخته‌اند».

خداوند می‌فرماید:

« یَوْمَ تُبَدَّلُ الأَرْضُ غَیْرَ الأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُواْ للّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم / ۴۸)

«روزی که زمین به زمین دیگری و آسمان‌ها به آسمان‌های دیگری تبدیل می‌شوند و مردم در پیشگاه خداوند یگانه مسلط حضور به هم می‌رساند».

« یَوْمَ تَمُورُ السَّمَاء مَوْرًا * وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا * فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (طور / ۹-۱۱)

«روزی که آسمان سخت به تکان و جنبش می‌افتد و درهم می‌لولد * و کوها شتابان روان می گردند * در آن روز وای بر تکذیب کنندگان».

« فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاء فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ * فَبِأَيِّ آلَاء رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ * فَبِأَيِّ آلَاء رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (الرحمن / ۳۷-۴۰)

«بدانگاه که آسمان شکافته شود و همچون روغن گداخته‌ای گردد * پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب می کنید * در آن روز وقت آن نیست که انس و جن از گناهانشان پرسیده شود * پس کدامین نعمت پروردگارتان را انکار می کنید».

« فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * وَانشَقَّتِ السَّمَاء فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ * وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ * يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنكُمْ خَافِيَةٌ » (الحاقه / ۱۵-۱۸)

«بدان هنگام است که آن واقعه (روز قیامت) رخ می‌دهد * و آسمان از هم می‌شکافد و پراکنده می‌شود، و در آن روز سست و نااستوار می‌گردد * و فرشتگان در اطراف و کناره‌های آسمان قرار می‌گیرند و در آن روز هشت فرشته عرش پروردگارت را حمل می‌نمایند * در آن روز به خدا عرضه می‌شوید و چیزی از کارهای نهانیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

در صحیحین از سهل‌بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«روز قیامت مردم بر سرزمینی بسیار سفید و صاف که هیچ مرز بلندی بر آن وجود ندارد محشور می‌شوند».

امام احمد از عایشه صدیقه رضی‌الله عنها نقل می‌کند که فرمود:

«من اولین کسی بودم که از رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مورد آیه:

« يَوْمَ تُبَدَّلُ الأَرْضُ غَيْرَ الأَرْضِ » (ابراهیم / ٤٨)

سؤال نمودم، پرسیدم: یا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم ! مردم در این حالت کجا هستند؟ فرمود: (بر صراط)».(امام مسلم و ترمذی و ابن ماجه نیز روایت کرده‌اند.)

مسلم در روایتی دیگر از ثوبان خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که:

یکی از علمای یهود در مورد این آیه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم سؤال نمود: رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در تاریکی نزدیک پل صراط».

آیات مربوط به قیامت در بیشتر سوره‌های قرآن کریم وجود دارد. امام احمد از ابن عمر رضی الله عنه نقل می‌فرماید: که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

کسی که می‌خواهد از نزدیک قیامت را تماشا کند، سوره‌های «التکویر» و «الإنفطار» و «الإنشقاق» و سوره هود را بخواند.(- به روایت امام احمد از عبدالرزاق از عبدالله بن یحیی صنعانی از عبدالله بن یزید صنعانی از ابن عمر از رسول خدا صلی الله علیه وسلم ، ترمذی نیز این حدیث را روایت نموده است.)

« إِذَا السَّمَاء انشَقَّتْ ﴿۱﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿۳﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَى رَبِّکَ کَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ کِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ کِتَابَهُ وَرَاء ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَى سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ کَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَى إِنَّ رَبَّهُ کَانَ بِهِ بَصِيرًا»(الإنشقاق / ۱-۱۵)

«هنگامی که آسمان می‌شکافد * و فرمان پروردگارش را می‌برد و چنین نیز سزاوار است * و هنگامی که زمین گسترده می‌شود * و هر چه در درون خود دارد بیرون ریخته و خالی می‌گردد * و فرمان پروردگارش را می‌برید و سزاوار نیز همین است *

ای انسان، تو با تلاش و رنج فراوان به طرف پروردگار خود رهسپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی نمود * در آن وقت هر کسی نامه اعمالش به دست راستش داده شود * با او حساب ساده و آسانی خواهد شد و خرم و شادمان به سوی خانواده‌اش برمی‌گردد * و اما آن کسی که نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود * مرگ را فریاد زده و آرزوی هلاکت می‌کند * و به آتش سوزان دوزخ خواهد رسید * او در دنیا در میان خانواده‌اش سرمست و مسرور بوده است * او گمان می‌کرده که هرگز به سوی خدا باز نخواهد گشت * آری! پروردگارش او را می‌دیده و آگاه از حالش بوده است».

«إِذَا السَّمَاء انفَطَرَتْ ﴿۱﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ »(الإنفطار / ۱-۵)

«هنگامی که آسمان شکافته می‌گردد * و هنگامی که ستارگان از هم پاشیده می‌شوند و پراکنده می‌گردند * و هنگامی که دریاها شکافته می‌شوند * و هنگامی که گورها زیر و رو می‌شوند * آنگاه هر کس می‌داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده و چه چیزهایی را برجای گذاشته است».

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿۱﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿۷﴾ وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ ﴿۸﴾ بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ ﴿۹﴾ وَإِذَا

الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا السَّمَاءِ كُشِطَتْ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿۱۲﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿۱۳﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ »(التکویر / ۱-۱٤)

«هنگامی که خورشید درهم پیچیده می‌شود * و هنگامی که ستارگان تیره و تار می‌گردند * و هنگامی که کوه‌ها رانده می‌شوند * و هنگامی که شتران حامله ده ماهه فراموش می‌شوند * و هنگامی که حیوانات وحشی گرد هم جمع می‌شوند * و هنگامی که دریاها سراسر برافروخته می‌گردند * و هنگامی که دوباره جان‌ها به پیکرها برگردانده شده و جفت می‌گردند * و هنگامی که از دختر زنده به‌گور شده پرسیده می‌شود * به کدامین گناه کشته شده است؟ * و هنگامی که نامه‌های اعمال توزیع و گشوده می‌گردد * و هنگامی که آسمان از بیخ کنده می‌شود * و هنگامی که دوزخ شعله‌ور می‌شود * و هنگامی که بهشت، نزدیک آورده می‌شود * در آن موقع هر کس می‌داند چه چیزی را آماده کرده است».

اسرافیل فرشته مأمور دمیدن در صور، دو مرتبه به اذن خداوند در صور می‌دمد : بار اول جهت پایان دادن به دنیا و از بین رفتن تمام موجودات روی زمین و آسمان [به جز کسانی که خدا بخواهد] و تغییرات و تبدیلاتی که جهت شروع روز قیامت در زمین و آسمان صورت می‌گیرد می‌باشد و بار دوم جهت برخواستن موجودات و انسان‌ها از قبرهایشان و شتافتن به سوی صحرای محشر جهت رویارویی با خداوند و گرفتن کارنامه اعمال است.

« وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاء اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُم قِيَامٌ يَنظُرُونَ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاء وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ * وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ» (الزمر / ٦٧-٧٠)

«در صور دمیده خواهد شد و تمامی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود که به ناگاه همه مردم از قبرها به پاخواسته و به اطراف می‌نگرند * و زمین با نور خدا روشن می‌شود و نامه اعمال توزیع می‌گرد و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند و به درستی بین مردم قضاوت می‌شوند و اصلاً به آنها ستمی نمی‌شود * و به تمام و کمال جزای هر کاری را که انسان کرده است بدو داده می‌شود و خداوند بهتر می‌داند که آنها چه کارهایی را می‌کرده‌اند».

اما سختی روز قیامت بیشتر مختص کافران خواهد بود و کسانیکه در دنیا به آیات خداوند کفر ورزیده اند در حقیقت خود به خودشان ظلم کرده اند چرا که با کفر ورزیدن خود را مستحق عذاب و قهر و غضب الهی ساخته اند درحالیکه در دنیا بدانها هشدار داده شده بود.

خداوند می‌فرماید:

« وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ * وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (النمل / ۸۷-۸۸)

«و روزی که در صور دمیده می‌شود تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند مگر کسانی که خدا بخواهد و همگان فروتنانه در پیشگاه خدا حاضر و آماده می‌گردند *و کوه‌ها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری در حالی که مانند ابرها در سیر و حرکت هستند، این ساختار خداوندی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است، مسلماً از کارهای شما آگاه است».

« فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ» (المدثر / ۸-۱۰)

«هنگامی که در صور دمیده شود * آن روز، روز سختی خواهد بود * بر کافران آسان نخواهد بود».

امام احمد از ابن عباس رضی الله عنه نقل می‌کند که در تفسیر آیه: [فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ] {المدَّثر:۸} از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمودند:

«چه کار خواهید کرد در حالی که مسئول دمیدن در صور آن را در دست گرفته و پیشانی را به جلو آورده و منتظر امر خداوند است تا در آن بدمد؟» یاران پرسیدند: یا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم چه بگوییم؟ فرمود: بگویید:

«حسبنا الله و نعم الوکیل، علی‌الله توکلنا».

«خدا برایمان بس است و چه خوب پشتوانه‌ایست، بر خدا توکل نمودیم».

پس با نفخ اول در صور، نظام آفرینش کنونی به هم می‌ریزد و از شدت انفجار همه موجودات جان می‌دهند و آسمان‌ها و زمین از مسیرهای طبیعی خود خارج گشته و در یک کلام زلزله قیامت رخ می‌دهد که این همه حوادث مقدمه‌ای خواهد بود جهت بازگشت به خدا و پس دادن حساب در روز قیامت.

سپس دیگر بار در صور دمیده می‌شود که همه مردگان بدون در نظر گرفتن زمان مرگشان مبعوث گشته و مات و حیرت‌زده به خاطر تغییراتی که در نظام آفرینش می‌بینند، به اطراف خود نگاه می‌کنند و آنجاست که تبهکاران به بدبختی و روسیاهی خود پی برده و دیوانه‌وار به این طرف و آن طرف می‌دوند و در نهایت با بدنی عریان و پا بی‌برهنه به سوی صحرای محشر روانه می‌گردند. و چه زیبا خداوند در یک جمله چنین بیان می‌کند:

« مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه / ۵۵)

«ما شما ار زمین آفریده‌ایم و بدان باز می‌گردانیم، و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم».

صور چندبار دمیده میشود؟

علمای اسلام در خصوص تعداد دفعات دمیدن در صور اختلاف نظر دارند؛ بعضی می گویند دو بار و بعضی معتقدند سه بار دمیده می شود.

بنا بر نصوص وارد شده در مورد قیامت، اسرافیل دو بار در شیپور می‌دمد، بعد از صور اول تمام موجودات زنده هوش و حواس خود را از دست می دهند و بعد از صور دوم، همه موجودات، زنده می گردند، خداوند می فرماید: « وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُم قِيَامٌ يَنظُرُونَ». الزمر: ۶۸

(در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می گیرند و) بپا می‌خیزند و می‌نگرند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد)).

قرآن نفخه اولی را «راجعه» و نفخه دومی را «رادفه» می‌نامد، خداوند منان می‌فرماید: « يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ». النازعات: ۶ — ۷

((رستاخیز و قیامت بریا گردد) در آن روزی که (نفخه اوّل، در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می گردد و همگان می‌میرند) سپس (نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت)

و در جایی دیگر صور اولی را «صیحه» نامیده و به وقوع دومی نیز تصریح فرموده است، می فرماید:
« مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ * فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ»یس: ۴۹ – ۵۱

((پاسخ استهزاء ایشان، این است که آنان، چندان) انتظار نمی‌کشند مگر صدائی را که (ناگهان طنین‌انداز می‌گردد و موج آن) ایشان را در بر می‌گیرد (و نابودشان می‌گرداند) در حالی که با یکدیگر (به معامله و کار و بار روزمرّه زندگی، سرگرم و) درگیرند. (این حادثه به قدری سریع و برق‌آسا و غافلگیرانه است که) حتّی توانائی وصیّت نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتّی فرصت مراجعت به سوی خانواده و فرزندانشان را پیدا نخواهند کرد. (برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند).
در احادیث رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نیز به دو نفخه تصریح شده است، در صحیح بخاری و مسلم از حضرت ابوهریره روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَا بيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أَبَيْتُ».
میان دو نفخه (چهل) فاصله وجود دارد.

از ابوهریره سوال شد، چهل روز، چهل ماه یا چهل سال فاصله دارد؟

ابوهریره می گوید: من از تعیین کردنش خوداری می کنم. (بخاری، کتاب تفسیر و مسلم.)

در صحیح مسلم از حضرت عمرو بن عاص روایت شده که می گوید: از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «ثُمَّ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَلَا يَسْمَعُهُ أَحَدٌ إِلَّا أَصْغَى لِيتًا وَرَفَعَ لِيتًا قَالَ وَأَوَّلُ مَنْ يَسْمَعُهُ رَجُلٌ يَلُوطُ حَوْضَ إِبِلِهِ قَالَ فَيَصْعَقُ وَيَصْعَقُ النَّاسُ ثُمَّ يُرْسِلُ اللَّهُ أَوْ قَالَ يُنْزِلُ اللَّهُ مَطَرًا كَأَنَّهُ الطَّلُّ أَوْ الظِّلُّ نُعْمَانُ الشَّاكُّ فَتَنْبُتُ مِنْهُ أَجْسَادُ النَّاسِ ثُمَّ يُنْفَخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ».

(سپس در صور دمیده می شود، هرکس آن را بشنود گردنش را بالا و پایین می‌برد، نخستین کسی که آن را می شنود، مردی است که مشغول ساختن و تمیز کردن حوض شترش می باشد، او بی‌هوش می‌شود و بعد هم مردم هوش و حواس خود را از دست می‌دهند، سپس خداوند بارانی را که مانند رطوبت یا سایه می‌فرستد، اجساد مرده انسانها در اثر آن رشد می کنند و بار دوم در صور دمیده می‌شود، آنها به محض شنیدن صدای آن ازقبور بلند شده، نگاه می کنند).

در بیهقی از ابن مسعودرضی الله عنه چنین آمده است: بعد فرشته صور میان زمین و آسمان می ایستد و در آن می دمد، هیچ موجود زنده‌ای در زمین و آسمانها باقی نمی ماند، همه می میرند، مگر آنهایی که خداوند خواسته باشد، سپس میان دو نفخه آنچه را که خداوند بخواهد، انجام خواهد گرفت.(فتح الباری: (۱۱/۳۷۰).)

البته گروهی از علما بر این عقیده هستند که نفخه (صور) سه بار صورت می‌گیرد، نفخه اولی را نفخه فزع می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن صدای آن مردم می‌هراسند و دومی را نفخه صعق می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن صدای آن مردم بی‌هوش می‌شوند و نفخه سومی را نفخه بعث می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن آن مردم زنده از قبور برمی‌خیزند.

ابن العربی، ابن تیمیه، ابن کثیر و سفارینی بنا به أیه‌ی ذیل این دیدگاه را پذیرفته‌اند، خداوند منان در این مورد می‌فرماید: « وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ».النمل: ۸۷

(و (یادآور شو) روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند).

علاوه بر آیه مذکور طرفداران این دیدگاه به برخی از روایات مبنی بر اینکه سه بار در صور دمیده می‌شود، استناد می‌کنند، مانند حدیث صور که حدیثی است طولانی و طبری آن را تخریج کرده است و در آن چنین آمده است: «ینفخ فیه ثلاث نفخات: الأولی نفخة الفزع، والثانیة نفخة الصعق، والثالثة نفخة القیام لرب العالمین»

(بعد از آن سه بار درصور دمیده می‌شود، اولی نفخه فزع، دومی نفخه صعق (بی‌هوشی) و سومی نفخه بعثت (زنده شدن) است که مردم برای حضور در بارگاه خداوند از قبور بلند می شوند).

برای نفی نفخه‌های مذکور نمی توان به آیه‌ی گذشته استدلال نمود، چون آیه تصریح نمی فرماید که فزع نفخه سوم است، اصلاً از بیان ترس و هراسی که دامنگیر مردم می‌شود، مستقل بودن نفخه فزع استنباط نمی‌شود، نفخه اول مردم را هنگام مردن دچار هراس و وحشت می کند و نفخه دوم بعد از زنده شدن و بیرون آمدن از گورستان موجب ترس و هراس انسانها می گردد.

ابن حجر می‌فرماید: مغایرت و تفاوت میان صعق و فزع مستلزم این نیست که آن دو از نفخه اولی همزمان به وجود نیامده باشند.(فتح الباری: (۳٦۹/۱۱).)

و در تذکره قرطبی آمده است: نفخه فزع همان نفخه صعق است، چون ترس و وحشت لازم و ملزوم همدیگرند، مردم ابتدا دچار ترس و هراس صدای قیامت می‌شوند، سپس جان به جان آفرین تسلیم می کنند.

اما استدلال به حدیث نیز محل اشکال است، چون سند حدیث ضعیف و مضطرب است، ابن حجر عسقلانی آن را ضعیف می‌داند و ضعف بودنش را از بیهقی نقل می کند.

و ابن حزم می گوید: نفخه‌های روز قیامت چهار تا هستند:

۱- نفخه مردن.

٢- نفخه زنده شدن. با نفخه دوم همه مردگان زنده می شوند و از قبور بیرون می آیند و به منظور حساب تجمع می کنند.

٣- نفخه فزع و صعق است که با شنیدنش بی‌هوش می‌شوند، ولی کسی جان نمی دهد و نمی میرد.

٤- نفخه به هوش آمدن و افاقه از این بی‌هوشی است.(فتح الباری: (٦/٤٤٦).)

ابن حجر بعد از نقل دیدگاه ابن حزم می گوید: اینکه دو نفخه را چهار تا تلقی کرده، روشن و واضح نیست، بلکه ارجح همان دو نفخه است، اما تغایر و تفاوت گذاشتن میان دو نفخه برگرفته از حال و وضعیت شنوندگان است، با شنیدن نفخه اول همه زندگان می‌میرند، مگر مخلوقاتی که بر اساس اراده خدا استثناء شوند آنها با شنیدن نفخه مات و مبهوت می گردند و با دمیدن نفخه دوم همه مرده ها زنده شده و بی‌هوش‌ها از غفلت و سرگردانی نجات می یابند. (حقیقت را خداوند بهتر می داند).(فتح الباری: (٦/٤٤٦)). [منبع: کتاب "سیمای روز رستاخیز"؛ دکتر عمر سلیمان اشقر].

در قیامت به نام هایی پدران خویش صدا میشویم !:

کسانی که ادعا دارند در روز محشر بندگان با اسم مادرانشان صدا زده می شوند، در حقیقت به حدیث دروغی استدلال کرده اند که چنین است:

«يدعى الناس يوم القيامة بأمهاتهم ستراً من الله عز وجل عليهم» .

«در روز قیامت مردم با اسم مادرانشان صدا زده می شوند(یعنی فلان بن فلانه) تا پوششی بر آنها نزد الله تعالی شوند.»

این حدیث حتی ضعیف هم نیست بلکه دروغ است، برای فهمیدن این مطلب به کتابهای زیر مراجعه کنید: "اللآلئ المصنوعة"سيوطی(۲/۴٤٩). "الموضوعات" ابن الجوزی(۳/۲٤٨). "ترتيب الموضوعات" (۱۱۲۳) .

بقیه احادیث دیگر هم که نزدیک لفظ حدیث فوق آمده اند یا همان معنا را می رسانند، ضعیف و غیر قابل استناد هستند.

در حالیکه حدیث دیگری وجود دارد که برطبق آن در روز قیامت بندگان به اسم پدرانشان صدا زده می شوند. و حدیث هم صحیح است:

عن أبی الدرداء قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:« إنكم تدعون يوم القيامة بأسمائكم وأسماء آبائكم، فحسنوا أسماءكم». سنن أبی داود بإسناد جيد (قاله ابن القيم فی تحفة المودود).

یعنی: از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: شما در روز قیامت به اسم خود و اسم پدرانتان صدا زده خواهید شد، پس بهترین اسم را برای (فرزندانتان) برگزینید.

همچنین از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:«إِنَّ الْغَادِرَ يُرْفَعُ لَهُ لِوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُقَالُ: هَذِهِ غَدْرَةُ فُلانِ بْنِ فُلانٍ». (بخاری:٦١٧٧)

یعنی:«روز قیامت برای هر شخص خائن، پرچمی نصب می کنند و اعلام می نمایند که این, خیانت فلانی فرزند فلانی است».

بنابراین آنچه که از نصوص شرعی حاصل می آید این است که در روز قیامت بندگان خدا به اسم پدرانشان صدا زده می شوند یعنی: فلان فرزند فلان (مثلا: احمد فرزند محمد)

و قولی که می گوید انسانها به اسم مادرانشان صدا زنده می شوند، قول ضعیفی است.

کیفیت حشر انسانها در محشر !:

انسانها در حال پا برهنگی، لخت و غیر ختنه شده حشر خواهند شد، در صحیح مسلم و بخاری از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّكُمْ محشورُونَ حُفَاةً عُرَاةً غُرْلًا ثُمَّ قَرَأَ: «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» الأنبياء: ١٠٤.

شما پابرهنه، لخت و غیر ختنه شده مبعوث خواهید شد، سپس آیه ذیل را از قرآن برای یاران تلاوت فرمود: (همان گونه که (نخستین بار سهل و ساده) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم).

وقتی عایشه رضی الله عنه از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردم روز قیامت لخت و برهنه حشر خواهند شد، عرض کرد: ای پیامبر خدا! زنان و مردان همه به سوی همدیگر نگاه خواهند کرد؟ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای عایشه، صحنه خطرناکتر از این خواهد بود که مردم بسوی همدیگر نگاه کنند. مشکاة المصابیح: (٣/٥٧).

البته در بعضی روایات آمده است که انسان در همان لباسی که هنگام مردن به تن داشته، حشر می شود، ابوداود، ابن حبان و حاکم از ابوسعید خدری نقل کرده‌اند که هنگام احتضار از اطرافیان خواست تا لباس تازه‌ای برای او بیاورند، سپس آنرا پوشید و فرمود از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام که می فرمود: «إن المیت یبعث فی ثیابه التی یموت فیها» سلسلة احادیث الصحیحة، شماره ١٦٧١.

(همانا میت در همان لباسی که در آن رحلت کرده است، حشر می شود).

حاکم این حدیث را صحیح و موافق با شرایط صحیح بخاری و مسلم قرار داده است.

امام بیهقی با سه روش میان این حدیث و حدیث گذشته توافق ایجاد نموده است:

۱ – لباسی که هنگام مرگ به تن داشته‌اند، بعد از بلند شدن از قبر پاره می شود، در نتیجه برهنه و لخت در مقابل حشر قرار می گیرند، اما بعد ازموقف حشر لباس بهشتی به تن می کنند.

۲– زمانی که پیامبران و بعد از آنها صدیقین و به دنبال صدیقین بنا به مراتب، انسانهای دیگر لباس می پوشند، جنس لباس هر کدام از همان لباسی است که هنگام مرگ به تن داشته است، ولی هنگام ورود به خلد برین لباس بهشتی به تن می کنند.

۳– منظور از لباس در حدیث بعدی، اعمال هستد، یعنی هر انسانی در حال انجام عملی حشر می شود که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است، خداوند می‌فرماید:

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىَ ذَلِكَ خَيْرٌ » الأعراف: ٢٦

(لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است).

«وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ» المدثر: ٤

(و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشتن را از آلودگیها پاک گردان)).

امام بیهقی برای توجیه جواب سوم به حدیثی از اعمش استدلال می کند که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرموده: «يبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْه»ِ. النهاية ابن کثیر ۱/۲۸۸.

(هر انسان در حال انجام عملی مبعوث و محشور می گردد که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است).

هر چند از حدیث جابر در صحیح مسلم نمی توان استباط کرد که انسان در همان لباسی حشر می شود که در آن وفات کرده است، چون مفهوم حدیث بنا به دلایل دیگر این است که انسان اگر هنگام مرگ بر کفر یا ایمان، شک یا یقین جهان را وداع گفته باشد در قیامت هم بر همان حال و وضعیت زنده می شود و به بارگاه الهی می شتابد، همانگونه که در حدیث دیگر آمده انسان بر همان کرداری حشر می گردد که هنگام مرگ آنرا انجام می داد، حدیث مسلم از عبدالله بن عمر این مفهوم را تأیید می نماید که می فرماید از رسول خدا صلی الله علیه وسلمشنیدم که م‌ی فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ ثُمَّ بُعِثُوا عَلَى أَعْمَالِهِمْ»

(اگر خداوند اراده کند که قومی را در دنیا مجازات کند، آنها را دچار عذاب و هلاکت می سازد، سپس با همان حالت آنها را زنده می کند) صحیح مسلم: (۲۲۰۶/۲) شماره: (۲۸۷۹).

اگر کسی در حالت احرام بمیرد، روز قیامت در حال لبیک گفتن حشر می شود، بخاری و مسلم از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده که مردی در سفر حج با رسول‌الله صلی الله علیه وسلم همراه بود، از روی شتر خود افتاد و گردنش شکست و مرد، رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ وَكَفِّنُوهُ فِي ثَوْبَيْنِ وَلَا تُحَنِّطُوهُ وَلَا تُخَمِّرُوا رَأْسَهُ فَإِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبِّيًا» مشکاة المصابیح: ۱/۵۲۰ و شماره حدیث: ۱۶۳۷ می باشد.

(با آب و سدر او را غسل دهید و در همان دو پارچه احرام او را کفن دهید، به او عطر نزنید و سرش را نپوشانید، چون در روز قیامت در حالت احرام و لبیک گفتن حشر خواهد شد).

شهید روز قیامت در حالی حشر می شود که از زخمش خون می ریزد، رنگ خون قرمز است، ولی بوی عطر از آن بلند می شود.

با توجه به روایات مذکوره تلقین بیمار درحال مرگ در حالت مردن به لا اله الا الله مستحب است تا در حالت توحید بمیرد و روز قیامت در حالت توحید حشر شود.

نکته: خداوند عیناً همان انسانهای مرده را زنده می‌کند، اما این آفرینش با حیات دنیوی اندکی متفاوت است، یکی از تفاوت های قابل ملاحظه این است که جسد تازه با وجود بلا و مصیبت های فراوان، نابود نمی شود، خداوند می فرماید: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ» إبراهیم: ۱۷. (مرگ از هر سو بدو روی می‌آورد و حال این که نمی‌میرد).

در حدیثی که حاکم با سند صحیح از عمرو بن میمون اودی روایت می کند، آمده که معاذ بن جبل بلند شد و فرمود: «یا بنی أود! إنی رسول رسول الله صلى الله علیه وسلم تعلمون المعاد إلى الله، ثم إلى الجنة أو إلى النار، وإقامة لا ظعن فیه، وخلود لا موت فی أجساد لا تموت» سلسلة الاحادیث الصحیحة: (١٦٦٨).

یعنی: ای بنی اود من فرستاده رسول خدا هستم، شما از برگشتن بسوی خداوند مطلع هستید، بعد از آن مسیر نهائی به سوی بهشت است یا به دوزخ، در قیامت زندگی ماندگار است و کسی کوچ نمی کند، همه برای ابد آفریده می شوند و مرگ در کسی را نمی زند، اجساد برای نابودی زنده نمی شوند.

از جمله این تفاوت ها دیدن و رویت موجوداتی است که در دنیا آنها را نمی دیدند، یا نمی توانستید آنها را ببینید، چون انسان ها در آن روز، فرشتگان و جن ها را می بینند، همچنین یکی دیگر از تفاوت ها و شگفت های قیامت این است که بهشتیان آب دهان، ادرار و مدفوع ندارند.

این تفاوت ها به معنی آن نیستند که زنده شدگان قیامت موجوداتی مخالف مخلوقات قیامت هستند، همانگونه که ابن تیمیه می فرماید: «هر دو حیات از یک جنس واحد هستند، در صفات و حالاتی با هم متفق، مشابه و متماثل هستند و در برخی حالت دیگر با هم شباهتی ندارند، بر این اساس است که قیامت را مبدأ می نامند، چون هر چیزی به اصل و اساس خودش بر می گردد، بنا براین لفظ «اعاده » مقتضی مبدأ و معاد است». مجموع الفتاوی: (٢٥٣/١٧).

نکته: اهل بهشت به بهترین و زیباترین شکل و صورت (یعنی: شکل و صورت پدر خود حضرت آدم علیه السلام وارد بهشت می‌شوند. پس هیچ شکل و صورتی کامل تر و زیباتر از صورتی که خداوند آدم ابوالبشر را بر آن آفریده است وجود ندارد. خداوند آدم را با دست های خود آفریده، آفرینش وی را به اتمام رسانده و به زیباترین صورت او را در آورده است. لذا هر کس که وارد بهشت شود، به صورت آدم و ساختار جسمی او خواهد بود. خداوند آدم را بسیار قد بلند، مانند: درخت خرما بلند آفریده است که طول او شصت ذراع بوده است. در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند آدم را به‌ه صورت خود آفریده است. بلندی قدش شصت ذراع است. لذا هر کس که داخل بهشت شود بر همان صورت آدم داخل می‌شود. طولش شصت ذراع است. بعد از آفریدن آدم ارتفاع قامت انسانها همواره رو به کاستی بوده است». صحیح مسلم، کتاب: الجنة ، باب یدخل الجنة اقوام افئدتهم مثل افئدة الطیر: ۲۸٤۱ .

و از جمله زیبائی صورت و چهره های اهل بهشت این است که مانند نوجوان بدون ریش خواهند بود. چنان به نظر می‌رسند که سرمه کشیده اند، و همه‌ی آنها ۳۳ ساله وارد بهشت می‌شوند.

در مسند احمد و سنن ترمذی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«یدخل اهل الجنه جرداً مرداً کانهم مکحلون ابناء ثلاث و ثلاثین».

(اهل بهشت در حالی وارد بهشت می‌شوند که مجرد و بدون ریش هستند. چنان زیبا خواهند بود، که گوئی سرمه به چشم کشیده اند و ۳۳ سال عمر دارند). صحیح مسلم: (۷۹۲۸).

نکته: اهل دوزخ به شکل و صورتی بسیار بیمناک و فربه - که مقدار حجم آنها جز پروردگار کسی دیگر نمی‌تواند، اندازه کند- وارد دوزخ می‌شوند. در حدیثی که ابو هریره آن را از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نقل می کند، چنین آمده است: «ما بین منکبی الکافر مسیرة ثلاثة ایام للراکب المسرع». صحیح مسلم، باب النار یدخلها الجبارون (۲۱۹۰/٤).

یعنی: (در روز قیامت لاشه‌ی کافر چنان بزرگ می‌شود که اسب سوار تند و تیز در طی سه روز می‌تواند فاصله‌ی میان دو شانه‌ی آن را بپیماید).

بزرگی حجم و جسم کافر بخاطر آن است تا به عذاب و شکنجه اش افزوده شود. امام نووی در شرح این احادیث می‌فرماید: «همه اینها بخاطر آن است که شکنجه اش به حد نهائی برسند. آری ایمان به همه این کارها واجب است. چون رسول صادق المصدوق بدان خبر داده است. شرح نووی علی مسلم :(۱۸٦/۱۷).

ابن کثیر در شرح و توضیح این احادیث می گوید: «لیکون ذلک انکی فی تعذیبهم، واعظم فی تعبهم و لهیبهم، کما قال شدید العقاب: (لیذوقوا العذاب)» "نهایه" لابن کثیر.

(این افزودگی به لاشه‌ی کافر بدان جهت است تا عذاب بیشتری را بچشد، همانطور که خدای شدید الغقاب می‌فرماید: تا عذاب را بچشند).

آیا حیوانات در محشر حساب وکتاب دارند؟: وچگونه حشر میشوند؟:

حیوانات نیز دارای روح هستند، همچنین حیوانات هم حشر می شوند ولی بعدا دوباره نابود می شوند و بهشت و جهنم فقط مخصوص انسان و جن است.در قرآن آمده است که :

(وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِی الأَرْضِ وَلاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِی الكِتَابِ مِن شَیْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ) انعام ۳۸. یعنی: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید.

و نیز می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ) شوری ۲۹. یعنی: از نشانه‌های [قدرت] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو پراکنده است و او هرگاه بخواهد بر گردآوردن آنان تواناست.

شیخ الاسلام ابن تیمیه با استناد به این دو آیه می گوید: اما حیوانات ؛همه حشر می شوند چنانکه کتاب و سنت بر آن دلالت دارد. مجموع الفتاوی ٢٤٨/٤ .

و چنان که در حدیث صحیح آمده:« إِنَّ اللهَ لَيَقْتَصُّ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ مِنْ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ» مسلم ۲۵۸۲

«الله تعالی قصاص گوسفند بی شاخ را از گوسفند شاخدار می گیرد.»

و این دلیل بر حشر شدن حیوانات است.

امام نووی با استناد به حدیث فوق می گوید: این حدیث بر حشر حیوانات در قیامت تصریح دارد،و بازگشت آنها همانند بازگشت انسانها در قیامت،چنانکه الله تعالی می فرماید: وَإِذَا الْوُحُوش حُشِرَتْ) یعنی : سوگند به روزیکه در آن حیوانات حشر می شوند.و علما می گویند: مجازات و عقوبت شرط بازگشت و حشر (آنها) نیست و منظور از قصاص در حدیث فوق،قصاص تکلیف نیست،بلکه قصاص بعنوان مقابله بمثل است.

چگونگی ، حساب ، قصاص ومیزان:

حساب ، قصاص ومیزان از عقاید اهل سنت است وانکار ازآن کفر میباشد.

عن عائشة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال : " ليس أحد يحاسب يوم القيامة إلا هلك " . قلت : أو ليس يقول الله : (فسوف يحاسب حسابا يسيرا)

فقال : " إنما ذلك العرض ولكن من نوقش في الحساب يهلك " . متفق عليه

ترجمه حدیث: عائشه رضی الله عنه می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: کسیکه باوی در روز قیامت حساب کرده شود! هلاک میگردد! من گفتم: آیا الله نفرموده است که کسیکه نامه اعمال وی بدست راستش داده شود زود است که به آن کس حساب کرده شود حسابی آسان! رسول الله فرمود: این حساب که الله فرموده است جز عرض کردن وبیان محض نیست لیکن کسیکه باوی در حساب مناقشه کرده شود هلاک میگردد.

وعن أبي سعيد قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " يجاء بنوح يوم القيامة فيقال له : هل بلغت ؟ فيقول : نعم يا رب فتسأل أمته : هل بلغكم ؟ فيقولون : ما جاءنا من نذير . فيقال : من شهودك ؟ فيقول : محمد وأمته " . فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " فيجاء بكم فتشهدون على أنه قد بلغ " ثم قرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم (وكذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا)(رواه البخاری).

ترجمه حدیث: از ابوسعید روایت است که میگوید رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: نوح علیه السلام در روز قیامت آورده میشود وبه وی گفته میشود ، آیا اوامر واحکام الهی را به امت خود رسانیدی؟ نوح علیه السلام میگوید: بله! ای پروردگار من. از امت وی پرسیده میشود که آیا او برای تان احکام الهی را رسانیده است؟ آنها میگویند: برای ما هیچ ترساننده نیامده است.. به نوح علیه السلام گفته میشود: که گواهان تو کی هستند؟ می گوید: گواهان من محمد صلی الله علیه وسلم وامت وی است وپیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: پس شما آورده میشوید وگواهی میدهید که به تحقیق نوح علیه السلام احکام الله را بر امت خود رسانیده است بعد ازین پیامبر صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت کرد که(وهمچنین شما را امت وسط گردانیدیم تا شما بر مردم گواهی دهنده باشید وپیامبر بر شما گواه باشد).

وعن أنس قال : كنا عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فضحك فقال : هل تدرون مما أضحك ؟ " . قال : قلنا : الله ورسوله أعلم . قال : " من مخاطبة العبد ربه يقول : يا رب ألم تجرني من الظلم ؟ " قال : " يقول : بلى " . قال : " فيقول : فإني لا أجيز على نفسي إلا شاهدا مني " . قال : فيقول : كفى بنفسك اليوم عليك شهيدا وبالكرام الكاتبين شهودا " . قال : " فيختم على فيه فيقال لأركانه : انطقي " . قال : " فتنطق بأعماله ثم يخلى بينه وبين الكلام " . قال : " فيقول : بعدا لكن وسحقا فعنكن كنت أناضل " . رواه مسلم

ترجمه حدیث: از انس رضی الله عنه روایت است که وی میگوید مانزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم خنده نمود! وفرمود آیا میدانید که از چه میخندم؟ گفتیم که الله ورسول او بهتر میداند.فرمود: از جهت سخن گفتن بنده با پروردگار خود!

بنده میگوید: ای پروردگارمن! آیا من را از ظلم پناه نداده ای؟

الله میفرماید: بله من ترا از ظلم رهانیدم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: که پس بنده میگوید: اگر همینطور است من بر نفس خود یک گواه از جانب خود را روا ندارم!. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله میفرماید: امروز نفس تو جهت گواهی دادن بر تو برایت بسنده است وفرشتگان بزرگ که نویسندگان اعمال اند جهت گواهی دادن کفایت میکند.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس از جانب الله جل جلاله بر دهن وی مهر نهاده میشود وبه اعضای بدن وی گفته میشود که گویا شوید! ونطق کنید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس اعضای بدن او گویا میشود سپس مهر دهن وی باز کرده میشود وبا ارکان واعضای خود میگوید: دور باشید وهلاک شوید من از جهت شما بر مردم خصومت میکردم.

پل صراط در کجاست و کیفیت آن چگونه است؟:

پل صراط در برزخ نیست، بلکه در روز قیامت که همه انسانها محشور شدند و مورد بازخواست قرار گرفتند از پل صراط عبور می کنند، که راهی است به سوی بهشت، یعنی همه باید از آن عبور کنند تا داخل بهشت شوند.

در شریعت صراط به معنی پلی است که بر جهنم نصب شده است که همه از آن می گذرند و آن راه اهل محشر برای داخل شدن در بهشت است. کتاب و سنت بر اثبات صراط دلالت دارند.

الله تعالی می فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّکَ حَتْمًا مَقْضِيًّا*ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» مریم (۷۱- ۷۲).

یعنی: «وکسی از شما نیست مگر آنکه بر آن وارد شود این (وعده) بر پروردگارت حتمی است. سپس پرهیزگاران را رهایی می بخشیم و ستمگاران را - از پای درآمده - در آنجا واگذاریم». اکثر مفسرین منظور از وارد شدن به آتش را در اینجا به معنی گذر بر صراط دانسته اند و آن از ابن عباس، ابن مسعود، کعب الاحبار و دیگران نقل شده است.

و در صحیحین از ابوسعید خدری رضی الله عنه در حدیثی طولانی درباره دیدن پروردگار و شفاعت آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:«ثُمَّ يُؤْتَى بِالْجَسْرِ فَيُجْعَلُ بَيْنَ ظَهْرَيْ جَهَنَّمَ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجَسْرُ قَالَ مَدْحَضَةٌ مَزِلَّةٌ عَلَيْهِ خَطَاطِيفُ وَكَلَالِيبُ وَحَسَكَةٌ مُفَلْطَحَةٌ لَهَا شَوْكَةٌ عُقَيْفَاءُ تَكُونُ بِنَجْدٍ يُقَالُ لَهَا

السَّعْدَانُ الْمُؤْمِنُ عَلَيْهَا كَالطَّرْفِ وَكَالْبَرْقِ وَكَالرِّيحِ وَكَأَجَاوِيدِ الْخَيْلِ وَالرِّكَابِ فَنَاجٍ مُسَلَّمٌ وَنَاجٍ مَخْدُوشٌ وَمَكْدُوسٌ فِي نَارِ جَهَنَّمَ حَتَّى يَمُرَّ آخِرُهُمْ يُسْحَبُ سَحْبًا»

یعنی: «سپس پلی را می آورند و وسط جهنم قرار می‌دهند. گفتیم ای رسول خدا این پل چیست؟ فرمود: جایی است خطرناک و لغزنده که بر آن قلابهای تیز و خارهایی وجود دارد که دارای نوک تیز و تنه ضخیم می باشد و این خارها قلابهایی دارند که مانند خارهایی است که در نجد وجود دارند و به آنها السعدان می گویند و ایماندار بر آن مانند یک چشم برهم زدن و مانند برق، مانند باد، مانند اسبهای تیزرو و یا شتر (بر حسب ایمانشان) از روی پل می گذرند بعضی از آنها به سلامت عبور می کنند و بعضی دیگر با بدن زخمی به آخر پل می رسند و عده ای به دوزخ می افتند تا اینکه آخرین نفر را به روی این خارها می کشانند». بخاری (۷۴۳۹) ، و مسلم (۱۸۳).

وصف صراط در نصوص بسیار است و خلاصه ای از آنچه در باره آن آمده این است که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است، جایی بسیار لغزنده و خطرناک می باشد جز کسی که خدا او را ثابت قدم بدارد کسی نمی تواند خودش را حفظ کند. و صراط بر تاریکی نصب می شود (جای تاریکی است)؛ به مردم به قدر ایمانشان نورهایی عطا می شود و بر اساس آنچه در حدیث سابق گذشت بر بالای آن هرکس به اندازه ایمانش از آن میگذرد.

عقیده اهل سنت پیرامــون حــوض کوثر(درکجاســت وچــه کسانی از آن آب میخورند؟!):

خداوند متعال با اعطای حوض بزرگ و بسیار وسیعی که آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر و بویش از بوی مشک خوشبوتر است، از بنده و فرستاده‌اش، محمد صلی الله علیه وسلم اکرام و تجلیل می‌کند. لیوانهای آن حوض مانند ستاره‌های آسمان فراوان هستند. آب پاکیزه‌ی آن از رود کوثر وارد این حوض می‌شود، همان رود کوثری که خداوند آن را در بهشت به محمد صلی الله علیه وسلم اختصاص داده است. امت محمد صلی الله علیه وسلم بر این حوض وارد می شوند، هرکس یک مرتبه از آب این حوض بنوشد، دیگرتا ابد تشنه نخواهد شد.

در باره محل وقوع این حوض علما اختلاف نظر دارند، امام غزالی و قرطبی بر این عقیده هستند که این حوض پیش از عبور کردن از پل صراط در میدان محشر قرار دارد و بر این مدعا چنین استناد کرده‌اند که بعضی از وارد شوندگان بر این حوض به دوزخ فرستاده می شوند، و اگر این حوض بعد از (پل صراط) می‌بود برگرداندن بعضی از آنجا به دوزخ ممکن نمی بود. "تذکرة": ۳۰۲.

علامه ابن حجر دیدگاه امام بخاری را چنین نقل کرده است، که حوض کوثر بعد از (پل صراط) است، به دلیل اینکه امام بخاری احادیث مربوط به حوض را بعد از بیان احادیث (پل صراط) و شفاعت آورده است. فتح ا لباری: (۱۱/٤٦٦)

البته دیدگاه امام قرطبی صحیح تراست. ابن حجر رحمه الله دلایل هر دو گروه را در کتاب ارزشمند خود «فتح الباری» آورده است.

احادیث مربوط به حوض:

احادیث متواتر متعددی با سندهای متفاوت در وجود حوض پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم وارد شده است.

علما درباره متواتر بودن احادیث متعلق به حوض شک و تردیدی ندارند، بیش از پنجاه صحابه این احادیث را از رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نقل کرده‌اند. ابن حجر اسامی تمام صحابه را که احادیث متعلق به حوض را روایت کرده‌اند، نقل کرده است، ما نیز در صدد آن هستیم که برخی از احادیث متعلق به حوض را که خطیب تبریزی آنها را در مشکاة خود آورده است، نقل کنیم. مشکاة المصابیح: (۶۸/۳).

۱- بخاری و مسلم از عبدالله بن عمروبن العاص روایت می کنند که رسول‌خدا الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حوضی مسیرة شهر، وزوایاه سواء. ماؤه أبیض من اللبن، وریحه أطیب من المسک، وکیزانه کنجوم السماء، من یشرب منها فلا یظمأ أبداً».

(وسعت حوضم به مسافت یک ماه است، آبش از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر و کوزه‌هایش به اندازه ستارگان آسمان است. هرکس یک بار از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد).

۲. ابوهریره از رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند:
«إن حوضی أبعد من أیلة من عدن لهو أشدُّ بیاضاً من الثلج، وأحلی من العسل باللبن، ولآنیته أکثر من عدد النجوم، وإنی لأصد الناس عنه کما یصد الرجل إبل الناس عن حوضه، قالوا: یا رسول الله! أتعرفنا یومئذ؟ قال: "نعم لکم سیماء لیست لأحد من الأمم، تردون علی غراً محجلین من أثر الضوء». رواه مسلم
یعنی: مسافت حوضم بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است، و ظرف‌هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من مردم را پس می‌زنم همانطوری که انسان شتران دیگران را از حوضش دور می‌سازد، گفتند: ای رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پایی درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید.
۳ـ در روایاتی دیگر از حضرت انسرضی الله عنه چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « تری فیه أباریق الذهب والفضة کعدد نجوم السماء».
یعنی: تعداد آفتابه‌های طلایی و نقره‌ای به اندازه‌ی ستاره‌های آسمان می باشند.
٤ـ در روایتی دیگر از حضرت ثوبان چنین آمده است: درباره آب آن سؤال شد؟ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « أشد بیاضاً من اللبن، وأحلی من العسل یغت فیه میزابان یُمدَّانه من الجنة، أحدهما من ذهب والآخر من وَرِق».

یعنی: آبش از شیر سفیدتر است، از عسل شیرین‌تر است، دو میزاب که از بهشت سرچشمه گرفته و یکی از طلا و دیگری از نقره است به آن می‌ریزند.

آنانی که وارد حوض می شوند و آنانی که از حوض رانده می شوند :

احادیث زیادی پیرامون کسانی که وارد حوض می شوند یا از حوض رانده می‌شوند، وارد شده است، اکنون در صدد آن هستیم که برخی از این روایات را که ابن اثیر آنها را در «جامع الاصول» نقل کرده است، ارایه دهیم. جامع الاصول: (٤٦٨١١).

۱. در بخاری و مسلم از ابن مسعودرضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « أنا فرطكم على الحوض، وليرفعن إليَّ رجال منكم، حتى إذا أهويت إليهم لأناولهم اختلجوا دونی، فأقول: أی رب، أصحابی، فيقال: إنک لا تدری ما أحدثوا بعدک؟».

یعنی: من در حوض بر شما پیشی می گیرم. افرادی به من نشان داده می شوند، من بسوی آنان می روم تا آنان را گرفته بطرف حوض بیاورم ولی از ورودشان جلوگیری می‌شود، می گویم: اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟

۲ـ باز بخاری و مسلم از حضرت انس بن مالکرضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « ليردن على الحوض رجال ممن

صاحبنی، حتی إذا رأیتهم، ورفعوا إلیّ، اختلجوا دونی، فلأقولن: أی رب، أصحابی، أصحابی، فلیقالن لی: إنک لا تدری ما أحدثوا بعدک».

یعنی: افرادی از آنان که در دنیا با من همراه بودند، نزد من بر حوض آورده می شوند و وقتی که به من نشان داده می شوند، من آنان را می بینم، و بعد به سرعت از پیش من ربوده می شوند، من به ندا در می آیم و می گویم: پروردگارا! اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟.

۳- بخاری و مسلم از طریق ابی‌حازم از سهل‌بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أنا فرطکم علی الحوض، من ورد شرب، ومن شرب لم یظمأ أبداً، ولیردن علیَّ أقوام أعرفهم ویعرفوننی، ثم یحال بینی وبینهم، قال أبو حازم: فسمع النعمان بن أبی عیاش وأنا أحدثهم هذا الحدیث، فقال: هکذا سمعت سهلاً یقول؟ فقلت: نعم، قال: وأنا أشهد علی أبی سعید الخدری لسمعته یزید، فیقول: فإنهم منی، فیقال: إنک لا تدری ما أحدثوا بعدک، فأقول: سحقاً سحقاً لمن بدل بعدی».

یعنی: من در حوض بر شما پیشی می گیرم. هرکس بر من گذرد از آن می‌نوشد و هر کس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. گروهی که من آنها را شناخته و آنها نیز مرا می‌شناسند می‌خواهند بر من وارد شوند، ولی از ورودشان جلوگیری می‌شود».

ابوحازم گوید: نعمان‌بن ابی‌عیاش این حدیث را از من شنید و به من گفت: آیا واقعاً اینگونه از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: گواهی می‌دهم که من این

حدیث را از ابوسعید خدری شنیده‌ام که اینگونه آن را ادامه داد: «می‌گویم: اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟ می‌گویم: نابود باد، کسی که بعد از من منحرف شده است».

٤- باز مسلم و بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « یرد عليَّ یوم القیامة رهط من أصحابی – أو قال: من أمتی – فیحلؤن عن الحوض، فأقول: یا رب، أصحابی، فیقول: إنه لا علم لک بما أحدثوا بعدک، إنهم ارتدوا علی أدبارهم القهقری».

یعنی: روز قیامت گروهی از اصحابم (راوی می‌گوید: یا اینکه گفت: از امتم) می‌خواهند بر من وارد شوند، ولی از ورودشان جلوگیری می‌شود، می‌گویم: اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟ آنها بعد از تو به دین و آیین تو پشت کردند.

و در روایت بخاری چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بینما أنا قائم علی الحوض، إذا زمرة، حتی إذا عرفتهم خرج رجل من بینی وبینهم، فقال: هلم، فقلت: إلی أین؟ فقال: إلی النار والله، فقلت: ما شأنهم؟ فقال: إنهم قد ارتدوا علی أدبارهم القهقری، ثم إذا زمرة أخری، حتی عرفتهم خرج رجل من بینی وبینهم فقال لهم: هلم، قلت: إلی أین؟ قال: إلی النار والله، قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم قد ارتدوا علی أدبارهم، فلا أراه یخلص منهم إلا مثل همل النعم».».

یعنی: در حالی که بر حوض کوثر ایستاده‌ام، ناگهان دسته‌ای را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گویم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گویم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردند و مرتد شدند، سپس ناگهان دسته‌ای دیگر را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گویم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گویم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردند و مرتد شدند، در میان آنها کسی را نمی‌بینم که باقی گذارده شود، مگر اینکه همانند حیوانی رها شده باشد.

و در روایت مسلم چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « ترد عليَّ أمتی الحوض، وأنا أذود الناس عنه، كما يذود الرجل إبل الرجل عن إبله، قالوا: يا نبی الله تعرفنا؟ قال: نعم، لكم سيما ليست لأحد غيركم، تردون غراً محجلين من آثار الوضوء، وليصدن عنى طائفة منكم، فلا يصلون، فأقول: يا رب، هؤلاء من أصحابی، فيجیء ملک، وهل تدری ما أحدثوا بعدک؟».

یعنی: امتم نزد من بر حوض می‌آیند، و من مردم را از آنان پس می‌زنم همانطوری که انسان شتران دیگران را از شترش دور می‌سازد، گفتند: ای رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با

دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پایی درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید، اما گروهی از شما که نماز را برگزار نمی‌کردند، از ورودشان جلوگیری می‌شود، می‌گویم: پروردگارا! اینان از امتم هستند. فرشته‌ای می‌آید و می‌گوید: آیا می‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟.

و در روایت دیگری: « إن حوضی أبعد من أيلة من عدن، لهو أشد بياضاً من الثلج، وأحلى من العسل باللبن، ولآنيته أكثر من عدد النجوم، وإنی لأصد الناس عنه كما يصد الرجل إبل الناس عن حوضه، قالوا: يا رسول الله، أتعرفنا يومئذ؟ قال: نعم، لكما سيما ليست لأحد من الأمم، تردون علی غراً محجلين».

یعنی: مسافت حوضم بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است، و ظرف‌هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من مردم را پس می‌زنم همانطوری که انسان شتران دیگران را از حوضش دور می‌سازد. گفتند: ای رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پایی درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید.

امام قرطبی بعد از ذکر احادیث فوق در کتاب «التذكرة» می‌گوید: دانشمندان اسلامی راجع به احادیث مربوط به حوض گفته‌اند: تمامی کسانی که از دین برگشته‌اند و مرتد شده‌اند، یا اینکه بدعتهایی در دین به وجود آورده‌اند که خداوند بدان راضی نیست و بدان اجازه نداده، تمامی اینها از ورودشان به حوض جلوگیری

می‌شود و از آن رانده می‌شوند، اما کسانی که به شدت با آنها برخورد می‌شود و هرگز اجازه داده نمی‌شود که به حوض نزدیک شوند کسانی هستند که از جماعت مسلمانان جدا گشته و راهی دیگر را برگزیده‌اند، امثال فرقه‌های گوناگون خوارج، روافضیهای گمراه و معتزلیهایی که از هوی و هوس تبعیت کرده‌اند، تمامی اینها دین خدا را تغییر داده‌اند.

و همچنین ستمکارانی که در حد وفوری ستم روا داشته‌اند و در راستای خاموش کردن حق و قتل پیروان حق و آزار دادنشان قدم برداشته‌اند، و کسانی که به آشکارا گناهان کبیره را انجام داده‌اند و گناه را دست کم گرفته‌اند و با انحراف و بدعت و هوای نفسی روبرو شده‌اند، تمامی اینها نیز از حوض رانده می‌شوند.

لازم به ذکر است که اگر تنها در اعمال مرتکب گناه شده باشند، اما دارای عقیده‌ای صحیح باشند برای مدتی از حوض منع می‌شوند، سپس بعد از مغفرت الهی بر اثر نور وضویی که بدان شناخته می‌شوند به آنها اجازه‌ی ورود به حوض داده می‌شود، و اگر از منافقان عصر پیام‌بر الله صلی الله علیه وسلم باشند که ایمان را اظهار می‌داشتند و در نهان کفر را دنبال می‌کردند، در قیامت به ظاهر آنها را با خود برمی‌دارند، سپس سرپوش را برای آنها کنار می‌زنند و خطاب بدانها گفته می‌شود: دور شوید، دور شوید.

لازم به یادآوری است که جز کسانی که به اندازه‌ی دانه گندمی از ایمان در دلشان نیست و هر حقی را انکار نموده و از باطل پیروی نموده، کسی در دوزخ باقی نمی‌ماند. "التذکرة": ص ۳۰٦.

منابع:

- قرآنکریم.
- کتب سته.
- جامع الاحادیث الصحیح.
- رحلة الخلود.
- فتاوی ابن باز.
- فتاوی ابن عثیمین.
- سیمای روز رستاخیز.
- سایت فتاوی اهل سنت.

ختم کتاب باذن الله|شب سه شنبه ۱۳۹۸

کتب تألیف وترجمه شده توسط «أبوشاکرمسلم»

- فتاوای اهل حدیث«مکمل»
- پرسش از شما پاسخ از رسول الله ﷺ.
- رد برصدبدعت درجامعه.
- زندگی نامه دکتر ذاکر نایک حفظه الله.
- فتاوای علامه ابن عثیمین[به زبان فارسی]
- الله ﷻ درکجاست؟.
- فتاوی شیخ عبدالعزیز ابن باز
- چگونگی استفاده از موبایل واینترنت.
- زندگی نامه امام ابن تیمیه وخدمات او به اسلام.
- احکام وآداب عاشورا.
- (۵۰) احادیث باطل.
- اهل الحدیث هم اهل النبی ﷺ.
- احادیث باطل مشکوة المصابیح.
- امور خلاف شریعت.
- دخانیات واضرار آن در اسلام .
- توسل مشروع ونامشروع.
- حکم نیکتایی دراسلام(اضرارصحی نیکتایی).
- حقوق زن در اسلام.
- حقیقت مولانای روم(مثنوی معنوی).
- دفاع از شهید«امام سیدقطب».
- احکام ومسائل اعتکاف.
- دفاع از ابوهریره.
- احکام ومسائل عیدین.
- سیرة النبی ﷺ برای جوانان.
- شکست تصوف .
- حکم مسح برگردن.
- حکم مسح بر جراب.
- نماز رسول الله ﷺ.
- تخریج احادیث ضعیف وموضوعی ریاض الصالحین.
- اجماع علمای محمدی برکفر ابن عربی.
- زندگی نامه امام محمدبن عبدالوهاب
- زنان ومردان لعنتی(زنان ومردان یکه رسول الله ﷺ از آنها بیزاری خود را اعلان نموده است).
- زندگی نامه و ، واقعات حیرت انگیز امام احمد
- حکم تجلیل از میلاد النبی ﷺ.
- حکم خروج باجماعت تبلیغ.
- وجوب گذاشتن ریش در اسلام.
- تفاوت ما با سلف صالح.
- ترجمه فارسی شروط الصلاة.
- سنگسارحکمی از احکام اللهﷻ.
- زندگی نامه شیخ احمد دیدات.
- شرح افغانی ، بر اربعین نووی[دوجلد]
- شرح فارسی عمدة الاحکام.
- معرفی تفاسیر اسرائیلی وکتب ضعیف.
- شناخت فرقه های گمراه.
- حکم تعویذ دراسلام.
- زندگی نامه ابوذر غفاری رضی الله عنه.
- «۵۰۰»اقوال سلف الصالح.
- دفاع از ام المؤمنین عائشة رضی الله عنها.
- قصه های شیرین محمدی ﷺ وسلف صالح.
- امام مهدی حقیقی وخیالی.
- «۳۳» سبب برای خشوع درنماز.
- ترجمه فارسی«رسائل فی الطهارة والصلاة النبی ﷺ»(نمازتصویری).
- القول الصحیح فی بیان مالیس بصحیح.
- تخریج احادیث صحیح وضعیف«زادالطالبین»
- تجلیل از روز نوروز در آئینه قرآن وحدیث.
- اقوال اهل علم درکفر دشنام دهنده صحابه.
- جامع الاحادیث الصحیح (درمدرسه ی رسول الله ﷺ).
- واجب بودن یادگیری «زبان عربی»
- احکام ومسائل روزه ماه مبارک رمضان.
- زندگی نامه شیخ عبدالله عزام رحمه الله.
- قدس را چگونه از اسارت آزاد نماییم؟.
- امریکا قاتل بشریت.
- احکام ومسائل«زکات فطر».
- زندگی نامه امام ابن قیم رحمه الله وخدمات او به اسلام.
- زندگی نامه زنان رسول الله ﷺ.
- دجال کیست و چگونه خارج می گردد؟
- احکام ومسائل عید قربان.
- دانستنی هایکه تاحالا نمیدانستید!.
- ۱۰۰سوال وجواب پیرامون زندگی محمد ﷺ.
- زندگی نامه شیخ ناصر الدین آلبانی رحمه الله.
- حکم حیله اسقاط.
- حکم موسیقی دراسلام.
- سیف المحمدی علی عنق الماتریدی.
- حکم تلویزیون در اسلام .
- احکام وفضائل مسواک.
- عوامل شکست مسلمانان.
- خودارضایی = اضرار وراه علاج از آن.
- کیفیت وچگونگی ادای نماز وتر در روشنائی احادیث صحیح
- احکام وآداب روز جمعه.
- چگونه طالب العلم شویم؟
- زندگی نامه مرد شکست ناپذیر خالد بن ولید.
- حکم تماشایی سریال های پیامبران وصحابه
- آمادگی کانکور برای مدارس صنوف۱۲-۱٤
- ٤۰ مرد خبیث درتاریخ!
- چطور نماز جنازه ادا نماییم؟
- علامات کوچک وبزرگ قیامت.